

مطالعات تربیتی و اجتماعی



هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

حمید پارسانیا: دانشیار گروه جامعه شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
فریبا حاج علی: دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه الزهراء ع
محسن رفیعی: استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان استان قم
احمد رهنمایی: دانشیار گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع
معصومه شریفی: استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان استان قم
محمد مهدی صفورایی: دانشیار گروه روانشناسی تربیتی جامعه المصطفی ع العالمیه
زینب طیبی: استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان استان قم
فایزه عظیم زاده اردبیلی: دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق ع
محمد فاکر میبدی: استاد تمام گروه علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی ع العالمیه
عبدالله معتمدی: دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی ع

داوران این شماره (به ترتیب الفبا):

محسن رفیعی، زهره شریعت ناصری، معصومه شریفی، فاطمه سادات هاشمیان

نشانی: قم، بلوار شهید کریمی، روبروی بوستان بنفشه، پردیس حضرت معصومه ع،
دفتر بسیج اساتید خواران دانشگاه فرهنگیان استان قم.

تلفن: ۰۲۵۳۲۷۴۶۷۲

آدرس سایت: <http://qej.cfu.ac.ir/journal/contact.us>

آدرس پست الکترونیکی: qej@cfu.ac.ir

نقل مطالب دو فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.

دو فصلنامه علمی- تخصصی قرآن و عترت دارای مجوز نشر به شماره ۸۰۷۱۷ مورخ ۹۶/۱۰/۰۴ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

صاحب امتیاز: دانشگاه فرهنگیان استان قم
مدیر مسئول: معصومه شریفی
سردبیر: محسن رفیعی
مدیر داخلی و ویراستار: خدیجه کمیجانی
مدیر اجرایی: هادی برهانی
مترجم انگلیسی: توحید پاشازاده
صفحه آرا: محمد حسین همدانیان
زبان انتشار: فارسی
قالب انتشار مجله: چاپی - الکترونیکی
تناوب انتشار: دوفصلنامه
شمارگان: ۲۰۰ نسخه

ISSN: ۲۷۱۷-۱۸۳۳

دستورالعمل نگارش و ارسال مقالات دوفصلنامه علمی-تخصصی قرآن و عترت

الف) راهنمای نگارش مقالات:

۱. زبان انتشار دوفصلنامه فارسی است، از این رو مقاله به زبان فارسی باشد.
۲. مقاله تحقیقی، مستند، دارای نوآوری و براساس معیارهای پژوهشی و حاصل پژوهش علمی در یکی از موضوعات مرتبط با مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و سنت باشد.
۳. **عنوان:** عنوان مقاله دقیق، علمی، رسا، مختصر و متناسب با متن و مسأله پژوهش باشد.
۴. **مشخصات نویسنده:** شامل نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، تحصیلات، رشته، دانشگاه یا سازمان وابسته، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی باشد.
۵. **چکیده:** آینه تمام نما و فشرده بحث است که باید در بردارنده عنوان و موضوع مقاله، قلمرو بحث، اشاره به مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج، روش تحقیق و رویکرد خاص و فهرستی از واژه‌های کلیدی، حداقل سه واژه و حداکثر هفت واژه باشد و به طور جداگانه به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی و حداکثر ۱۵ کلمه ضمیمه شود.
۶. **مقدمه:** شامل خلاصه‌ای از بیان مسأله، اهمیت و ابعاد موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌های پژوهش و پیشینه پژوهش باشد.
۷. **بدنه اصلی مقاله:** در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به توصیف و تحلیل ماهیت ابعاد و زوایای مسأله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم‌بندی مطالب در قالب محورهای مشخص پرداخته شود. متن مقاله باید پاراگراف بندی شده و دارای نثری روان و یکدست باشد و مقالات دارای نثر نارسا و اشکالات ویرایشی متعدد، در فرایند داوری قرار نمی‌گیرند.
۸. **نتیجه‌گیری:** شامل مهم‌ترین نتایج مبتنی بر یافته‌های پژوهش به شیوه‌ای دقیق و روشن، تبیین میزان ارتباط یافته‌های پژوهشی با اهداف پژوهش و ارائه راهکارها و پیشنهادات.
۹. **ارجاعات:** ارجاع منابع و مآخذ در متن مقاله و به شیوه‌ی استاندارد (APA)، در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده به شکل ذیل آورده شود:
 - ۱/۹. آیات قرآن: (نام سوره: شماره آیه):
 - ۲/۹. منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه):
 - ۳/۹. منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف):
 - ۴/۹. چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
 - ۵/۹. در صورتی که به دو اثر مختلف با مؤلفان متفاوت ارجاع داده شود، به صورت (نام خانوادگی، سال نشر، جلد، صفحه/ نام خانوادگی، سال نشر، جلد، صفحه):
 - ۶/۹. اگر مؤلفان یک اثر بیش از سه نفر باشند، فقط نام خانوادگی یک نفر آورده می‌شود و با ذکر کلمه «دیگران» به سایر مؤلفان اشاره می‌شود.
 - ۷/۹. یادداشت‌ها: تمام توضیحات ضروری، در انتهای متن مقاله آورده شود (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها مانند متن مقاله، به روش درون متنی (بند ۹) خواهد بود).
۱۰. **فهرست منابع:** در پایان مقاله، فهرست منابع الفبایی به ترتیب منابع فارسی، عربی و لاتین به صورت ذیل ارائه شود:
 - ۱/۱۰. **کتاب:** نام خانوادگی، نام، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر، تاریخ چاپ (ق/م).
 - ۲/۱۰. مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی، نام، «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه، سال نشر، صفحه شروع و پایان مقاله.

- ۳/۱۰. مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایرة المعارف‌ها: نام خانوادگی، نام. «عنوان مقاله»، نام کتاب، نام ویراستار، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر، سال نشر.
- ۴/۱۰. پایان‌نامه: نام خانوادگی. نام نویسنده. «عنوان پایان‌نامه»، مقطع تحصیلی و رشته، نام دانشکده، دانشگاه، سال دفاع.
- ۵/۱۰. در صورت نامشخص بودن محل نشر از لفظ «بی‌جا»، نام ناشر «بی‌نا» و تاریخ نشر از لفظ «بی‌تا» استفاده شود.
۱۱. نقل قول‌های مستقیم به صورت جدا از متن، با تورفتگی (یک ونیم سانتی متر) از سمت راست درج شود و ابتدا و انتهای مطلب در گیومه «» قرار گیرد.
۱۲. عنوان کتاب در متن مقاله ایتالیک و عنوان مقاله در گیومه «» قرار گیرد.
۱۳. درج معادل لاتین اسامی و اصطلاحات مهجور، مقابل عبارت و در پرانتز ضروری است.
۱۴. مقاله در الگوی A۴ با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها (چپ و راست ۴ و بالا و پایین ۵ سانتی متر) و میان سطرها (۱ سانتی متر)، در محیط ۲۰۰۷ word. متن مقاله با قلم ۱۴ B Mitra (لاتین) TimesNewRoman و یادداشت‌ها و کتابنامه ۱۲ B Mitra (لاتین) TimesNewRoman حروف چینی شود و حجم مقاله حداقل ۴۰۰۰ و از ۸۰۰۰ کلمه تجاوز ننماید.
۱۵. عناوین تیترا: عناوین باروش شماره‌گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی از چپ به راست تنظیم شود و در صورت طولانی شدن تیتراهای فرعی، اعداد فارسی بکار رود.
۱۶. شکل‌ها، نمودارها و جداول: اصل عکس‌ها، نمودارها و جداول باید همراه با متن مقاله در محل مناسب علامت‌گذاری و دارای زیرنویس باشد.
۱۷. رعایت دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (www.persianacademy.com) در نگارش مقالات الزامی است.

ب) راهنمای ارسال مقالات و فرایند داوری:

۱. مقاله دستاورد پژوهش علمی نگارنده باشد و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
۲. مقاله ارسالی در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ نشده باشد. (تکمیل تعهدنامه و فرم تعارض منافع از سوی نویسنده مسئول و ارسال به دبیرخانه مجله الزامی است).
۳. نویسندگان می‌توانند با ثبت نام در سامانه <https://qej.cfu.ac.ir> مقاله خود را بارگذاری نمایند.
۴. مقالاتی که بر اساس مندرجات راهنمای نگارش مقالات مجله تهیه نشود، در فرایند ارزیابی قرار نخواهد گرفت.
۵. «دو فصلنامه نامه قرآن و عترت»، در رد، قبول، چاپ، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است و مقالات ارسالی بازگردانده نمی‌شود. مقالات رسیده توسط هیأت تحریریه و با همکاری هیأت داوران ارزیابی شده و در صورت تصویب، طبق ضوابط مجله در نوبت چاپ قرار خواهند گرفت.
۶. گواهی پذیرش مقاله پس از اتمام مراحل داوری، ویراستاری و تصویب نهایی هیأت تحریریه، توسط سردبیر مجله صادر و به اطلاع نویسنده مسئول خواهد رسید.
۷. مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله، برعهده نویسنده مسئول است.
۸. تعداد و ردیف نویسندگان مقاله به همان صورتی که در نسخه اولیه و زمان ارائه به دفتر مجله مشخص شده، مورد قبول است و تقاضای حذف یا تغییر در ترتیب اسامی نویسندگان تنها قبل از داوری نهایی و با درخواست کتبی نویسندگان و اعلام علت امر قابل بررسی است.
۹. تقدّم و تأخّر چاپ مقالات با بررسی و نظر هیأت تحریریه مشخص می‌شود.
۱۰. قالب انتشار دو فصلنامه چاپی - الکترونیکی است. در صورت چاپ مقاله، نسخه چاپی دو فصلنامه، به نویسنده مسئول اهدا خواهد شد.

فهرست مطالب

۷

نقش ابعاد پایبندی مذهبی
در پیش‌بینی امکان طلاق زنان شهر قاین
احمد موحد / خدیجه علیپور مقدم / زهره عباسی / سعیده مرادی

۲۵

راهکارهای کنترل خشم از منظر قرآن و حدیث؛ با تأکید بر حرفه معلمی
محسن رفیعی / جواد حجتی پور

۴۹

دلالت‌های قرآنی تربیت مهدوی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
فریده رضایی / معصومه شریفی

۸۵

عوامل مؤثر بر آرامش در قرآن کریم و نتایج تربیتی آن
محمد رضا مددی ماهانی / سید حمیدرضا علوی

۱۵۷

تحلیل محتوای کتب درسی آموزش قرآن کریم
و هدیه‌های آسمان دوره اول ابتدایی از حیث توجه به مؤلفه‌های تربیت هویت محور
معنوی و اخلاقی کودکان منطبق با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
مهدی میرزایی

۲۲۱

واکاوی تئوری مهدویت در منطق الطیر عطار نیشابوری
حسن حاجی زاده اناری / محمد میر

نقش ابعاد پایبندی مذهبی در پیش بینی امکان طلاق زنان شهر قاین

احمد موحد^۱

خدیجه علیپور مقدم^۲

زهره عباسی^۳

سعیده مرادی^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش ابعاد پایبندی مذهبی در پیش بینی امکان طلاق زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت شهر قاین صورت گرفته است. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی به شمار می‌رود. جامعه آماری این پژوهش، کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت شهر قاین بودند که از میان آنها ۱۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی برای نمونه انتخاب شدند. با استفاده از پرسش‌نامه‌های پایبندی مذهبی جان بزرگی (۱۳۸۸) و بی‌ثباتی ازدواج ادوارز و همکاران (۱۹۸۷م) اطلاعات لازم جمع‌آوری شد و نتایج به کمک نرم‌افزار Spss و با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد از بین ابعاد پایبندی مذهبی (پایبندی به مذهب، دوسوگرایی و ناپایبندی به مذهب) بین بعد پایبندی به مذهب با امکان طلاق، رابطه منفی و معنادار وجود دارد و بین دو بُعد دوسوگرایی و ناپایبندی به مذهب با امکان طلاق، رابطه وجود ندارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد، از بین ابعاد پایبندی مذهبی، بعد پایبندی به مذهب، توان پیش‌بینی امکان طلاق را دارد. براین اساس می‌توان گفت: با افزایش نمره این مؤلفه، میزان امکان طلاق کاهش می‌یابد و بالعکس با کاهش نمره این مؤلفه، میزان امکان طلاق افزایش می‌یابد. بنابراین با استمداد از معنویت و اتخاذ سبک زندگی اسلامی می‌توان از تعارضات و نارضایتی‌های زناشویی و اثرات منفی آن بر زندگی زوجین جلوگیری کرد و از رضایت بیشتری در زندگی زناشویی برخوردار شد. کلیدواژه‌ها: پایبندی مذهبی، ناپایبندی مذهبی، دوسوگرایی، امکان طلاق، زنان

۱. مربی گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ A.movahed@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور تهران، ایران؛ kh_alipour@pnu.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قاینات؛ z.abasi29@gmail.com

۴. کارشناسی روانشناسی عمومی دانشگاه پیام نور تهران، ایران؛ saeedeh.moradi@yahoo.com

۱. مقدمه

خانواده قدیمی‌ترین سازمان اجتماعی است که از بدو پیدایش انسان وجود داشته و در هسته مرکزی سازمان‌های اجتماعی گسترده‌تر قرار گرفته است. خانواده در حکم بافت سلولی برای اندام‌های اجتماعی عمل می‌کند و در تعلیم و تربیت، آموزش و سلامت روانی نقش دارد. به طور حتم می‌توان گفت که مرکز ثقل خانواده، زن و مرد یا در قالب زوج است. ارتباط و رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی یکی از اساسی‌ترین عوامل حفظ و سلامت خانواده و همان‌طور جامعه است. با توجه به این‌که انتخاب همسر و بستن پیمان زناشویی هم به‌عنوان نقطه عطفی در رشد و هم پیشرفتی شخصی تلقی می‌شود، بدون شک یکی از مهم‌ترین تصمیم‌هایی که در طول زندگی هرکسی گرفته می‌شود انتخاب یک شریک زندگی است (سیفی و تقوی، ۱۳۹۸، ص ۳۱).

ازدواج معمولاً جزو رسوم مهم تمامی جوامع محسوب شده و منبع حمایت، صمیمیت و لذت انسان است. همچنین ازدواج سبب پیدایش همکاری، همدردی، علاقه، مهربانی، بردباری و مسئولیت‌پذیری نسبت به خانواده می‌باشد. کارکرد اولیه ازدواج شامل عشق، محبت و صمیمیت بین زن و شوهر بوده و تغییرات تکنولوژیکی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در تغییر این کارکرد اولیه نقش اساسی دارد (صاحب‌دل و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۶۶).

به دلیل انتظارات زیاد از ازدواج، معمولاً بسیاری از افراد درمی‌یابند که روابطشان این انتظارات را برآورده نمی‌کند. معمولاً همه زوج‌ها در ابتدای ازدواج، سطح زیادی از رضایت زناشویی را گزارش می‌کنند اما رضایت از رابطه در طی زمان و در میان خیلی از زوج‌ها کاهش می‌یابد. سعادت و سلامت خانواده وابسته به وجود ارتباطات سالم و بالنده زوج‌ها بوده و چنانچه پایه خانواده از استحکام لازم برخوردار نباشد، پیامد منفی آن، انواع مشکلات جسمانی و روانی خواهد بود. امروزه ارتباط‌های مختل، تعارض‌ها و کشمکش‌های درون خانواده و ناتوانی در حل مسائل خانوادگی سبب بروز بسیاری از نابهنجارهای روانشناختی و مشکلات بهداشت روانی شده است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۴۲).

از آنجایی که خانواده اساس و شالوده زندگی فردی و اجتماعی است و هسته اصلی خانواده

زن و شوهر هستند، هرگونه تلاش برای حفظ روابط از آسیب‌های احتمالی لازم و ارزشمند است. در سال‌های اخیر، احساس امنیت و آرامش و روابط صمیمانه میان زن و مرد به سستی گراییده و کانون خانواده دستخوش فرایندهای ناخوشایند شده است و جهان قیامی ناگهانی در افزایش نرخ طلاق را تجربه کرده است (فخری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۱۰).

بی‌ثباتی ازدواج و در نتیجه طلاق، مسئله‌ای فردی نیست که عواقب و عوارض آن فقط متوجه افراد درگیر در آن شود، بلکه معضلی اجتماعی است که کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طلاق یک معضل سلامت عمومی در نهاد اجتماعی خانواده است که اثرات آن به فرزندان نیز منتقل می‌شود به نحوی که بیشترین آثار سوء ناشی از طلاق متوجه فرزندان است (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۶۶). اگر رضایت زناشویی به عنوان عامل استحکام بنیان خانواده به طور کامل به وجود نیابد، می‌تواند اثرات زیان‌بار جسمی و روانی ایجاد کند و مسیر خانواده را به بیراهه بکشاند (مارکمن^۱ و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۱۶۶).

از جمله متغیرهایی که می‌تواند به زوج‌ها برای کنار آمدن با مشکلات زناشویی کمک کند، مذهب و پایبندی مذهبی می‌باشد. تحقیقات زیادی به بررسی این موضوع پرداخته و به رابطه مثبت و معنادار بین دینداری و مذهبی بودن با رضایت زناشویی، سازگاری زناشویی، ثبات ازدواج، تقدس‌نگری نسبت به ازدواج، تعهد زناشویی، کارکرد خانواده، کیفیت ازدواج، عملکرد ازدواج، همدلی زناشویی، صمیمیت زناشویی و مهارت حل تعارض اشاره نموده‌اند (فینبرگ و لومن^۲، ۱۹۷۵، ص ۱۵۵؛ موهانی^۳ و دیگران، ۱۹۹۹، ص ۳۲۱؛ مارش و دالوز^۴، ۲۰۰۱، ص ۳۴۳ و باتلر^۵ و دیگران، ۲۰۰۲، ص ۱۹).

دین یک نظام اعتقادی است که پیروان خود را با هم پیوند می‌دهد و بین آنها

1. Markman
2. Fineberg & Lowman
3. Mahoney
4. Marsh & Dallos
5. Butler

همبستگی نزدیکی پدید می‌آورد (ویلارد و نورنزیان^۱، ۲۰۱۷، ص ۱۳۹). دین نظام اعتقادی سازمان یافته‌ای است که با مجموعه‌ای از آیین‌ها و اعمال تعیین‌کننده، شیوه پاسخدهی افراد به تجارب زندگی را مشخص می‌کند و مذهب یکی از مهمترین عواملی است که به تجارب، رفتارها و ارزش‌های انسان معنا و ساختار می‌دهد (سان^۲ و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۵۹۰). دین و مذهب، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهایی است که جامعه بشری از گذشته تاکنون به خود دیده، به طوری که هیچگاه بشر خارج از این پدیده زیست نکرده و دامن از آن بر نکشیده است. دین و مذهب به مثابه عمیق‌ترین منبعی است که موجودیت انسان در آن پرورش یافته و تمام ابعاد آن، از جمله وحدت انسان به خداوند، بدان وابسته است. بنا به گفته کارل لایل، مذهب هر فرد، واقعیت وجودی انسانی را مشخص می‌کند و بر جنبه ملی هویت ملی او نیز تأثیر دارد. اعتقادات مذهبی با سرنوشت انسان پیوند می‌خورند و جوشش‌های این عقاید در قلب انسان، اصول دیگر زندگی انسان را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد (اسمیت^۳ و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۳۰۷). مذهب (دعا و نماز، مناسک عبادی، مشارکت در آئین‌ها و تشریفات درجه اول) ادراکات زوج‌ها درباره معنای مقدس ازدواج را پررنگ می‌کند. همچنین مذهب باعث می‌شود زوج‌ها دوام و بقای ازدواج خود را از برکت خداوند بدانند و خویشاوندی و پیامدهای مثبت ازدواج نیز در سایه مذهب، رنگ مقدسی به خود خواهد گرفت (مولینز^۴، ۲۰۱۶؛ به نقل از موسوی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۴۳). تحقیقات ماهونی (۲۰۰۵، ص ۶۸۹)، هانلر و گنکوز^۵ (۲۰۰۵، ص ۱۲۳)، شررام^۶ و همکاران (۲۰۱۲، ص ۲۴۶)، متینگ‌لی^۷ و همکاران (۲۰۱۰، ص ۱۴۶۵) نشان دادند که افراد مذهبی نسبت به افراد غیرمذهبی تعهد و رضایت زناشویی بالاتری دارند.

1. Willard & Norenzayan
2. Sun
3. Smith
4. Mullins
5. Hunler & Gencoz
6. Schramm
7. Mattingly

لامبرت و دولاهیته^۱ (۲۰۰۶، ص ۴۳۹) در پژوهش خود نشان دادند باورهای مذهبی و انجام اعمال مذهبی می‌تواند به زوج‌ها در هنگام عدم توافق‌ها کمک کند. اسمیت و همکارانش (۲۰۱۲، ص ۱۱۲۶) و فرتادو و همکارانش (۲۰۱۳، ص ۱۰۱۳) دریافتند که احتمال طلاق در میان زوجینی که از دو فرهنگ و آداب و سنن و دین متفاوت هستند، بیشتر است. ریحانی و عجم (۱۳۸۱، ص ۹۶) نشان دادند که عوامل مذهبی، اخلاقی مهم‌ترین عوامل طلاق‌های شهر گناباد هستند. پژوهش فاتحی زاده و همکاران (۱۳۸۴، ص ۱۱۷) نشان داد که باورهای مذهبی از مهم‌ترین عوامل کاهش طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد است. هنریان و یونسی (۱۳۹۰، ص ۸۹)، کلانتری و همکاران (۱۳۹۰، ص ۱۲۹) ضعف پایبندی مذهبی را یکی از علل طلاق به شمار آورده‌اند. غفوری و همکاران (۱۳۸۸، ص ۱۴۳) در پژوهش خود نشان دادند که سبک‌های دلبستگی و نگرش‌های مذهبی توان پیش‌بینی موفقیت و شکست رابطه زناشویی را دارند. هراتیان و همکاران (۱۳۹۴، ص ۱۰۱) نشان دادند بین پایبندی مذهبی و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد و زوج‌های پایبند به باورهای مذهبی تعارضات کمتری را گزارش می‌کنند. همچنین یوسفی و بشلیده (۱۳۹۰، ص ۷۳) نشان دادند باورهای مذهبی و خوش‌بینی - بدبینی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده طلاق باشد. ماهونی و همکاران (۱۹۹۹، ص ۳۲۱) با تجزیه و تحلیل مشاهدات‌شان نشان دادند که جنبه‌های گوناگون عملکرد زناشویی شامل رضایت زناشویی، تعداد برخوردها و خشونت فیزیکی با فعالیت‌ها و اعتقادات مذهبی در ارتباط است، به این صورت که زوج‌های دارای اعتقادات مذهبی بالاتر، رضایت زناشویی بیشتری داشته و برخوردها و خشونت‌های آنان نسبت به هم کمتر است. ثناگویی (۱۳۹۲، ص ۹۱) نیز در پژوهشی نشان داد زنانی که پایبند به مذهب‌اند، کمتر الگوهای ارتباطی معیوب را برمی‌گزینند.

اهمیت و ضرورت معنویت و مذهب از جهات مختلف در عصر جدید احساس می‌شود یکی از این ضرورت‌ها در عرصه انسان‌شناسی توجه به بعد معنوی انسان از دیدگاه دانشمندان به ویژه کارشناسان سازمان بهداشت جهانی است که اخیراً انسان را موجودی زیستی، روانی،

1. Lambert & Dollahite

اجتماعی و معنوی تعریف می‌کنند. ضرورت دیگر طرح این موضوع ظهور دوباره کشش معنوی و نیز جستجوی درک روشن‌تری از ایمان و کاربرد آن در زندگی روزانه است (اکبری‌امرغان و عبدیوسفخانی، ۱۳۹۴، ص ۴۰).

از لحاظ درون فردی، عقاید و اعمال مذهبی، فرد را قادر به کنترل خشم خود از لحاظ فیزیولوژیکی، شناختی و عاطفی نموده و به او کمک می‌نماید تا مسؤولیت اعمال خود را در تعارض‌ها بپذیرد و از این رو می‌تواند نقش مهمی را در رضایت زناشویی ایفا نماید. از لحاظ بین فردی، اعمال و اعتقادات مذهبی حمایتی برای هردو زوج ایجاد نموده و سبب می‌شود که افراد در هنگام خشم به خدا توجه و از تعارض با یکدیگر اجتناب کنند. در ارتباط با روابط زناشویی، معنویت و ارتباط با خدا یک نقش تعاملی و جبرانی دارد. در واقع معنویت، سیستم سازمان‌یافته‌ای از باورها شامل ارزش‌های اخلاقی، رسوم و مشارکت در جامعه دینی برای اعتقاد راسخ‌تر به خدا یا یک قدرت برتر بوده و شیوه‌ای مؤثر برای مقابله با مصائب و تجارب دردناک و اثرگذاری بر چگونگی روابط انسانی در زمان مشکلات و ناراحتی‌ها است (سیفی و تقوی، ۱۳۹۸، ص ۲۷-۳۸).

نگاهی به پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نشان می‌دهد اگرچه پایبندی مذهبی در رابطه با متغیرهای مختلف مرتبط با ازدواج و خانواده سنجیده شده، ولی پژوهشی که به بررسی رابطه دو متغیر پایبندی مذهبی و امکان طلاق بپردازد یافت نشد. با توجه به مطالعات فوق‌هدف و مسئله اساسی پژوهش حاضر عبارت از بررسی نقش ابعاد پایبندی مذهبی در پیش‌بینی امکان طلاق زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت شهر قاین است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

۲.۱. پایبندی مذهبی

دین و مذهب یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهادهایی است که جامعه بشری به خود دیده است به طوری که هیچ‌گاه بشر خارج از این پدیده زیست نکرده و دامن از آن برنکشیده است. به زعم یونگ دین حالتی خاص از روح انسان است که برطبق معنی اصلی

کلمه دین، عبارت است از حالت مراقبت و تذکر و توجه دقیق به بعضی از عوامل مؤثر که بشر عنوان قدرت قاهره را به آن اطلاق می‌کند (باختری و جبرائیل‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۷۷).

پایبندی مذهبی موجب می‌شود فرد افکار، اعمال و امیال خود را براساس معیارهای مذهبی تنظیم کند. در دیدگاه چنین فردی، تمامی تجربیات زندگی روزمره رنگی خدایی می‌گیرد و فرد سعی می‌کند در همه رویدادهای زندگی خداوند را ناظر و شاهد اعمال خود ببیند و برطبق اصول و موازین دین عمل کند. همین پایبندی به ارزش‌های دینی، موجب سلامت و نشاط روحی و روانی فرد می‌شود. نتایج تحقیقات نشان داده است که افراد مذهبی از سبک و شیوه زندگی سالم‌تر و متعادل‌تری استفاده نموده و از قابلیت سازگاری و کنار آمدن بالاتری برخوردار هستند و در مقایسه با افرادی که از نظر اعتقادات دینی ضعیف‌تر هستند، احساس آرامش، امنیت و خوشبختی بیشتری می‌نمایند (نوابخش و پوریوسفی، ۱۳۸۵، ص ۷۱).

مذهب، نه تنها زندگی فردی افراد، بلکه زندگی اجتماعی و خانوادگی آنها را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد. به طوری‌که بالاترین مراتب رفتارهای دینی، پس از ایمان به خدا، برقراری روابط خویشاوندی است. آثار و نتایجی چون طولانی شدن عمر، جلوگیری از بروز بلاها و مرگ ناخوشایند، سلامتی بدن، رفع فقر و افزایش روزی، آبادی شهرها، حسن خلق، اصلاح رفتارها و ایجاد آرامش و نشاط را به همراه خواهد داشت (سالاری فر، ۱۳۸۴، ص ۳۲). در نتیجه، جوامع پایبند به اصول اخلاقی و مبنای دینی ارزشی، از روابط سالم اجتماعی، چه در سطح خانواده و چه در سطح اجتماع برخوردارند. در میان آنها صلح، صفا، اعتماد و علاقه، احترام و ادب و اخلاق حکم فرماست و کانون خانواده بسیار گرم و صمیمی است (ابراهیم‌زاده آملی، ۱۳۸۴، ص ۳۴). همچنین با توجه توصیه‌های فراوان دین اسلام بر خوش خلقی، پرهیز از خشونت، مهربانی و خیرخواهی، نوع دوستی، پرهیز از ظن و گمانهای بیهوده، پرهیز از حسادت و بغض و کینه نسبت به یکدیگر، افزایش صبر و تحمل و احترام به روابط خویشاوندی و حفظ پیوندهای خانوادگی، پایبندی به ارزش‌های مذهبی، از بروز بسیاری از آسیب‌های که در روابط خانوادگی اختلال ایجاد می‌کند و موجب تیرگی روابط می‌شود، پیشگیری می‌کند و موجب می‌شود زوجین و خانواده بتوانند از روابط بهتر و سالم‌تری برخوردار شوند (قاسمی و اعتمادی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۶).

در روابط زوجین و خانواده عدم پایبندی مذهبی، خودخواهی، حسادت، غرور، تکبر، خودپسندی، بدرفتاری‌ها، بدخلقی، سوءظن‌ها، بدزبانی، بدبینی، سودجویی‌ها، منفعت‌طلبی و بی‌تفاوتی نسبت به اعضای خانواده و زیر پا گذاشتن پیوندها و ارزش‌های خانوادگی، برای رسیدن به منافع شخصی موجب از هم پاشیدن روابط زوجین و خانواده، بی‌احترامی‌ها و قطع ارتباط‌ها می‌شود. این قطع ارتباط، نتایجی چون افزایش نگرانی در خانواده، محرومیت از حمایت‌های عاطفی و اجتماعی خانواده، انزوا، افسردگی، اضطراب و ناامیدی و پیدایش احساس بدبینی در همسر را به دنبال خواهد داشت (قاسمی و اعتمادی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۶).

۲.۲. طلاق

گسترش پدیده طلاق در جوامع امروزی، یکی از آسیب‌های اجتماعی، ریشه در تغییر و تحولات گوناگون فرهنگی، اجتماعی، زیستی و ... دارد که با پیچیده‌تر شدن زندگی امروز، سطح آن افزایش یافته و نهاد خانواده را در معرض تهدید قرار داده است. خانواده، مرکز ثقل جامعه، اولین و بنیادی‌ترین نهاد جامعه است که ضامن سلامت و بقای جامعه تلقی می‌شود. زمانی که کارکردهای خانواده، از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست می‌دهند. این فرآیند، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت واقعه حقوقی می‌شود که این گسستگی طلاق نامیده می‌شود (قطبی و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۲۷۵).

اولریک زارتلر طلاق را از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با خانواده در دنیای امروز می‌داند. پدیده طلاق از دید او در لحظه اتفاق نمی‌افتد، بلکه فرآیندی است که در طول زمان شکل می‌گیرد (لبیبی، ۱۳۹۳، ص ۷۷).

به منظور تبیین روندهای خیره‌کننده طلاق، به طور خاص و تحولات بنیادین خانواده معاصر به طور عام، طیف متنوعی از تئوری‌ها و نظریه‌ها ارائه شده است. یکی از برجسته‌ترین

تئوری پردازهای کلاسیک در حوزه مطالعه خانواده، ویلیام گود (۱۹۶۳؛ به نقل از فروتن و میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۵)، معتقد است که ریشه اصلی تحولات در وضعیت خانواده معاصر را به طور خلاصه باید در مظاهر نوگرایی (صنعتی شدن، شهر نشینی و سایر صور نوگرایی مانند سیستم‌های پیشرفته ارتباطات و حمل و نقل) جستجو کرد. آنتونی گیدنز (۱۳۷۳؛ به نقل از فروتن و میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۶) نیز، رشد چشمگیر میزان طلاق را در چارچوب تغییرات اجتماعی گسترده جوامع معاصر تبیین می‌کند و به طور مشخص به دو عامل عمده، یعنی استقلال اقتصادی زنان و گرایش فزاینده به ارزیابی ازدواج، بر حسب میزان ارضای شخصی اشاره می‌کند.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز بهداشت شهر قاین در ماه‌های تیر و مرداد ۱۳۹۸ می‌باشد که از بین آنها ۱۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها توسط ایشان تکمیل گردید. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه پایبندی مذهبی و شاخص بی‌ثباتی ازدواج بود.

۱.۳. پرسشنامه پایبندی مذهبی جان بزرگی (۱۳۸۸)

این پرسشنامه برای سنجش رفتارهای دینی و میزان پایبندی مذهبی افراد در جوامع اسلامی و بر اساس گزاره‌های قرآن کریم و نهج البلاغه (خطبه همام) درباره ویژگی‌های مؤمنان ساخته شده است. نمونه یکصد سؤالی این ابزار با ۲۶۸ آزمودنی دانشجوی با آلفای کرونباخ ۰/۷۷ مورد استفاده قرار گرفت. پس از جدا سازی ۴۰ پرسش آزمون کتلی، یک ابزار ۶۰ سؤالی فقط برای سنجش پایبندی مذهبی بدست آمد که سه عامل (پایبندی مذهبی، دوسوگرایی و ناپایبندی مذهبی) را می‌سنجد. در عامل پایبندی مذهبی، فرد بدون تردید، بر اساس معیارهای مذهبی رفتار خود را تنظیم می‌کند و می‌کوشد که همه رفتارهایش را بر اساس مذهب طراحی کند. در عامل ناپایبندی مذهبی، فرد هیچ‌گونه تعمدی به تنظیم

رفتارها بر اساس اصول یا دستور العمل‌های مذهبی ندارد. در عامل دوسوگرایی مذهبی، فرد همواره نگران و در یک حالت تردید مذهبی به سر می‌برد، میان کردار و گفتارش ناهماهنگی است، در برابر سختی‌ها کم‌تحمل است، احساس خوبی به خود و رابطه خود با خدا ندارد. از اعمال مذهبی خود ناراضی است و فقط هنگام سختی‌ها به خدا پناه می‌برد. گفتنی است، ابعادی که در این پرسش‌نامه به دست آمد فقط ابعاد دین‌داری را نمی‌سنجد؛ بلکه ابعاد روی‌آوری یا روی‌گردانی یک فرد از مذهب یا ایمان فرد به اعتقادات مذهبی را می‌سنجد. هرچند که می‌توان با آن هدف نیز پرسش‌نامه را تحلیل کرد (جان بزرگی، ۱۳۸۸، ۸۹-۹۶-۹۷-۹۹).

جان بزرگی (۱۳۸۸)، به نقل از هراتیان و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۷) با استفاده از روش تحلیل عاملی مشاهده کرد که روایی سازه این آزمون، معادل ۰/۸۱۶ است. پایایی هر یک از مقیاس‌های پایبندی مذهبی، دوسوگرایی و ناپایبندی مذهبی به ترتیب ۰/۸۷۸، ۰/۶۸۷، ۰/۷۲۵ و میانگین پایایی همه خرده مقیاس‌ها ۰/۷۶۳ است. پاسخ‌ها به شکل لیکرتی است که ضمن ارائه نمره هر عامل، نمره کلی پایبندی نیز قابل محاسبه است که با معکوس کردن سؤال‌های گویه‌های مربوط به عامل اول و دوم به دست می‌آید. نمرات همه گویه‌ها مستقیم بوده و فقط گویه ۳۵ معکوس نمره‌گذاری می‌شود.

۲، ۳. شاخص بی‌ثباتی ازدواج ادوارز و همکاران (۱۹۸۷)

شاخص بی‌ثباتی ازدواج، یک ابزار ۱۴ سؤالی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات ازدواج زناشویی توسط (ادوارز و همکاران، ۱۹۸۷؛ به نقل از ثنائی، ۱۳۸۷، ص ۶۴) تدوین شده است. این آزمون برای اولین بار در سال ۱۹۸۰ برای ۲۰۳۴ زن و مرد متأهل زیر ۵۵ سال و همچنین برای ۱۵۸۷ زن و مرد متأهل در سال ۱۹۸۳ به‌کار گرفته شد. روایی این مقیاس در پژوهش‌های متعددی مورد سنجش و تأیید قرار گرفته است و همبستگی مثبت آن با مقیاس‌های مربوط

به مشکلات و اختلالات زناشویی و همبستگی منفی آن با مقیاس‌های مربوط به تعامل و خرسندی زناشویی مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شده است (ثنایی، ۱۳۸۷، ص ۶۴). در پژوهش ریحانی و همکاران (۱۳۹۵، ص ۶۴) پایایی این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ بدست آمد.

داده‌ها توسط شاخص‌های گرایش مرکزی، شاخص‌های پراکندگی، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی امکان طلاق توسط ابعاد و زیرمقیاس پایبندی مذهبی و با کمک نرم افزار SPSS (نسخه ۲۳) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۴. یافته‌های پژوهش

در این قسمت ابتدا میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش و سپس ضرایب همبستگی و تحلیل رگرسیون به شیوه همزمان ارائه شده است.

متغیر	نمره حداقل	نمره حداکثر	میانگین	انحراف معیار
پایبندی مذهبی	۱۷	۶۶	۴۸/۸۲۰	۱۰/۶۴۲
	۶	۶۲	۳۹/۳۹۶	۱۱/۹۴۸
	۸	۴۸	۲۹/۳۵۵	۱۰/۳۰۳
امکان طلاق	۱۸	۵۳	۳۱/۴۹۱	۷/۷۶۷

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار ابعاد پایبندی مذهبی و امکان طلاق

جدول ۱، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

۵. فرضیه پژوهش: ابعاد پایبندی مذهبی توان پیش بینی امکان طلاق را دارد.

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین نمرات ابعاد پایبندی مذهبی و امکان طلاق

ابعاد پایبندی مذهبی			متغیر
ناپایبندی به مذهب	دوسوگرایی	پایبندی به مذهب	امکان طلاق
۰/۰۹۳	۰/۰۷۸	-۰/۳۵۸	
۰/۳۵۵	۰/۴۴۲	۰/۰۰۰۱	ضریب همبستگی
			سطح معناداری

باتوجه به جدول ۲، می‌توان گفت بین بعد پایبندی به مذهب با امکان طلاق رابطه منفی و معنادار وجود دارد و بین دو بعد دوسوگرایی و ناپایبندی به مذهب با امکان طلاق رابطه وجود ندارد.

جدول ۳: تحلیل رگرسیون همزمان نمره امکان طلاق بر اساس ابعاد پایبندی مذهبی

R ²	R	سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منابع تغییرات
۰/۱۴۸	۰/۳۸۵	۰/۰۰۱	۵/۵۶۹	۲۹۴/۹۴۵	۳	۸۸۴/۸۳۶	رگرسیون
				۵۳/۰۰۲	۹۶	۵۰۸۸/۱۴۷	باقی مانده
					۹۹	۵۹۷۲/۹۸۳	کل

داده‌های جدول‌های ۳ و ۴ نشان می‌دهد که پیش‌بینی امکان طلاق آزمودنی‌ها بر اساس ابعاد پایبندی مذهبی فقط در مورد بعد پایبندی به مذهب معنادار است. این متغیر در مجموع ۱۵ درصد از امکان طلاق آزمودنی‌ها را پیش‌بینی می‌کند $R^2 = 0/148$. ضریب تأثیر این مقیاس $B = -0/278$ و ضریب رگرسیون این زیر مقیاس منفی می‌باشد. براین اساس می‌توان گفت با افزایش نمره این مؤلفه، میزان امکان طلاق کاهش می‌یابد و بالعکس با کاهش نمره این مؤلفه، میزان امکان طلاق افزایش می‌یابد.

جدول ۴: ضرایب رگرسیون همزمان میزان امکان طلاق بر اساس ابعاد پایبندی مذهبی

متغیرهای پیش بین	ضریب B	خطای معیار	ضریب بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۴۱/۳۶۳	۳/۹۵۳	-	۱۰/۴۶۵	۰/۰۰۰۱
پایبندی به مذهب	-۰/۲۷۸	۰/۰۷۰	-۰/۳۷۸	-۳/۹۶۳	۰/۰۰۰۱
دوسوگرایی	۰/۰۵۷	۰/۱۰۱	۰/۰۸۷	۰/۵۵۸	۰/۵۷۸
ناپایبندی به مذهب	۰/۰۴۷	۰/۱۱۷	۰/۰۶۲	۰/۴۰۲	۰/۶۸۹

۶. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد از بین ابعاد پایبندی مذهبی (پایبندی به مذهب، دوسوگرایی و ناپایبندی به مذهب) بین بعد پایبندی به مذهب با امکان طلاق رابطه منفی و معنادار وجود دارد و بین دو بعد دوسوگرایی و ناپایبندی به مذهب با امکان طلاق رابطه وجود ندارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد، از بین ابعاد پایبندی مذهبی بعد پایبندی به مذهب توان پیش بینی امکان طلاق را دارد. بر این اساس می‌توان گفت با افزایش نمره این مؤلفه، میزان امکان طلاق کاهش می‌یابد و بالعکس با کاهش نمره این مؤلفه، میزان امکان طلاق افزایش می‌یابد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد، از بین ابعاد پایبندی مذهبی بعد پایبندی به مذهب توان پیش بینی امکان طلاق را دارد که با نتایج لامبرت و دولاهیتته (۲۰۰۶)، غفوری و همکاران (۱۳۸۸)، هراتیان و همکاران (۱۳۹۴)، یوسفی و بشلیده (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. تقیدات مذهبی در درجه اول، به بهبود روابط و تقویت و تحکم آن در بین زن و شوهر کمک می‌کند، وظایف والدینی را تسریع می‌کند، به والدین کمک می‌کند تا در زمینه روشهای تربیت فرزند با هم توافق داشته باشند. ضمن اینکه روابط مناسبی با فرزندان خود برقرار نمایند، موجب می‌شود زن و شوهر دیدگاه و اهداف مشترکی را در زندگی دنبال کنند. همچنین در مرتبه بعد تقیدات مذهبی به افراد کمک می‌کنند تا اوقات فراغت آنها در پیش خانواده و به همراه خانواده باشد و برنامه‌ریزی مناسبی در این زمینه داشته باشند. در درجه سوم، تقیدات مذهبی به افراد کمک می‌کند تا تفاوت در سلیقه‌های یکدیگر را بپذیرند و با آن

سازگار شوند، روابط مناسبی با اقوام و دوستان داشته باشند و صلح و صلوات را در برنامه زندگی خود جای دهند. در درجه چهارم، بتوانند تعارضات بین خود و همسر را به خوبی حل کنند، برای درآمد و هزینه‌های خود برنامه‌ریزی کنند. بالاخره در درجه پنجم، روابط جنسی متقابلاً رضایت بخشی داشته باشند. (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶-۷) دین و پایبندی مذهبی با مشخص کردن بایدها و نبایدهای رفتاری، حد و حدود وظایف، نقش‌ها، تکالیف و حقوق زوج‌ها را مشخص می‌کند و با ایجاد الزام درونی به انجام وظایف و نقش‌ها از ایجاد تعارض جلوگیری می‌کند. همچنین دینداری به زوج‌ها کمک می‌کند تا در چهارچوب عقلی و شرعی به ارضای نیازهای عاطفی، جنسی و ... همدیگر بپردازند و از این طریق به ایجاد رضایت زناشویی کمک می‌کند؛ زیرا یکی از شاخص‌های رضایت زناشویی، ارضای نیازهای اساسی زوج‌ها است. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۵۱) با استمداد از معنویت و اتخاذ سبک زندگی اسلامی می‌توان از تعارضات و نارضایتی‌های زناشویی و اثرات منفی آن بر زندگی زوجین جلوگیری نمود و از رضایت بیشتری در زندگی زناشویی برخوردار شد.

در پایان گفتنی است که اجرای تحقیق و بررسی متغیرهای آن در سطح شهر قاین انجام گرفته است، از این رو، به دلیل تفاوت‌های فردی و فرهنگی - اجتماعی باید برای تعمیم نتایج به سایر مناطق، جانب احتیاط را رعایت کرد. همچنین با توجه به اینکه در این تحقیق، از پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شد، بی‌دقتی و عدم صداقت احتمالی شرکت‌کنندگان می‌تواند موجب اختلال در داده‌های گردآوری شده گردد.

در این پژوهش، نقش متغیرهای تأثیرگذار بر پایبندی مذهبی مانند جهت‌گیری مذهبی و مرحله تحول روانی - معنوی افراد لحاظ نشده است. از این رو به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی، اثر تعاملی این مؤلفه‌ها را در امکان طلاق مطالعه و بررسی نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود درمانگران و مشاوران خانواده و ازدواج، با آموزش، ترویج و اشاعه باورهای دینی به زوج‌ها، پایبندی به مذهب را در دوره‌های مختلف زندگی در قالب آموزش‌های پیشگیرانه در مراکز مختلف همچون دانشگاه‌ها، مراکز مشاوره خانواده و مساجد به طور مداوم در نظر داشته باشند.

فهرست منابع

۱. ابراهیم زاده آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، «آثار دینداری در زندگی فردی و اجتماعی مریمان»، ش ۵ (۱۷)، ص ۲۹-۶۵.
۲. اکبری امرغان، حسین و عبدیوسفخانی، زینب (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه پایبندی مذهبی و رضایت از زندگی»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه تربیتی، ش ۱۰ (۴۳)، ص ۴۳-۳۷.
۳. باختری، هاجرو جبرئیل زاده، رضیه (۱۳۹۷)، «پایبندی مذهبی، امیدواری و شادکامی: نقش جنسیت و تأهل در دینداری اسلامی»، مجله مطالعات اسلامی در حوزه سلامت، ۱۲ (۱)، ص ۸۶-۶۳.
۴. ثناگویی، محمد (۱۳۹۲)، «رابطه الگوهای ارتباطی زنان و مردان با توجه به پایبندی مذهبی و رضامندی زناشویی در روابط زوجین»، روان شناسی و دین، ش ۱۶ (۱)، ص ۹۱-۱۰۹.
۵. ثنایی، باقر (۱۳۸۷)، مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: انتشارات بعثت.
۶. جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۸)، «ساخت و اعتباریابی آزمون پایبندی مذهبی بر اساس گزاره های قرآن و نهج البلاغه»، نشریه مطالعات اسلام و روانشناسی، ش ۳ (۵)، ص ۱۰۵-۷۹.
۷. ریحانی، رضا؛ سلیمانیان، علی اکبر؛ نظیفی، مرتضی (۱۳۹۵)، «پیش بینی بی ثباتی ازدواج بر اساس مهارت های تنظیم هیجانی و سبک های هویتی»، پژوهش های روانشناسی بالینی و مشاوره، ش ۱۶ (۱)، ص ۶۰-۷۶.
۸. ریحانی، طیبه و عجم، محمود (۱۳۸۱)، «بررسی علل طلاق در شهر گناباد سال ۱۳۸۱»، افق دانش، ش ۲ (۸)، ص ۹۶-۱۰۰.
۹. سیفی، یاور و تقوی، محمدرضا (۱۳۹۸)، «رابطه بهزیستی معنوی با رضایت زناشویی: نقش واسطه گری سرسختی روانشناختی»، دو فصلنامه روانشناسی معاصر، ش ۱۱۴ (۱)، ص ۴۱-۳۱.
۱۰. صاحب‌دل، حسین؛ جمشیدی، علی رضا و شکوری، زینب (۱۳۹۶)، «رابطه باورهای ارتباطی و میزان بی ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل»، زن و مطالعات خانواده، ش ۹ (۳۵)، ص ۷۸-۶۵.
۱۱. غفوری، محمدرضا؛ گل پرور، محسن؛ مهدی زادگان، ایران (۱۳۸۸)، «سبک های دلبستگی و نگرش های مذهبی به عنوان پیش بینی های موفقیت و شکست رابطه زناشویی»، تحقیقات علوم رفتاری، ش ۲ (۲)، ص ۱۴۳-۱۵۳.
۱۲. فاتحی زاده، مریم السادات؛ بهجتی اردکانی، فاطمه و نصرافهانی، احمدرضا (۱۳۸۴)، «بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد»، مطالعات تربیتی و روانشناسی، ش ۱۶ (۱)، ص ۱۳۶-۱۱۷.
۱۳. فخری، مریم السادات؛ مهدویان فرد، راحله و کیمیایی، سیدعلی (۱۳۹۷)، «پیش بینی احتمال طلاق زنان بر اساس دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله»، فصلنامه روانشناسی و مشاوره، ش ۹ (۳۳)، ص ۲۲۲-۲۰۷.
۱۴. فروتن، یعقوب و میرزایی، سمیه (۱۳۹۵)، «نگرش به طلاق و تعیین کننده های آن در ایران»، دو فصلنامه ایرانی مطالعات جمعیتی، ش ۲ (۲)، ص ۲۲۵-۱۹۳.

۱۵. قاسمی، سیمین و اعتمادی، عذرا (۱۳۹۵)، «رابطه پایبندی مذهبی و بخشش با کیفیت روابط زوجین و خانواده هسر در زنان»، *روانشناسی و دین*، ش ۹(۲)، ص ۹۷-۱۰۹.
۱۶. قطبی، مرجان؛ هلاکویی نایینی؛ کوروش؛ جزایری، سیدابوالقاسم و رحیمی، عباس (۱۳۸۳)، «وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد»، *رفاه اجتماعی*، ش ۳(۱۲)، ص ۲۷۱-۲۸۶.
۱۷. کلانتری، عبدالحسین؛ روشن فکر، پیام و جواهر، جلوه (۱۳۹۰)، «مرور سه دهه طلاق در ایران»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴(۵۳)، ص ۱۲۹-۱۶۲.
۱۸. لیبی، محمدمهدی (۱۳۹۳)، *خانواده در قرن بیست و یکم؛ از نگاه جامعه شناسان ایرانی و غربی*، تهران: نشر علم.
۱۹. موسوی، سیدولی اله؛ رضائی، سجاد؛ قربان پور لقمجانی، امیر و احمدیان، طیبه (۱۳۹۷)، «مقایسه بخشایشگری و پایبندی مذهبی در زوجین در آستانه طلاق و زوج های عادی»، *پژوهشنامه روانشناسی مثبت*، ش ۴(۲)، ص ۴۱-۵۴.
۲۰. نریمانی، محمد؛ پرزور، پرویز؛ عطادخت، اکبر و عباسی، مسلم (۱۳۹۴)، «نقش بهزیستی معنوی و پایبندی مذهبی در پیش بینی رضامندی زناشویی پرستاران»، *مجله بالینی پرستاری و مامایی*، ش ۴(۲)، ص ۱-۱۰.
۲۱. نصراللهی، زهرا؛ غفاری گولگ، مرضیه و پروا، علی اکبر (۱۳۹۲)، «عوامل تعیین کننده طلاق در ایران با تأکید بر عوامل اقتصادی»، *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۱(۴)، ص ۱۶۵-۱۸۶.
۲۲. نوابخش، مهرداد و پیوریوسفی، حمید (۱۳۸۵)، نقش دین و باورهای مذهبی در سلامت روان، پژوهش دینی، ش ۱۴، ص ۷۱-۹۴.
۲۳. هراتیان، عباس علی؛ جان بزرگی، مسعود؛ آگاه هریس، مرگان (۱۳۹۴)، «رابطه پایبندی مذهبی و تعارضات زناشویی و تفاوت آنها در میان زوجین»، *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ش ۲(۵)، ص ۱۰۱-۱۱۷.
۲۴. هنریان، مسعوده و یونسی، سیدجلال (۱۳۹۰)، «بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران»، *مطالعات روانشناسی بالینی*، ش ۱(۳)، ص ۸۹-۱۵۳.
۲۵. یوسفی، ناصر و بشلیده، کیومرث (۱۳۹۰)، «خوش بینی-بدبینی و باورهای مذهبی به عنوان پیش بینی کننده های طلاق»، *دوفصلنامه مشاوره کاربردی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ش ۱(۲)، ص ۷۳-۹۶.
26. Butler, M.H., Stout J A, Gardner B C. (2002). Prayer as a conflict resolution ritual: Clinical implications of religious couples report of relationship softening, healing perspective, and change responsibility. *American Journal of Family Therapy*, 30(1), 19- 37.
27. Fineberg, B.L., & Lowman, J. (1975). Affect and status dimensions of marital adjustment. *Journal of Marriage and the Family*, 37(1), 155- 160.
28. Furtado, D., Marcén, M., Sevilla A. (2013). Does Culture Affect Divorce? Evidence From

- European Immigrants in the United States. *Demography*, 50(3), 1013-1038.
29. Hunler, O. S., & Gencoz, T. I. (2005). The effect of religiousness on marital satisfaction: testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*, 27(1), 123-136.
 30. Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (2006). How religiosity helps couples prevent, resolve, and overcome marital conflict. *Family Relations*, 55(4), 439-449.
 31. Mahoney, A., Pargament, K. I., Jewell, T., Swank, A. B., Scott, E., Emery, E., & Rye, M. (1999). Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of Family Psychology*, 13(3), 321-338.
 32. Mahoney, A. (2005). Religion and conflict in marital and parent child relationships. *Journal of Social Issues*, 61(4), 689-706.
 33. Markman, H. J., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., & Peterson, K. M. (2013). A randomized clinical trial of the effectiveness of premarital intervention: Moderators of divorce outcomes. *Journal of Family Psychology*, 27(1), 165-172. [DOI:10.1037/a0031134] [PMid:23421844]
 34. Marsh, R., & Dallos, R. (2001). Roman Catholic couples: wrath and religion. *Journal of Family Process Fall*, 40(3), 343-360.
 35. Mattingly, B. A., Wilson, K., Clark, E. M., Bequette, A. W., & Weidler, D. J. (2010). Foggy faithfulness: Relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample. *Journal of Family Issues*, 31(11), 1465-1480.
 36. Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harris, V. W., & Lee, T. R. (2012). Religiosity, homogamy, and marital adjustment: An examination of newlyweds in first marriages and remarriages. *Journal of Family Issues*, 37(2), 246-268.
 37. Smith, D. B., Hanges, P. J., & Dickson, M. W. (2001). Personnel selection and the five-factor model: Reexamining the effects of applicant's frame of reference. *Journal of Applied Psychology*, 86(2), 304-315.
 38. Smith, S, Maas, I, van Tubergen, F. (2012). Irreconcilable differences? Ethnic intermarriage and divorce in the Netherlands, 1995-2008. *Soc.Sci.Res*, 41(5), 1126-1137.
 39. Sun, L., Deng, Y., & Qi, W. (2018). Two impact pathways from religiousbelief to public disaster response: Findings from a literature review. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 27, 588-595.
 40. Willard, A. K., & Norenzayan, A. (2017). Spiritual but not religious: Cognition, schizotypy, and conversion in alternative beliefs. *Cognition*, 165, 137-146.

راهکارهای کنترل خشم از منظر قرآن و حدیث؛ با تأکید بر حرفه معلمی

محسن رفیعی^۱

جواد حجتی پور^۲

چکیده

از مهم‌ترین مسائل، مسأله خشم است که از دیرباز تاکنون، مورد توجه اندیشمندان و دست‌اندرکاران حوزه تعلیم و تربیت بوده است. ابراز خشم در حرفه معلمی می‌تواند عامل بسیاری از آسیب‌های روحی و جسمی برای معلم و دانش‌آموز باشد. آموزه‌های اسلام - به تفصیل - راهکارهای مفیدی برای کنترل و درمان خشم ارائه می‌دهد که این راهکارها می‌تواند مورد استفاده معلم‌ها قرار گیرد. این پژوهش که با روش تحلیلی-توصیفی انجام شده بر آن است تا با بررسی آموزه‌های قرآن و حدیث، راهکارهای کنترل و درمان خشم در حرفه معلمی را از منظر قرآن و حدیث تبیین و تشریح نماید. یافته‌های پژوهش، نشان داد که راهکارهای کنترل خشم را می‌توان در دو دسته خاص و عام قرار داد. راهکارهای خاص، به موقعیت‌های خشم‌برانگیز در حرفه معلمی مربوط است و راهکارهای عام، به کنترل خشم در عموم افراد، حرفه‌ها و در موقعیت‌های گوناگون خشم‌برانگیز مربوط می‌شود. معلمان نیز می‌توانند از این مهارت‌ها جهت کنترل خشم در کلاس بهره‌مند شوند. از این رو، ضرورت دارد تا معلمان این راهکارها را فرا گرفته، با به‌کارگیری آن در موقعیت مناسب، از بسیاری آسیب‌های ناشی از خشم در حرفه معلمی جلوگیری کنند.

کلیدواژه‌ها: خشم، کنترل خشم، معلم، حرفه معلمی، قرآن و حدیث

۱. استادیار گروه آموزشی معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، قم، ایران Dr.mohsen_rafieei@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد، دانشگاه فرهنگیان، قم، ایران: Hojatijavad4@gmail.com

۱. مقدمه

مسأله خشم و کنترل آن، از برجسته مسائلی است که از دیرباز، مورد توجه اندیشمندان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت - با هر مکتب و روش - بوده است. کنترل و مهار خشم، همواره از مهمترین مهارت‌ها در حرفه معلمی بوده است. رویکرد اصلی این پژوهش، بررسی و تشریح راهکارهای کنترل و مهار خشم توسط معلمان، با تأکید بر آموزه‌های قرآن و حدیث در مدرسه و کلاس درس است. از آنجا که معلم، مسئولیت خطیر آموزش و تربیت دانش‌آموزان را برعهده دارد - به همین منظور - به مهارت کنترل خشم نیز نیازمند است. آموزه‌های قرآن و حدیث، راهکارهای کاربردی و مفیدی را جهت مهار و درمان خشم ارائه داده‌اند که قابل استفاده همگان - به خصوص قشر فرهیخته معلم - می‌باشد.

اهمیت و ضرورت پژوهش، از این جهت است که معلم با دانش‌آموز ارتباط داشته و در تربیت و آموزش او نقش مهمی ایفا می‌کند. تربیت و آموزش نیز نیازمند سعه صدر فراوان است که احتیاج به دانش و مهارت کنترل خشم دارد. بنابراین، دانستن و بکاربردن راهکارهای کنترل و درمان خشم برای معلمان، ضرورت زیادی دارد.

برجسته‌ترین هدف این پژوهش، دستیابی به راهکارهای کنترل خشم در حرفه معلمی بر اساس آموزه‌های قرآن و حدیث است. بر همین اساس، بنیادی‌ترین پرسش نیز از این قرار است: «از منظر قرآن و حدیث، راهکارهای کنترل خشم در حرفه معلمی چیست؟»
داده‌های این پژوهش با مراجعه به کتاب قرآن و مجامع روایی و تفاسیر مربوطه و کتب شروح روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و اسناد کتاب‌خانه‌ای فیش برداری شده و با بهره‌گیری از روش مطالعه توصیفی - تحلیلی، سامان و تدوین یافته است.

۲. پیشینه پژوهش

درباره کنترل و مهار خشم بر اساس آموزه‌های قرآن و حدیث کتابها و مقالات زیادی نوشته شده است. قائم‌فرد (۱۳۸۸) در کتاب «فروربردن خشم»، با شرح روایتی از پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به بررسی جوانب مختلف خشم و فضیلت فروربردن آن در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام

پرداخته است. این کتاب، نه تنها به راهکارهای کنترل آن در حرفه معلمی اشاره‌ای نداشته، بلکه به راهکارهای کلی کنترل خشم نیز اشاره کافی نداشته است. موتابی (۱۳۸۳) در کتاب «مهارت‌های کنترل خشم، ویژه معلمان»، ابتدا تعریفی از خشم ذکر نموده؛ سپس علایم هشداردهنده خشم را بررسی و طی آن شیوه‌های ابراز آن را تشریح کرده است. مباحث بعدی کتاب، بدون اشاره و توجه به حرفه معلمی، درباره راه‌ها و مهارت‌های کلی کنترل خشم است. پاک‌نیا (۱۳۸۶) در مقاله «راه‌های کنترل خشم و غضب از نگاه امام باقر (ع)»، با توجه به سخنان امام باقر (ع) بررسی و راهکارهای کوتاهی نیز بیان کرده اما به حرفه معلمی، اشاره‌ای نکرده است. موسوی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله «مهارت‌های کنترل خشم با رویکرد منابع دینی»، همچنین شریعتی و کرمی (۱۳۸۹) در مقاله «رویکرد و مهارت‌های کنترل خشم بر اساس آموزه‌های اسلامی» با تکیه بر قرآن و روایات معصومین (ع) و روان‌شناسی، مهارت‌های رفتاری کنترل خشم را بیان کرده‌اند؛ اما در این دو مقاله نیز به راهکارهای کنترل خشم در حرفه معلمی پرداخته نشده است. بنابراین با تحقیق و تتبعی که توسط نگارندگان صورت گرفت، تحقیقی که به بررسی راهکارهای کنترل و درمان خشم در حرفه معلمی بر اساس منابع دینی پرداخته باشد، به دست نیامد.

۳. مفهوم‌شناسی

۱،۳. خشم در لغت

«خشم» واژه‌ای فارسی و -در لغت- متضاد «خوشنودی» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۹۸۲۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۴۸) و به معنای «غضب، غیظ» است (دهخدا، پیشین). هر چند واژه‌های «غضب و غیظ» در فارسی به معنای «خشم» به کار رفته‌اند، اما در زبان عربی یک تفاوت ظریف معنایی دارند. راغب می‌گوید: «غضب» میل به انتقام در اثر ضربان شدید قلب (دل) است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰۸)؛ اما «غیظ» شدیدتر از غضب است که باعث حرارت و داغی وجود انسان می‌شود (پیشین، ص ۶۱۹). بنابراین، غضب و غیظ هر دو به معنای خشم است، با این تفاوت که غیظ شدیدتر از غضب است.

۲، ۳. خشم در اصطلاح

«از نظر روان‌شناسی، ارائه تعریفی دقیق از خشم به جهت تفاوت افراد در زمان، علت بروز خشم و نوع واکنش آنان دشوار است» (جعفری هرفته، ۱۳۹۸ش، ص ۱۹). اما در یک تعریف نسبتاً جامع می‌توان گفت: «خشم یک واکنش هیجانی است که در اثر جلوگیری یا خنثی کردن میل فرد به وسیله یک عامل هیجانی ناخوشایند، تحریک می‌شود» (شعاری نژاد، ۱۳۹۱ش، ص ۵۰). خشم از منظر آموزه‌های اسلامی، یکی از رذائل اخلاقی و یک حالت هیجانی نفسانی است که موجب ضربان شدید قلب و برافروختن شریان‌ها شده و حس انتقام و مقابله به مثل را در انسان شعله‌ور می‌سازد، به‌گونه‌ای که توان تعقل و تفکر در آن حالت از او سلب می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۳۳۱؛ امام خمینی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۳۳؛ نراقی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۳۴).

۳، ۳. کنترل خشم

«کنترل خشم» در منابع اسلامی، به «کظم غیظ» تعبیر شده است. «کظم» در لغت به معنای مجرا و مخرج نفس (مفردات، پیشین، ص ۷۱۲)؛ و در اصل به معنای بستن سر مشک بعد از پرکردن آن بوده (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۰؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۸۶)؛ ولی بعدها به عنوان استعاره در مورد انسانی به کار رفته که پراز خشم باشد، اما مصمم است که خشم خود را ابراز نکند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۰). پس همان‌گونه که بستن در مشک، مانع خروج آب است؛ کظم انسان هم مانع خروج و بروز خشم می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که کنترل و مهار خشم - یا همان «کظم غیظ» در منابع اسلامی - یعنی حبس آتش خشم در درون، و ممانعت از بروز آن به شکل‌های مختلف مانند فحاشی، پرخاشگری، توهین و... به عبارت دیگر، کظم غیظ نوعی خودکنترلی است که فرد برای پنهان کردن هیجانات درونی خود و جلوگیری از بروز رفتارهای خشن ظاهری و احیاناً پرخاطر، انجام می‌دهد.

۴. مهارت‌های کنترل خشم در حرفه معلمی

مهارت‌های کنترل خشم در حرفه معلمی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

الف) مهارت‌های خاص: ممکن است معلم در کلاس درس، در موقعیت‌هایی قرار گیرد که دچار خشم و عصبانیت شود. این موقعیت‌ها، ویژه حرفه معلمی است و مشاغل و حرفه‌ها و حتی افراد دیگر دچار این شرایط نشده، یا کمتر دچار می‌شوند. در این موقعیت‌ها، معلم باید از دانش و مهارت‌های لازم برخوردار باشد تا راهکارهای کنترلی خاصی را متناسب با آن موقعیت خشم برانگیز، به کار گیرد.

ب) مهارت‌های عام: مهارت‌های مختلفی است که در آموزه‌های اسلام جهت کنترل خشم برای عموم مردم بیان شده است. بدیهی است معلمان نیز می‌توانند از این مهارت‌ها جهت کنترل خشم در کلاس بهره‌مند گردند. در ادامه به شرح و توضیح این دو دسته از مهارت‌ها پرداخته می‌شود:

۱.۴. مهارت‌های خاص

بدیهی است پیش از تجویز دارو برای هر بیمار، ابتدا باید منشأ و ریشه بیماری وی را تشخیص داد. برای کنترل و مدیریت خشم در کلاس درس نیز ابتدا لازم است عوامل بروز خشم معلمان بازشناسی و سپس راهکارهای کنترل و درمان مربوط به هر یک از آنها بیان شود. اکنون عوامل بروز خشم تشریح می‌شود؛ سپس راهکارهای کنترل و درمان هر یک از آنها بیان می‌گردد.

عوامل بروز خشم در حرفه معلمی را - در یک نگاه کلی - می‌توان به این دو دسته تقسیم کرد: یک) عوامل بروز خشم مربوط به معلم؛ دو) عوامل بروز خشم مربوط به دیگران.

۱.۴.۱. عوامل بروز خشم مربوط به معلم

۱.۴.۱.۱. تعجیل و شتاب‌زدگی

در روایات، عجله از کارهای شیطان شمرده شده است (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۱۵). تصمیم زود هنگام و عجله در انجام کارها بدون تدبیر و اندیشه و بررسی واقعیت ماجرا یکی از زمینه‌های بروز خشم مخصوصاً برای معلمان است. برخورد عجولانه معلم با دانش‌آموزی که به موقع در کلاس حاضر نمی‌شود یا تکالیف خود را به موقع انجام نمی‌دهد به خشم

او می انجامد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «إِنَّمَا أَهْلَكَ النَّاسَ الْعَجَلَةُ، وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ تَوَبَّتُوا لَمْ يَهْلِكْ أَحَدٌ (همان)؛ مردم را، در حقیقت، شتاب زندگی به هلاکت افکنده است. اگر مردم آرام و از شتاب کاری به دور بودند هیچ کس هلاک نمی شد.»

راهکار پیشنهادی

تأمل قبل از هرگونه سخن و عمل، همچنین تفکر در عواقب عجله و شتاب زندگی، از برجسته ترین راه های درمان است. معلم قبل از هرچیز، باید به پیامدها و عواقب دردناک عجله فکر کند، و مصادیق فراوان تصمیم عجولانه ثبت شده در تاریخ، توسط افراد مختلف را مورد توجه قرار دهد، و آسیب های زیانبار آن را دریابد. یکی از این آثار زیانبار، ندامت و پشیمانی غیرقابل جبران است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «مَعَ الْعَجَلَةِ تَكُونُ النَّدَامَةُ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۰۰)؛ عجله موجب ندامت و پشیمانی است.»

بنابراین دانش آموزی که در انجام تکالیف خود کوتاهی کرده، ممکن است برای این قصور دلیل موجهی داشته است. لازم است معلم از عجله پرهیز و اندکی صبر نماید تا علت قصور او روشن شود. در غیر این صورت ممکن است با خشم خود به روح و روان و حتی جسم دانش آموز آسیب زده و خود نیز به شدت پشیمان شود.

۴، ۱، ۱، ۲. تکبر و خودبرتربینی

از حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام پرسیده شد: عامل غضب و خشم چیست؟ فرمود: «تکبر و خودبزرگ بینی و کوچک شمردن مردم.» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶) چرا که انسان متکبر توقع احترام و توجه بیش از حد از دیگران دارد و شأن خود را بسیار بالا می بیند. در این حالت فضایل دیگران را نادیده گرفته و از آنان انتظار کرنش، خدمت و احترام بیش از حد دارد. اما مردم با مشاهده این اخلاق ناپسند، از او رویگردان می شوند و این امر باعث منزوی شدن و کج خلقی آنان می شود. طبعاً وقتی که می بینند مردم به خواسته های آنان توجه نمی کنند بلکه برعکس از آنان رویگردان شده اند، خشمگین و عصبانی می شوند.

تکبر معلم نسبت به دانش آموزان و حتی سایر همکاران نیز می تواند عامل برانگیختن خشم نسبت به آنان باشد. شاید همین مسئله یکی از دلایلی است که در روایات و احادیث

اهل بیت عصمت و طهارت، معلم و استاد را از تکبر نسبت به شاگرد برحذر داشته و به تواضع امر کرده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۷۶)

- راهکار پیشنهادی

بزرگان اخلاق راهکارهای درمان تکبر را در دو دسته کلی «راهکار علمی» و «راهکار عملی» قرار داده‌اند (نراقی، ۱۳۸۰، ص ۲۸۸-۲۹۰؛ امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۹۳-۹۹) که به تبیین آن می‌پردازیم.

الف) راهکار علمی درمان تکبر این است که انسان اولاً با تفکر در وجود خود، به نحوه خلقت، حیات و ممات، ضعف و پستی خود پی ببرد. ثانیاً عظمت و مقام و منزلت پروردگار عالم را نیز بشناسد. با مطالعه تاریخ، از عاقبت متکبران تاریخ مثل فرعونها و نمرودها عبرت بگیرد. انسانی که آغازش نطفه‌ای پست و انجامش مرداری گندیده است مجاز به تکبر نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «عَجِبْتُ لِابْنِ آدَمَ أَوْلَهُ نُظْفَةٌ وَ آخِرُهُ جِيفَةٌ وَ هُوَ قَائِمٌ بَيْنَهُمَا وَعَاءٌ لِلْغَائِطِ ثُمَّ يَتَكَبَّرُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۳۴)؛ از فرزند آدم تعجب می‌کنم که در آغاز نطفه‌ای (پست) و در آخر مرداری (گندیده) و وسط آن دو، ظرفی برای مدفوع است؛ با این حال تکبر می‌ورزد.»

ب) راهکار عملی درمان تکبر به این صورت است که اعمال انسان‌های متواضع مانند حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان علیهم السلام و بزرگان علم و اخلاق را انجام دهد تا به تدریج این صفت در وجود او رسوخ کرده؛ ملکه نفسانی او شود. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ، وَ يَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ، وَ يَخْصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ، وَ يَرْقَعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ، وَ يَزْكُبُ الْحِمَارَ الْعَارِيَّ، وَ يُزِدُ خَلْفَهُ (نهج البلاغه، خ ۱۶۰)؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روی زمین (بدون فرش) می‌نشست و غذا می‌خورد و با تواضع همچون بردگان جلوس می‌کرد و با دست خود کفش خویش را وصله می‌کرد و بر مرکب برهنه سوار می‌شد و حتی کسی را پشت سر خویش سوار می‌کرد.»

معلم معمولاً از لحاظ سن و سال و توانایی‌های علمی و مهارت‌های حرفه‌ای از دانش‌آموزان برتر است. لذا ممکن است نسبت به این توانایی‌ها و مهارت‌ها مغرور شده و خود را برتر از دانش‌آموزان بداند. سرمشق قراردادن سیره متواضعانه حضرات معصومین و

پیشوایان دین می‌توانند مانع افتادن معلم در دام تکبر و غرور شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلْمُتَعَلِّمِينَ وَذَلَّ لِلْعُلَمَاءِ، سَادَ بِعِلْمِهِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۶)؛ هر معلمی که بر شاگردانش تواضع و فروتنی کند و خود را در برابر دانشمندان، کوچک به حساب آورد، با دانش خود به آقایی می‌رسد.» نمونه‌هایی از رفتار متواضعانه معلم نسبت به دانش‌آموزان این کارهای ساده است: سلام کردن، احوالپرسی و دست‌دادن به دانش‌آموزان، لبخند زدن به آنان، نام آنان را با احترام بردن مثلاً با لفظ آقا یا خانم، گوش کردن به سؤالات و اظهار نظرهای آنان، در بین دانش‌آموزان نشستن در حیاط مدرسه، درخواست از دانش‌آموزان با احترام و مهربانی نه با تحکم.

۳، ۱، ۱، ۴. نقدگریزی

انتقاد هرچند ظاهرش تلخ و تحملش سخت به نظر می‌آید، اما آثار مفید و سازنده‌ای دارد. از جمله سفارش‌های تربیتی اسلام این است که اولاً انسان‌ها با حلم و سعه صدر، انتقاد دیگران را بشنوند؛ ثانیاً دیگران آینه‌وار عیوب را همانند هدیه به آنان تقدیم کنند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْمُؤْمِنُ مِنْ مِرَاةِ الْمُؤْمِنِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۲۶۸)؛ مؤمن، آینه مؤمن است.» و امام صادق علیه السلام فرمود: «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۶۸۷)؛ محبوب‌ترین برادرانم نزد من، کسی است که عیب‌هایم را به من هدیه کند.» با وجود همه محاسن انتقاد، برخی از افراد از جمله معلمان در مقابل انتقاد دیگران خشمگین می‌شوند، ضعف‌های خود را نمی‌پذیرند، رفتارهای سلطه‌جویانه در پیش می‌گیرند و با حربه‌هایی چون تنبیه و ارباب، امنیت روانی کلاس را به خطر می‌اندازند.

- راهکار پیشنهادی

ریشه نقدگریزی، «حب نفس» یعنی خودخواهی و خودشیفتگی است. ناراحتی ناشی از انتقاد به دلیل ناحق بودن انتقاد نیست؛ بلکه برعکس به دلیل حق بودن آن است. انتقادشونده با این تصور که قبول انتقاد، باعث نادیده گرفته شدن شخصیتش می‌شود، به شدت ناراحت می‌شود. (اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۳۳)

امام خمینی علیه السلام در نامه به فرزند بزرگوار خود سید احمد علیه السلام همین خودخواهی و «منیت» را

عامل انتقادگریزی می دانند. ایشان می فرماید:

«از عیب جوایی‌ها نه برای آنکه به ناحق است، افسرده می شویم و از مدحت و ثناها نه برای آن است که به حق است، فرحناک می گردیم؛ بلکه برای آن است که عیب من است و مدح من نیست. «من» است که در اینجا و آنجا و همه جا بر ما حاکم است.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۵۱۶)

جهت درمان نقدناپذیری خودخواهی و منیت را کنار گذاشته و بدون تعصب عیوب خود را بپذیریم. شاید دیگران شاید چیزی را می بینند که ما نمی بینیم.

۴، ۱، ۱، ۴. سوءظن (بدگمانی)

سوءظن، یکی از بیماری‌های خطرناک روحی و سرچشمه بسیاری از ناکامی‌ها، ناامیدی‌ها، رنج‌ها و محنت‌هاست. سوءظن، آثار و پیامدهای نامطلوبی دارد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «سُوءُ الظَّنِّ يَفْسِدُ الْأُمُورَ وَيَبْعَثُ عَلَى الشَّرِّ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۹۹)؛ سوءظن، کارها را به فساد می کشد و مردم را به انواع بدی‌ها وادار می کند.» فرد مبتلا به سوءظن، به سرعت دیگران را متهم می کند و به آنان خشم می گیرد. گاهی دانش آموز در وضعیتی قرار می گیرد که نمی تواند خوب درس بخواند، یا تکالیف خود را انجام دهد؛ یا اینکه با تأخیر در کلاس حاضر می شود. معلم مبتلا به سوءظن، بدون شنیدن عذر دانش آموز به او برچسب منفی زده؛ به سرعت خشمگین و تصمیم نامناسب می گیرد.

راهکار پیشنهادی

الف- اعتنائکردن به گمان بد

خداوند در قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ (حجرات: ۱۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است.»

«منظور از این نهی، نهی از ترتیب آثار است؛ یعنی هرگاه گمان بدی نسبت به مسلمانی در ذهن شما پیدا شد، در عمل کوچک ترین اعتنایی به آن نکنید و به آن ترتیب اثر ندهید.» (مکارم و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۱۸۲)

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «ثَلَاثٌ فِي الْمُؤْمِنِ لَا يُسْتَحْسَنَنَّ وَلَهُ مِنْهُنَّ مَخْرَجٌ، فَخَرَجُهُ مِنْ سُوءِ الظَّنِّ أَنْ لَا يُحَقِّقَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۲۰۱)؛ سه چیز است که وجود آن در مؤمن پسندیده نیست و راه فرار دارد، از جمله سوءظن است که راه فرارش این است که به آن عمل نکند.

ب- حمل بر صحت

حمل بر صحت این گونه است که اگر به رفتار کسی مشکوک شد، سعی کند احتمالات صحیحی را که در مورد آن عمل وجود دارد در ذهن خود مجسم سازد و تدریجاً برگمان بد غلبه کند. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «ضَعْ أَمْرَ أَحْيِكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مِنْهُ وَلَا تُظَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحْيِكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَجِدُهَا فِي الْخَيْرِ مُحْمَلًا» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۹۴)؛ کار برادر دینی خود را به بهترین وجهی مقرر دار تا آنکه دلیلی به دست تو آید که بر تو چیره شود و راه توجیه را بر تو ببندد. و به هیچ سخنی که از برادرت برآید بدگمان مباش تا محمل خوبی برای آن توانی یافت.

۱، ۱، ۴، ۵. سخت‌گیری و توقع زیاد (کمال‌گرایی افراطی)

توقع زیاد - که در روان‌شناسی از آن به «کمال‌گرایی» تعبیر می‌شود - به معنی تمایل پایدار فرد به وضع معیارهای کامل و دست‌نیافتنی و تلاش برای تحقق آنها است (حجازی و هاشمی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۵-۱۶۰). چنین فردی ممکن است نسبت به دیگران بیش از حد با روش انتقادی عمل کند. این رفتار می‌تواند منجر به خشم و خصومت با دیگران شود. مثلاً معلمی که توقع دارد همه دانش‌آموزانش در امتحان نمره عالی کسب کنند، وقتی مشاهده کند برخی از آنان توقع او را برآورده نکرده‌اند، بسیار ناراحت و خشمگین می‌شود. این در حالی است که روایات، معلم را به اعتدال و ملایمت و عدم سخت‌گیری توصیه کرده است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «لَيْتُوا لِمَنْ تَعْلَمُونَ وَ لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۶۲؛ شهیدثانی، ۱۴۰۹، ص ۱۹۳)؛ با کسی که به او علم می‌آموزید و با کسی که از او علم فرا می‌گیرید، نرم و ملایم باشید»

- راهکار پیشنهادی

الف- توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان

بدیهی است که در یک کلاس درس، تمام دانش‌آموزان در یک سطح از استعداد و

توان هوشی، جسمی، درسی و اخلاقی نیستند. لذا ضرورت دارد معلم سطح توقع خود از دانش‌آموزان را بر اساس سطح استعداد و توان آنان تنظیم نماید. خداوند متعال به عنوان اول معلم هستی از بندگان خود به اندازه وسع و توان خود آنان تکلیف خواسته و به هیچ وجه از آنان تکلیف «ما لا یطاق» نخواست است. قرآن می‌فرماید: ﴿لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا؛ (مؤمنون: ۶۲) ما هیچ کس را جز به اندازه توانایش تکلیف نمی‌کنیم﴾

ب- توجه به اصل تدریج و تدرّج

یکی از شیوه‌های آموزش و تربیت که برگرفته از قرآن و آموزه‌های اسلام است، بهره‌گیری از «تدریج و تدرّج» است. معلم باید مطالب درسی و تربیتی را به تدریج و گام به گام به دانش‌آموزان منتقل نماید. خداوند به پیامبر اکرم ﷺ که بزرگ‌ترین معلم انسان‌هاست می‌فرماید: ﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا (اسراء: ۱۰۶)؛ و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را به تدریج نازل کردیم.﴾
تحریم مرحله‌ای و تدریجی شرب خمر و ربا، دو نمونه از بهره‌گیری از اصل تدریج توسط خداوند متعال در قرآن است. (مکارم و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۶۸-۷۳ و ج ۳، ص ۸۷-۹۰؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۶۰۵ و ج ۲، ص ۳۶۵)

۱، ۱، ۱، ۶. خستگی معلم

«خستگی، کاهش توانایی انجام دادن کار است، خواه کار بدنی باشد یا ذهنی.» (شعاری نژاد، ۱۳۹۱، ص ۲۳۲)

بنابراین خستگی بر دو نوع است: خستگی جسمی که ناشی از نبودن توان عضلانی است؛ و خستگی ذهنی که ناشی از فعالیت فکری طولانی مدت است. (قدیمی، علی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۶-۱۳۶) گاهی خستگی ترکیبی از هر دو نوع است. (همان) خستگی می‌تواند زیربنای عوارض متعددی در جسم و روح باشد که یکی از معمولترین این عوارض، خشم و عصبانیت است. (همان) معلم نیز به علت حرفه خطیر و پراهمیت و در عین حال ظریف خود ممکن است در معرض خستگی جسمی یا ذهنی و یا هر دو قرار گیرد. خستگی معلم از دو جنبه ایجاد می‌شود: اول، ویژگی منحصر به فرد کلاس مثل نظارت و مدیریت دانش‌آموزان،

همزمان با فرایند تدریس؛ دوم، لزوم بکارگیری مهارت‌های مختلف آموزش مؤثر مثل انتخاب روش مناسب تدریس و حمایت از دانش‌آموزان به لحاظ احساسی و یادگیری فردی. (میرعرب و دیگران رضی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۱-۱۵۷)

راهکار پیشنهادی

الف- اجتناب از کمال‌گرایی افراطی

کمال‌گرایی افراطی، رابطه مستقیمی با خستگی معلم دارد. معلم مبتلا به کمال‌گرایی افراطی در مقایسه با سایر همکارانش، دارای سطح پایین‌تری از سلامت روانی، مشارکت در کار و رضایت شغلی است؛ و در مقابل افسردگی و خستگی او بالاتر است. (حجازی و هاشمی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۵-۱۶۰) درمان کمال‌گرایی می‌تواند مانع خستگی معلم باشد.

ب- عشق به حرفه معلمی و سوز و گدازداشتن

سوز و گداز، اساسی‌ترین و ضروری‌ترین ویژگی معلم نمونه است. چنین معلمی به مدرسه و کلاس عشق می‌ورزد. (رشیدپور، ۱۳۸۰، ص ۱۸) این عشق چنان نیرویی به او می‌دهد که یک لحظه احساس خستگی و سستی نخواهد کرد. معلم مبتلا به کرونا که از روی تخت بیمارستان، کلاس خود را تعطیل نمی‌کند و به تدریس مجازی می‌پردازد، یا آن معلمی که هر روز مسیر طولانی و صعب‌العبور یک روستا را طی می‌کند تا به مدرسه برسد، و نمونه‌های بسیاری از این معلمان، محرکی جز عشق و علاقه ندارند. خداوند متعال، یکی از ویژگی‌های مهم پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را عشق به هدایت و تربیت انسان‌ها می‌داند. (توبه: ۱۲۸)

ج- تفریح، استراحت، خواب کافی و ورزش روزانه

خواب و استراحت کافی، تفریح و ورزش باعث بازسازی اعضای خسته و فرسوده و نیز نشاط و شادابی و تقویت آرامش انسان است. در روایات اسلامی این واقعیت به طرز جالبی به عنوان دستور بیان شده است؛ حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «عَلَى الْعَاقِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَغْلُوبًا أَنْ تَكُونَ لَهُ سَاعَاتٌ سَاعَةٌ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يَتَفَكَّرُ فِيهَا صُنْعَ اللَّهِ إِلَيْهِ وَ سَاعَةٌ يَحُلُو فِيهَا بِحِطِّ نَفْسِهِ مِنَ الْحَلَالِ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لِتِلْكَ السَّاعَاتِ وَ اسْتِجْمَامٌ لِلْقُلُوبِ؛ عاقل باید شبانه روز خود را به چند

ساعت تقسیم کند: ساعتی را به مناجات و نیایش با پروردگار، ساعتی را برای محاسبه نفس خود، ساعتی را برای تفکر در نعمت‌های خدا و ساعتی را برای بهره‌مندی نفسش از لذت‌های حلال (مثل تفریح، خواب و ورزش). پس این ساعت آخر (لذت‌های حلال) کمکی است برای بقیه ساعات و برنامه‌ها و آسایش و آرامشی است برای دلها.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۷۱)

۱، ۴، ۲. عوامل بروز خشم مربوط به دیگران

۱، ۲، ۱، ۴. گستاخی و بی ادبی دانش‌آموزان

آموزه‌های اسلامی، شخصیت و شأن معلم را بسیار رفیع و در مقام انبیا برشمرده است. (کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۷۷) از این رو، رعایت ادب و احترام و تواضع شاگرد را نسبت به معلم امری ضروری و واجب دانسته است. (کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۹۰؛ شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۲۳۴؛ بحار الأنوار، پیشین، ج ۲، ص ۴۲)

اما ممکن است هر معلمی در کلاس درس خود، با یک یا چند دانش‌آموز گستاخ و بی ادب مواجه شود. بی تردید، رفتارهای بی ادبانه باعث اختلال و بی نظمی در کلاس و افت کیفیت تدریس و در نتیجه عصبانیت معلم می‌شود.

راهکار پیشنهادی

الف- تقویت حس اعتماد به نفس دانش‌آموز

علت اصلی گستاخی و بی ادبی، عدم اعتماد به نفس است. این دانش‌آموز با چنین رفتاری از نزدیک شدن سایرین (معلم یا سایر همکاران او یا دانش‌آموزان دیگر) به خود ممانعت می‌کند. (یوسفی طبایی و فرهادی نژاد، ۱۳۸۳، ص ۴۹-۵۴) این دانش‌آموز از طرفی درصدد حفظ شخصیت خود است، از طرف دیگر به دلیل اعتماد به نفس پایین، احساس بی‌کفایتی می‌کند. بنابراین با رفتارهایی منفی مثل گستاخی ابراز وجود می‌کند. بنابراین معلم و کادر مدرسه باید با روش‌های مناسب اعتماد به نفس او را تقویت کنند. مثل دادن مسئولیت‌های کوچک به او. (همان)

ب- تغافل

تغافل یعنی خود را به غفلت زدن و چشم‌پوشی از خطا و لغزش دیگران به علت مصلحتی خاص. (موسوی ندوشن و میرشاه جعفری، ۱۳۹، ص ۶۹-۸۲) این روش تربیتی در روایات، از صفات عاقلان و کریمان شمرده شده است. (حکمت ۲۲۲؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۲) در برخی مواقع تأثیر تغافل و چشم‌پوشی از خطای یک دانش‌آموز، نسبت به عفو و گذشت او بیشتر است. براساس پژوهش‌های انجام شده چشم‌پوشی از برخی رفتارهای نامناسب دانش‌آموزان، نقش مهمی در مدیریت کلاس دارد. (موسوی ندوشن و میرشاه جعفری، همان) این رفتار معلم در عین حفظ شخصیت دانش‌آموز و ممانعت از تکرار گستاخی او، فرصت کنترل هیجانات منفی و خشم را به معلم می‌دهد.

۱، ۲، ۴. تنبلی و درس‌نخواندن دانش‌آموز

معمولاً معلمان وقت زیادی را صرف دانش‌آموزان تنبل و درس‌نخوان کرده و کار تدریس و کلاس به کندی پیش می‌رود. برخی از معلمان برای آنکه این دانش‌آموزان را وادار به کار کنند رفتار خشن و تندی در قبال آنان در پیش می‌گیرند.

راهکار پیشنهادی

کشف علت تنبلی و به‌کارگیری روش‌های متناسب یا آن

عدم اعتماد به نفس، مشکلات خانوادگی مثل فقر یا رفاه، اختلاف یا جدایی والدین، عدم پذیرش در گروه، نیازهای اولیه مانند خستگی، گرسنگی و... می‌تواند از علل تنبلی باشد. لذا معلم و مدرسه باید هر تلاشی که جهت درمان تنبلی انجام می‌دهند متناسب با علت تنبلی باشد. بعضی از اقداماتی را که می‌توان انجام داد به شرح زیر است:

برچسب نزدن به دانش‌آموز؛ پلکانی عمل کردن (یعنی در ابتدا کارهای کوچک و کوتاه مدت را به دانش‌آموز محول کنیم، سپس مرحله به مرحله کارهای بزرگ‌تر)؛ شرکت دادن دانش‌آموز در گروه و مسئولیت دادن به او؛ بازگ کردن توانایی‌های دانش‌آموز؛ سؤال از دانش‌آموز درباره علایق و تمایلات او و توجه به علایق او حتی علایق کوچک و جزئی (امادرباره آنچه که دوست نمی‌دارد چیزی نباید پرسید)؛ تشویق والدین به انجام معاینه‌های جسمانی از دانش‌آموز؛

تعیین زمان برای دانش آموز جهت انجام تکالیف؛ پاداش دادن به موفقیت‌ها و تشویق دانش آموز. (یوسفی طبایی و فرهادی نژاد، ۱۳۸۳، ۳۵ و ۳۶، ص ۵۰-۵۵) البته به کارگیری هریک از این اقدامات بستگی به علت و شرایط و تشخیص معلم و مدرسه دارد.

۱، ۲، ۳. بی‌نظمی دانش‌آموز و بی‌توجهی به معلم

نظم و انضباط در شرع مقدس اسلام بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علیه السلام در عهد نامه مالک اشتر او را به رعایت نظم فرمان می‌دهد. (نامه ۵۳) ایشان حتی در بستر شهادت و آخرین پیام و وصیت خود همگان را به رعایت نظم توصیه کرده و می‌فرماید: «أَوْصِيكُمَا وَجَمِيعِ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ (نامه ۴۷)؛ شما را (ای حسن و حسین) و همه خانواده و فرزندانم و هرکس را که نوشته من به او می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم.»

رعایت نظم در کلاس درس به عنوان مجموعه‌ای که هدف تربیت و آموزش و تعالی دانش‌آموزان را دنبال می‌کند بسیار مهم است. بی‌انضباطی دانش‌آموزان مانند دیر وارد شدن به کلاس و عدم انجام تکالیف درسی روند آموزش و یادگیری را دچار اختلال کرده و فضای کلاس را با تنش مواجه می‌کند. ممکن است معلم با دانش‌آموز بی‌نظم برخورد مناسب نداشته، با تهدید و عصبانیت رفتار کند.

راهکار پیشنهادی

الف- رعایت نظم توسط خود معلم

قرآن کریم می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ (بقره: ۴۴)؛ آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید؟» این آیات در مقام توبیخ و سرزنش کسانی است که از دیگران کاری را طلب می‌کنند اما خود عامل آن نیستند. همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزُلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفا (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۴۴)؛ اگر عالم به علمش عمل نکند، موعظه و پند او از قلبها می‌لغزد، چنانکه باران از روی سنگ صاف می‌لغزد.»

معلم نیز قبل از تدریس هر موضوعی به دانش‌آموزان خود باید عامل باشد تا در دانش‌آموز

اثر کنند. از آنجا که معلم برای دانش‌آموزان در حکم الگو و اسوه است، چنانچه خود منظم باشد، «نظم» که اولین درس است را، به طور مستقیم به دانش‌آموزان منتقل می‌کند.

ب- داشتن طرح درس

«تدریس موفق، قبل از ورود دانش‌آموزان به کلاس آغاز می‌شود. معلم خوب پیش از آغاز درس برای تدریس درس خود برنامه‌ریزی می‌کند.» (حسن نژاد و دیگران، ۱۳۹۳، خردادماه)

اگر معلم قبل از کلاس، طرح درس خود را آماده کرده باشد، در کلاس آماده و مسلط بر درس خواهد بود. با اعتماد به نفس کامل کلاس را اداره کرده و از بی‌نظمی جلوگیری می‌کند.

ج- آزادی دادن به دانش‌آموزان در زمان مناسب و به اندازه

عدم وجود مقررات و آزادی بی‌حد و حصر دانش‌آموزان باعث رهاشدن کلاس و کاهش نفوذ و قدرت معلم برای اداره کلاس می‌شود. از طرف دیگر سخت‌گیری بیش از حد معلم نیز دانش‌آموز را عصبی و گستاخ کرده و گاه کنترل کلاس را از دست معلم خارج و باعث بی‌نظمی می‌شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «كُنْ مُقَدِّراً وَلَا تَكُنْ مُقْتَرّاً (حکمت ۳۳)؛ حسابگر باش اما سخت‌گیری نکن.»

د- شرایط فیزیکی مناسب کلاس

سردی و گرمی کلاس، نظافت کلاس، نوع رنگ و تزئینات کلاس، بوی بد کلاس، نوع چینش صندلی‌ها، سر و صدای بیرون کلاس، ورود و خروج بی‌جا و بی‌موقع دانش‌آموزان از کلاس، مراجعات مکرر و بی‌جای همکاران و کادر مدرسه به کلاس و سایر عوامل فیزیکی می‌تواند موجب حواس‌پرتی و بی‌نظمی کلاس شود. ضرورت دارد معلم این عوامل حواس‌پرتی دانش‌آموز را برطرف و فضایی مناسب در کلاس ایجاد کند.

ه- به‌کارگیری مهارت‌ها و روش‌های تدریس متنوع و جذاب

معمولاً معلمان جهت تدریس از روش سخنرانی استفاده می‌کنند و دانش‌آموزان نقشی در آن ندارند. به همین دلیل کلاس از تنوع لازم برخوردار نیست و باعث کسالت و تنبلی دانش‌آموز می‌شود. او برای رهایی از این خستگی و کسالت با رفتارهایی مثل جابه‌جایی بی‌جا در کلاس، صحبت با بغل دستی و... نظم کلاس را به هم می‌ریزد. مهارت و هنر معلمی حکم

می‌کند در فواصل و موقعیت‌های مختلف روش‌های متنوع و جذاب تدریس مانند روش‌های توضیحی، مدرسه‌ای، نمایشی، پرسش و پاسخ، نموداری و کارگاهی را به کارگیرد. (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۶۵-۷۰) در کنار این روش‌ها، مجموعه‌ای از مهارت‌ها مانند مهارت داستان‌گویی، مسابقه، بازی با کلمات، ضرب‌المثل‌ها، معما، شعر، بازی و سرگرمی نیز می‌تواند جاذبه بیشتری به کلاس درس بدهد. (رک: پیشین، ص ۷۱-۱۱۵)

۴، ۲، ۱، ۴. مشکلات معیشتی و عدم تأمین نیازهای مادی

مشکلات معیشتی و اقتصادی می‌تواند زمینه مشکلات روحی و روانی مثل خشونت در هر حرفه‌ای مخصوصاً در حرفه معلمی شود. امام صادق علیه السلام فرمودند: «عَلَاءَ السَّعْرِ يَسِيءُ الْخُلُقُ؛ گرانی قیمت‌ها، باعث بداخلاقی می‌شود.» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۵۵) متأسفانه علی‌رغم اهمیت تعلیم و تربیت و حرفه معلمی، بسیاری از معلمان با مشکلات معیشتی روبه‌رو بوده و دستمزد آنان پاسخگوی نیازهای زندگی آنان نیست. این امر تا حدودی بر جایگاه و شأن اجتماعی معلم تأثیر منفی گذاشته است. برخی از معلمان جهت تأمین مخارج زندگی خود به شغل دوم و سوم روی می‌آورند. همین موضوع یکی از مشغله‌های ذهنی و عامل خستگی معلم است که به خشم او را در کلاس برمی‌انگیزد. هرچند طرح رتبه‌بندی معلمان تا حدودی مشکلات مالی و معیشتی آنان را کم می‌کند، اما باز هم به طور کامل مرتفع نمی‌شود. باید این واقعیت را پذیرفت که ممکن است این مشکلات در تمام طول خدمت یک معلم وجود داشته باشد، اما دست روی دست گذاشتن و انتظار کشیدن روزی را که دولت و وزارت آموزش و پرورش مشکلات معیشتی معلمان را مرتفع کند عاقلانه نیست. بنابراین بر خود معلمان عزیز است که با بکارگیری راهکارهایی مانع بروز خشم حاصل از مشکلات معیشتی خود در کلاس شوند.

راهکارهای پیشنهادی

الف- توجه به رسالت و جایگاه مقدس معلمی

«معلمی یک کار مقدس شمرده می‌شود زیرا عبادتی چند منظوره است. معلمی شغل خدا و جبرئیل است.» (قرائتی، ۱۳۹۶، ص ۱۶) چنانچه در سوره الرحمن می‌خوانیم: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ

(الرحمن: ۱-۲)؛ خدای بخشنده قرآن را تعلیم فرمود.﴾ بدین جهت معلم باید خود را فرستاده خدا و جانشین انبیاء الهی بداند که مأمور آموزش علم به بندگان اوست. معلم حمال حرف نیست که کارش حمل مشتی حرف از منزل به مدرسه و دانشگاه باشد. (فاضلی، ۱۳۸۵، ص ۲۳)

ب- پرهیز از جزع و بی‌تابی

«جزع» نقطه مقابل «صبر» است، و آن حالت بی‌قراری در برابر مشکلات است، به طوری منجر به یأس و ناامیدی و چشم‌پوشی از تلاش و کوشش شود. (مکارم، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۷۱)

جزع و بی‌تابی معلم در مشکلات را در نظرش بزرگ‌نمایی کرده و خشم او را برمی‌انگیزد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْجَزَعَ فَإِنَّهُ يَقَطُّعُ الْأَمَلَ وَ يُضَعِّفُ الْعَمَلَ وَ يُورِثُ الْهُزْنَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۷۹)؛ از بی‌تابی کردن بپرهیز! که آن امید را قطع می‌کند و عمل را ضعیف می‌گرداند و اندوه به همراه می‌آورد»

ج- توجه به پایین‌تر از خود در مسائل مادی

در آموزه‌های اسلامی همواره تأکید شده است که در مسائل معنوی به بالادست خود و در مسائل مادی به پایین‌دست خود توجه داشته باشیم. براساس این بینش روح قناعت در انسان تقویت شده و توان تحمل مشکلات معیشتی افزایش می‌یابد. امام صادق علیه السلام به حمران بن اعین می‌فرماید: «يا حمران! أَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَفْنَعُ لَكَ مِنْ قَسَمِ لَكَ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۵۵۵)؛ ای حمران! به کسی که در زندگی از تو پایین‌تر است نگاه کن. به کسی که در زندگی از تو بالاتر است ننگر. زیرا این‌طور در مقابل آنچه که به تو داده شده قانع می‌کند.»

۲.۴. مهارت‌های عام

بیان شد که در آموزه‌های اسلام، راهکارهایی جهت کنترل و مهار خشم برای عموم مردم بیان شده است. این راهکارها برای معلمان بسیار مفید و کاربردی است و می‌توانند جهت کنترل خشم خود و مخاطبان در کلاس از آنها بهره‌مند شوند. راهکارها را می‌توان در این دو دسته قرار داد: (یک) راهکارهای نظری؛ (دو) راهکارهای عملی

۱، ۲، ۴. راهکارهای نظری

۱، ۱، ۲، ۴. تقوا

از نظر قرآن یکی از صفات متقین، کظم غیظ است: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِبِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران: ۱۳۴)؛ (متقین) در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند؛ و خشم خود را فرو می‌برند؛ و از خطای مردم درمی‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد.»

۲، ۱، ۲، ۴. دعا و ذکر (یاد خدا)

ذکر و یاد خدا عاملی بسیار مهم در کنترل خشم است. امام صادق علیه السلام فرمود: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى بَعْضِ أَنْبِيَائِهِ: يَا ابْنَ آدَمَ، اذْكُرْنِي فِي غَضَبِكَ؛ اذْكُرْكَ فِي غَضَبِي (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۷۴۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۳۶۴)؛ خداوند به یکی از پیامبران خود وحی کرد: ای فرزند آدم! در هنگام غضبت مرا یاد کن تا من نیز به هنگام غضبم تو را یاد کنم.»

مداومت بر «استعاذه» (اعوذ بالله من الشيطان الرجيم) و «حوقله» (لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم) هم در مهار خشم بسیار مؤثرند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲، ص ۳۳۹؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۵) برخی دعاهای خاص نیز جهت کنترل خشم از سوی معصومین علیهم السلام وارد شده است. (مجلسی، پیشین، ص ۳۳۸؛ نوری، پیشین، ص ۱۴)

۳، ۱، ۲، ۴. یاد مرگ

توجه انسان به مرگ و معاد و زندگی فانی دنیا سبب می‌شود مراقب رفتار خود باشد و به راحتی خشمگین نشود. امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر می‌فرماید: «املك حمية أنفك، وسورة حدك، وسطوة يدك وعرب لسانك، واخترش من كل ذلك بكف البادرة، وتأخير السطوة حتى يسكن غضبك فتملك الاختيار ولن تحكم ذلك من نفسك حتى تكثر هومك بذكر المعاد إلى ربك (نامه ۵۳)؛ ای مالک! باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دستت، تندی زبانت را در اختیار خود گیر، و با پرهیز از شتابزدگی، و فروخوردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم فرو نشیند و اختیار نفس در دست تو باشد. و تو بر نفس مسلط نخواهی شد مگر با یاد فراوان قیامت، و بازگشت به سوی خدا.»

۲، ۲، ۴. راهکارهای عملی

۱، ۲، ۲، ۴. سکوت

«سکوت» ابزاری مهم جهت کنترل و مهار خشم است که در روایات توصیه شده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۲۷۳)؛ هرگاه عصبانی شدی سکوت کن. «امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرمود: «دَاوُوا الْعَضْبَ بِالصَّمْتِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۸۱۹)؛ خشم و غضب را با سکوت درمان کنید.»

۲، ۲، ۴. وضو و غسل

در هنگام خشم به سبب افزایش فعالیت ماهیچه‌ها و افزایش گردش خون، دمای بدن به شدت بالا می‌رود. بنابراین وضو گرفتن با آب سرد باعث کاهش حرارت بدن و در نتیجه کاهش خشم می‌شود. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «إِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَتَوَضَّأْ وَ لْيُغْتَسِلْ فَإِنَّ الْعَضْبَ مِنَ النَّارِ» (مجلسی، پیشین)؛ هرگاه یکی از شما خشمگین شد پس وضو بگیرد و غسل کند. زیرا که غضب از آتش است.»

۳، ۲، ۲، ۴. تغییر وضعیت و موقعیت (هجرت نرم و سخت)

تغییر وضعیت، یعنی تغییر حالت ذهنی (نرم) و فیزیکی (سخت). فرد خشمگین اگر نشسته است بایستد، یا اگر ایستاده است بنشیند یا قدم بزند. حتی معلم می‌تواند برای لحظه‌ای هم که شده، کلاس را ترک کند؛ به دفتر مراجعه و یک لیوان آب سرد یا یک استکان چای بنوشد و دوباره به کلاس برگردد. این راهکار در روایات فراوان توصیه شده است. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «فَأَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ وَ هُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رَجْزُ الشَّيْطَانِ وَ إِنْ كَانَ جَالِسًا فَلْيَقُمْ» (پیشین، ص ۲۶۴)؛ هر کسی که خشمگین شد، اگر ایستاده است بنشیند تا پلیدی شیطان از وجودش خارج شود. و اگر نشسته است بایستد.»

۴، ۲، ۲، ۴. تغذیه مناسب

تغذیه مناسب و پرهیز غذایی درست برآستانه تحریک هر فرد به میزان قابل توجهی اثر می‌گذارد. مصرف برخی غذاها سیستم اعصاب را تحریک و فرد را عصبی مزاج می‌کند. غذاهای سرخ شده، تند و ادویه دار، ترشی و سرکه از این دسته‌اند. در روایات نیز به خواص

برخی خوراکی‌ها از جمله کشمش و روغن زیتون در کنترل خشم اشاره شده است. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «نِعْمَ الطَّعَامُ الذَّيْبُ يَشُدُّ الْعَصَبَ وَيَذْهَبُ بِالْوَصْبِ وَيَطْفِئُ الْغَضَبَ...» (پیشین، ج ۶۳، ص ۱۵۳)؛ چه نیکو خوراکی است کشمش، اعصاب را تقویت می‌کند، ضعف جسمی را برطرف و خشم را خاموش می‌سازد. (پیشین، ج ۶۲، ص ۴۴) همچنین امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام ضمن برشمردن خواص روغن زیتون یکی آر خواص آن را فررو نشاندن خشم می‌داند: «نِعْمَ الطَّعَامُ الزَّيْتُ يَطْبِئُ التَّكْهَةَ... وَ يَطْفِئُ الْغَضَبَ؛ روغن زیتون، خوب طعمی است که دهان را خوش بو می‌کند... و خشم را فرو می‌نشانند.» (پیشین، ج ۶۳، ص ۱۸۳)

۴، ۲، ۵. تحلم

«به دست آوردن حلم، با تقلید یک رفتار ناشی از بردباری، تعقل، دوراندیشی و ناشی از کنترل خشم همزمان را «تحلم» گویند.» (کیومرثی اسکویی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴) به عبارت ساده، تحلم یعنی خود را به بردباری زدن. اگر کسی حلیم نیست باید به حلم و بردباری وانمود کند تا به مرور توانایی مهار خشم و غضب را به دست آورد. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ، فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَسَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ» (حکمت ۲۰۷)؛ اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری بزن، زیرا اندک است کسی که خود را همانند مردمی کند و از جمله آنان به حساب نیاید.»

۵. نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد نتایج زیر حاصل می‌گردد:

بروز خشم در حرفه معلمی منشأ بسیاری از آسیب‌های جسمی و روحی برای معلمان و دانش آموزان است.

در قرآن و احادیث راهکارهایی برای درمان و کنترل خشم بیان شده است. ضرورت دارد معلمان عزیز این راهکارها را آموخته و به کار گیرند. برخی از این راهکارها اختصاص به حرفه معلمی دارد. برای آگاهی از این راهکارها ابتدا لازم است عوامل و ریشه‌های بروز خشم معلمان بازشناسی شود. با توجه به ریشه‌ها و عوامل بروز خشم در حرفه معلمی این عوامل در دو

دسته عوامل مربوط به معلم و عوامل مربوط به دیگران جای می‌گیرند. برخی از راهکارهای کنترل خشم عمومی و مورد استفاده همه قشرها و حرفه‌هاست. اما برای معلمان نیز بسیار راه‌گشاست؛ که در دو دسته رهکارهای معنوی و راهکارهای رفتاری قرار می‌گیرند. تقوا، دعا و ذکر، و یاد مرگ از راهکارهای نظری؛ و سکوت، وضو و غسل، تغییر وضعیت و موقعیت، تغذیه مناسب و تحلم از جمله راهکارهای عملی هستند.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم (۱۳۸۰ش)، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ۲- سیدرضی، نهج البلاغه (۱۳۸۶ش)، ترجمه محمد دشتی، قم: حماسه.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
- ۴- اسلامی، حسن (۱۳۸۹ش)، انتقاد و انتقادپذیری، چ ششم، تهران: عروج.
- ۵- اکبری، محمود (۱۳۹۴ش)، مهارت‌های کلاس‌داری، قم: فتیان.
- ۶- امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۱ش)، شرح چهل حدیث، چ بیست و پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- ۷- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹ش)، صحیفه امام، چ پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- ۸- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، چ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ۹- بستانی، فؤاد افرازم (۱۳۷۵ش)، فرهنگ ابجدی، چ دوم، تهران: اسلامی.
- ۱۰- پاک‌نیا، عبدالکریم (۱۳۸۶ش)، «راه‌های کنترل خشم و غضب از نگاه امام باقر علیه السلام»، کیهان، ص ۶.
- ۱۱- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الکلم و دررالحکم، چ دوم، قم: دارالکتب الاسلامی.
- ۱۲- جعفری هرفته، مجید (۱۳۹۸ش)، مدیریت خشم در خانه، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
- ۱۳- حجازی، اسد؛ هاشمی، سعیدالله (۱۳۹۹ش)، «خستگی عاطفی بر اساس ابعاد کمال‌گرایی و هیجانات معلمان، پژوهش در نظام‌های آموزشی»، ش ۱۴، ص ۱۴۵-۱۶۰.
- ۱۴- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- ۱۵- حسن نژاد، سیدصلاح و دیگران (خرداد ۱۳۹۳)، «نقش معلمان و روش‌های نوین یاددهی-یادگیری در تحول بنیادین آموزش و پرورش»، مقاله ارائه شده در سومین همایش مجازی ره‌آوران آموزش با محوریت توسعه و بهسازی با آموزش.
- ۱۶- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، چ دوم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
- ۱۸- رشیدپور، مجید (۱۳۸۰)، معلم نمونه، چ دوم، تهران: پرنیان.
- ۱۹- شریعتی، سیدصدرالدین؛ کرمی، مرتضی، «رویکرد و مهارت‌های کنترل خشم بر اساس آموزه‌های اسلامی»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۳۸۹، ش ۱(۳)، ص ۷۳-۱۰۰.
- ۲۰- شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، فرهنگ توصیفی علوم رفتاری - شناختی، تهران: اطلاعات.
- ۲۱- شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۲)، روان‌شناسی رشد، تهران: امیرکبیر.
- ۲۲- شهیدثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۹ق)، منیه المرید، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۲۳- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ دوم، بیروت: لبنان.
- ۲۴- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، تفسیر جوامع الجامع، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
- ۲۵- فاضلی، قادر (۱۳۸۶)، معلم نمونه، چ سوم، تهران: فضیلت علم.

- ۲۶- قدیمی، علی و دیگران، «واکاوی گذاره‌های روان‌شناختی خستگی ذهنی در محیط کار»، *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۱۳۹۶، ش(۳)، ص ۱۲۶-۱۳۶
- ۲۷- قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۲۸- قرائتی، محسن (۱۳۹۶)، *مهارت معلمی*، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۲۹- قائم‌فرد، محمد (۱۳۸۸)، *فروبردن خشم*، اصفهان: مجتمع فاطمیه.
- ۳۰- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم: دارالحدیث.
- ۳۱- کیومرثی اسکویی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *مهار خشم*، قم: دارالحدیث.
- ۳۲- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، چ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۳۳- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، چ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۴- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۴)، *اخلاق در قرآن*، چ سوم، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب.
- ۳۵- موتابی، فرشته (۱۳۸۳)، *مهارت‌های کنترل خشم ویژه معلمان*، تهران: طلوع دانش.
- ۳۶- موسوی، سید محمد حسین و دیگران، (۱۳۹۷)، *مهارت‌های رفتاری کنترل خشم با رویکرد منابع دینی*، *روان‌شناسی تربیتی*، ش ۳۵، ص ۱۳۳-۱۳۷
- ۳۷- موسوی ندوشن، فاطمه‌السادات؛ میرشاه جعفری، سیدابراهیم، (۱۳۹۶)، «تغافل شیوه مغفول در تربیت»، *معرفت/اخلاقی*، ش ۲۱، ص ۶۹-۸۲
- ۳۸- میرعرب رضی، رضا و دیگران، (۱۳۹۸)، «بررسی رابطه دانش مدیریت کلاس درس و خستگی عاطفی با نقش تعدیل‌گری خلاقیت»، *تدریس پژوهی*، ش ۱۷، ص ۱۴۱-۱۵۷
- ۳۹- نراقی، ملا احمد (۱۳۸۰)، *معراج السعاده*، چ پنجم، تهران: پیام آزادی.
- ۴۰- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
- ۴۱- یوسفی طبایی، فخرالسادات؛ فرهادی‌نژاد، محسن، (۱۳۸۷) «رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان و شیوه‌های مدیریت آنها»، *تعلیم و تربیت استثنایی*، ش ۸۳، ص ۳۵ و ۳۶ و ۳۷

دلالت های قرآنی تربیت مهدوی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

فریده رضایی^۱

معصومه شریفی^۲

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف مشخص کردن مبانی قرآنی تربیت مهدوی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تدوین و با روش کتابخانه‌ای به صورت تحلیل محتوا انجام شده است. در این نوشتار، ضمن تبیین مفهوم هویت اخلاقی فرد منتظر، راهکارهای تسهیل‌کننده پرورش هویت اخلاقی نوجوانان در خانواده، محیط آموزشی و رسانه، مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اهمیت شکل‌گیری هویت اخلاقی نسل منتظر و مهدی‌ی‌آور در زمینه‌سازی ظهور و توجه به پرورش هماهنگ سه بعد؛ شناختی، عاطفی و رفتاری در آن؛ راهکارهای تسهیل‌کننده شکل‌گیری هویت اخلاقی منتظر، در سطح محیطی ارائه می‌شود. به سبب اهمیت و نقش اساسی نظام خانواده، آموزش و پرورش و رسانه، برای به‌کارگیری هریک از نهادهای یادشده، برای پرورش هویت اخلاقی نسل منتظر، براساس دیدگاه روان‌شناسی راهکارهایی ارائه شده است. در این پژوهش گزاره‌های ارزشی مربوط به تربیت مهدوی با مبنا قراردادن آیات قرآن کریم، در راستای شکل‌گیری جامعه اسلامی تبیین شده است.

کلید واژه‌ها: تربیت مهدوی، دلالت های قرآنی، سند تحول بنیادین، مهدویت و انتظار.

۱. گروه الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران؛ F.rezaie@cfu.ir

۲. گروه آموزشی الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، نویسنده مسئول r_sharifi_masoomah@yahoo.com

۱. مقدمه

مسأله تربیت مهدوی، از مسائلی است که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان مسلمان و ارباب تعلیم و تربیت بوده است. هدف اساسی از این پژوهش، بررسی چگونگی های پردازش به تربیت مهدوی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، با تأکید بر بنیادهای قرآنی است. بر همین اساس، پرسش اساسی نیز چنین خواهد بود: تربیت مهدوی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش؛ با تأکید بر بنیادهای قرآنی چگونه است؟ در صورت پاسخ به پرسش اصلی و برخی پرسش های پیرامونی است که پژوهشگران می توانند ادعا نمایند به اهداف پژوهش دست یافته اند.

پرداختن به این مسأله، از این جهت دارای اهمیت است که اولاً خود مسأله موعود منجی و مهدویت، دارای اهمیت ویژه نزد همه ادیان الهی - و به ویژه آیین مقدس اسلام - است؛ ثانیاً ساز و کارهای تربیت در گستره اعتقاد به مهدویت، از مسائل برجسته در نظام تعلیم و تربیت اسلامی است. این پژوهش، با ابزار فیش، به روش کتاب خانه ای و به صورت تحلیل محتوا صورت می پذیرد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر، با مروری بر پژوهش های انجام گرفته پیرامون مسأله مورد پژوهش در دو دهه گذشته به سامان رسیده است. پژوهش های قابل توجهی در مورد آیات مهدوی در قرآن کریم انجام گرفته است که به طور عمده با تفاسیر روایی همراه است. فقیهی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «تبیین هویت اخلاقی فرد منتظر و راهکارهای پرورش آن در نوجوانان» که با هدف تبیین هویت اخلاقی فرد منتظر و بررسی راهکارهای پرورش آن در نوجوانان انجام شده است. در این نوشتار، ضمن تبیین مفهوم هویت اخلاقی فرد منتظر، راهکارهای تسهیل کننده پرورش هویت اخلاقی نوجوانان در خانواده، محیط آموزشی و رسانه بررسی شده است. با توجه به اهمیت شکل گیری هویت اخلاقی نسل منتظر

و مهدی‌ی‌اور در زمینه‌سازی ظهور و توجه به پرورش هماهنگ سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری در آن، راهکارهای تسهیل‌کننده شکل‌گیری هویت اخلاقی منتظر در سطح محیطی ارائه شده است. همچنین به سبب اهمیت و نقش اساسی نظام خانواده، آموزش و پرورش و رسانه - که نوجوانان بیشترین تعامل را با آنان دارند - برای به‌کارگیری هر یک از نهادهای یادشده برای پرورش هویت اخلاقی نسل منتظر، راهکارهایی بر اساس دیدگاه روان‌شناسی ارائه گردیده است.

مرادی و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله خود با عنوان «طراحی الگوی برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه‌ساز راهبردها و راهکارهای اجرایی آن» باهدف ارائه الگوی مطلوب برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه‌ساز با راهبردها و راهکارهای اجرایی آن برای نظام تعلیم و تربیت نگاشته شده است که با اشاره‌ای کوتاه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به معرفی مبانی نظری برنامه درسی و عناصر آن مبادرت ورزیده و به ترسیم الگوی پیشنهادی در همین راستا پرداخته است.

پژوهش‌هایی هم در ابعاد مختلف تربیت مهدوی صورت گرفته است از جمله: بقایی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «الگوی مفهومی- عملیاتی راه‌اندازی راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزش کشور» که در آن بیان نموده است. محور مشترک و تاکید قاطع ابعاد گوناگون تربیت الهی مبتنی بر آموزه‌های دینی و فقهی شیعی، همانا کوشش برای تربیت انسان‌هایی موحد، امیدوار به آینده و منتظر مصلح جهانی است که با توجه به رویکرد تربیت مهدوی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به معرفی الگو با هدف شناسایی، تبیین و نهادینه ساختن راهبردهای عملیاتی تربیت مهدوی در حوزه‌های سه‌گانه مغز افزار، نرم افزار و سخت افزار نظام تعلیم و تربیت کشورمان پرداخته است. سردمدی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نقش معلم در زمینه‌سازی ظهور و تحقق جامعه مهدوی» به این نتیجه دست یافته است که تعلیم و تربیت و معلم - به‌طور ویژه - می‌توانند با ایجاد آمادگی در نسلی منتظر و پویا، زمینه‌ساز ظهور آخرین منجی، حضرت مهدی باشد. موسوی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «مدرسه مهدوی بر فلسفه و نظام آموزش و پرورش زمینه‌ساز ظهور» به جایگاه

مهم مدرسه مهدوی اشاره نموده و نوشته است: مدرسه مهدوی، مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، نقش محوری و مهمی را در زمینه سازی برای ظهور ایفا می کند. از سوی دیگر، آموزه مهدویت و انتظار از ظرفیت ها و دلالت های فراوان تربیتی برای تاسیس فلسفه و نظام آموزش و پرورش مهدوی برخوردار است و به این نتیجه رسیده است که زمینه سازی و آماده کردن جامعه متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگ و ارزش های دینی و توحیدی جهت ظهور منجی بشر، نیازمند توجه به نقش انسان و نیروسازی است.

اگر چه پژوهش های زیادی درباره آیات قرآن با تفسیر یا تاویل مهدویت و تربیت مهدوی صورت گرفته است؛ ولی موردی درباره دلالت های قرآنی تربیت مهدوی در سند تحول آموزش و پرورش که هدف اصلی این پژوهش است مشاهده نشد. در این پژوهش، گزاره های ارزشی مربوط به تربیت مهدوی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس مفاهیم برگرفته از سند تحول با مبناییت آیات قرآن کریم در راستای شکل گیری جامعه اسلامی استخراج و مورد تبیین قرار گرفته است.

۳. مفهوم شناسی

۳.۱. تربیت مهدوی

مراد از «تربیت مهدوی» در این پژوهش، عبارت است از تربیت انسان - اعم از پیر و جوان، زن و مرد - بر پایه باورمندی به منجی موعود و مهدویت.

۳.۲. سند تحول

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، معطوف به چشم اندازی است که در افق روشن ۱۴۰۴ است با هدف ترسیم ایرانی پیشرفته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین الملل است.

۳،۳. دلالت های قرآنی

مراد از «دلالت های قرآنی» در این پژوهش، عبارت است از شواهد و نشانه های گزاره های ارائه شده در این متن که در قرآن کریم وجود دارد.

۴. سند تحوّل و تربیت مهدوی

۱،۴. دستیابی به قله های قرب الهی

ظهور و اوج حقیقت حیات طیبه، از نشانه های نزدیک شدن به خداوند متعال در جامعه جهانی مهدوی است. رسیدن به قرب الهی، مشخصاتی دارد که سند تحوّل به آن پرداخته است: «وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، بر اساس نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزشهای مقبول دین الهی) است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی یعنی قرب الی الله خواهد شد. این گونه زندگانی، مستلزم ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی و تشدید رابطه ی با او در همه شئون فردی و اجتماعی زندگی است که باید بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه ی نظام معیار متناسب با دین اسلام باشد بنابراین، یکی از مشخصات اصلی حیات طیبه، تکیه بر ارزش غایی زندگی - قرب الی الله - و نظام معیار متناسب با آن یعنی مبانی و ارزش های مقبول دین اسلام است. زیرا با توجه به لزوم پذیرش ربوبیت خداوند متعال، به عنوان یگانه رب حقیقی جهان و انسان، این نظام معیار، جهت اساسی نحوه تحقق حیات طیبه را در همه مراتب و ابعاد زندگی با این نظام (تقوا)، وجه تمایز اساسی حیات طیبه از زندگی غیر دینی (سکولار) رایج محسوب میشود. که نقطه اوج و حقیقت آن در جامعه جهانی مهدوی محقق می گردد» (سند تحوّل، ص ۱۳). محور اساسی تبیین یافته در سند تحوّل، تلاش همه جانبه در مسیر قرب الهی است که منجر به تحقق مجتمع توحیدی، صالح و شایسته می گردد. جامعه ای که تبلور حیات طیبه زینت بخش آن است، محورهای اساسی چنین جامعه ای، توحید، عدالت، جهانی شدن و حیات طیبه است که در متن سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش به آن اشاره شده است؛ این محورها با توجه به آیات نورانی قرآن کریم مورد بررسی قرار می گیرد.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که مؤمنند و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده که حتماً آنان را در زمین جانشین [اقوام به هلاکت رسیده] کند، همان‌گونه که پیشینیانِ آنان را جانشین [دیگران] گردانید، و به یقین، دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و پابرجا کند، و حتماً ترس آنان را [از دشمنان] به امنیت تغییر دهد، [این در حالی است که] مرا می‌پرستند، [و] چیزی را شریک من قرار نمی‌دهند، آنان که پس از این [نعمت‌های ویژه] ناسپاسی ورزند البته منحرف و نافرمانند.»

طبق آیه شریفه وعده گاه اهل ایمان و صالحان، زمینی است که در آن جانشین می‌شوند و دین مورد رضایت خداوند پابرجا می‌گردد و خدا را خالصانه و موحدانه می‌خوانند و هیچ چیزی شریک خدا قرار نمی‌دهند و شرک رخت بر می‌بندد. از امام سجاد و امام محمد باقر و امام جعفر صادق روایت شده است که این آیه در مورد شیعیان ما اهل بیت است و این وعده جانشینی به دست مهدی این امت انجام می‌شود. (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۶۲۰) و همان‌گونه که در متن فوق الذکر از سند تحول آمده است اوج پذیرش ربوبیت خدای یگانه در جامعه مهدوی تحقق می‌یابد که چنین جامعه‌ای هنوز تحقق نیافته است.

این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده، و دنیا از روزی که پیامبر ﷺ مبعوث به رسالت گشته تاکنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی ﷺ خواهد بود. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۲۱۵)

- «أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (آل

عمران: ۸۳)؛ آیا (یهود و نصاری و مشرکان بعد از این همه دلایل روشن و نشانه‌های استوار بر حقانیت دین خدا) غیر دین خدا را خواستارند؟ در حالی که هرکس در آسمان‌ها و زمین است

خواه و ناخواه تسلیم خداوند است، و همه را به سوی او باز می گردانند.» امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام بعد از تلاوت این آیه شریفه فرمودند: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَام لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَلَيْهِ السَّلَام رَسُولُ اللَّهِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۴۰)؛ هنگامی که قائم عَلَيْهِ السَّلَام ما قیام کرد جایی در روی زمین باقی نمی ماند مگر اینکه در آنجا صدای: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بلند می شود.»

۴، ۱، ۲. عدالت

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ» (ملک: ۳۰)؛ بگو: به من خبر دهید، اگر آب [آشامیدنی] شما [به زمین] فرورود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟ آیه شریفه به شاخص مهم حکومت امام زمان که عدالت است تاویل شده است و در روایاتی از ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، این آیه به ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و عدل جهان گستر او تفسیر شده است. (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۸۷) جامعه ای که عدالت مشخصه بارز آن می باشد، اثری از ظلم و ستم در هیچ زمینه ای نمی باشد و عدالت همه جنبه های زندگی بشرفردی، اجتماعی، سیاسی، قضایی، اقتصادی، حقوقی را فرا می گیرد. در روایتی فضیل می گوید از حضرت ابو عبدالله شنیدم که امام فرمود: سوگند به خدا که او عدالت خود را بر آنها در داخل خانه هایشان همانند گرمی و حرارت وارد نماید. (نعمانی ۱۴۳۴ق، ص ۲۱۸) عدالت یکی از محورهای اصلی جامعه اسلامی است که در جامعه مهدوی ظهور کامل دارد؛ چنانکه در سند تحول آمده است: «در جامعه اسلامی که مظهر تحقق بعد اجتماعی حیات طیبه به شمار می آید، پیوندها خشونت آمیز (ناشی از ترس و تهدید و ارباب) یا انتفاعی (ناشی از سودگرایی و استثمار یا استخدام دیگران) نیست بلکه ارتباط میان اعضای جامعه به ارزشهای انسانی و اخلاقی، معرفت، محبت و اطاعت از خدا (پیروی آگاهانه و اختیاری از نظام معیار دینی) معطوف است. در چنین جامعه ای روابط ظالمانه و تعصبات نژادپرستانه طرد می شود.» (سند تحول، ص ۱۲ و ۱۳)

۴، ۱، ۳. جهانی شدن

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

(توبه: ۳۳)؛

اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هرچه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید. این آیه شریفه به جهانی شدن اسلام در حکومت حضرت مهدی اشاره دارد.»

امام کاظم در مورد این آیه فرمود در هنگام ظهور قائم دین حق بر همه ادیان غلبه می یابد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۳۸) امام محمدباقر علیه السلام هم فرمودند: همانا آن اتفاق هنگامی صورت می گیرد که مهدی آل محمد ظاهر شود، پس کسی باقی نمی ماند مگر اینکه به نبوت محمد ایمان بیاورد. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۵۹۷)

﴿فَأَجْبِيْنَاهُ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَّعْنَا ذَاوَابِ الرَّذِيْقِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ﴾ (اعراف: ۷۲)؛ پس او و کسانی را که با او بودند به رحمتی از خود رهانیدیم و کسانی را که آیات ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند ریشه کن کردیم. آیه شریفه وعده رهایی و ریشه کن نمودن کذب و کفر به انسان های صالح می دهد.»

از جمله شعارهایی که در قرن اخیر بسیار شنیده شده است تشکیل جامعه جهانی است، محور چنین جامعه ای خواسته ها و شعارهای مستکبرین است که بر اساس شرک و تسلط همه جانبه بر جامعه بشری رقم می خورد. اما جامعه جهانی قرآنی یک جامعه جهانی است که اساس آن توحید می باشد، بنابراین یکی از مباحثی که امروزه به صورت جدی مطرح می شود، جهانی شدن حکومت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) به عنوان یک حکومت جهانی است. قیام او فلسفه ای جهانی دارد و الگوی اسلامی جهانی شدن را می توان همان حکومت مهدی دانست. (پورقیومی، ۱۳۹۲، ص ۵۶)

۴، ۱، ۴. حیات طیبه

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل: ۹۷)؛ هرکس از مرد یا زن که مؤمن باشد و کار شایسته کند، حتماً به زندگی پاک و پسندیده ای زنده اش می داریم و قطعاً مزدشان را نیکوتر از آنچه انجام داده اند، پاداش خواهیم داد.»

حیات طیبه افاضه الهی است که خداوند به بندگان مومنش وعده داده است، حیات

اهل ایمان با عمل صالح است. حیات طیبیه‌ای که خداوند به زن و مرد نکوکردار وعده داده است حیاتی حقیقی و جدید است که مرتبه‌ای بالا و والا از حیات عمومی و دارای آثار مهم می‌باشد؛ حیاتی است حقیقی و واقعی که خدا آن را به کسانی که سزاوارند افاضه می‌فرماید. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۴۹۳)

حیات طیبیه ابعاد فردی و اجتماعی دارد و فرایند تعریف شده تعلیم و تربیت در سند تحول در مسیر تحقق جامعه‌ای است که حیات طیبیه انسانی در آن ظهور می‌یابد جامعه‌ای که آحاد آن براساس ایمان به خدا و عمل صالح در آرامش به دور از ظلم و ستم و اضاغه حقوق زندگی می‌کنند و همه این امور در مسیر ایجاد جامعه پاک توحیدی می‌باشد و ویژگی‌ها با عظمت توحید در حکومت امام زمان به صورت اتم و اکمل تحقق می‌یابد. در سند تحول هم آمده است: «محور اصلی و اساسی حیات طیبیه نیز توحید است. این نهاد (آموزش و پرورش) مأموریت دارد زمینه دستیابی دانش آموزان در سنین لازم‌التعلیم به مراتبی از حیات طیبیه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را بصورت نظام مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد.» (سند تحول، ص ۲۰) توحید، عدالت، جهانی شدن و حیات طیبیه جامعه را به حقیقت عبودیت که همان قرب الهی است می‌رساند و وظیفه آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهمترین نهادهای تعلیم و تربیت این است که زمینه لازم برای سیر در این مسیر برای دانش آموزان فراهم سازد تا به حقیقت عبودیت دست یابند. مهم‌ترین دلیل ضرورت موعود جهانی، همان فلسفه بعثت انبیا که فلسفه خلقت نیز هست می‌باشد، فلسفه خلقت، عبادت و عبودیت است و حقیقت عبودیت، تقرب به خداست. (پورقیومی، ۱۳۹۲، ص ۵۷ به نقل از استاد مطهری) و حیات طیبیه که حیات اهل ایمان با عمل صالح است در همین جامعه جهانی مهدوی تحقق می‌پذیرد.

۲.۴. ولایت‌مداری در تمام ساحت‌ها

یکی دیگر از زمینه‌های تحقق جامعه مهدوی، ولایت‌مداری در تمام ساحت‌ها برای تحقق جامعه عدل جهانی است که این‌گونه در سند تحول به آن اشاره شده است: «نظام

آموزشی موظف است سیاست‌های تعلیم و تربیت رسمی کشور را با محوریت آموزه‌های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه‌ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام به ویژه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و ولایت مداری در تمام ساحتها برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی) قرار دهد. (سند تحول، ص ۱۵) یعنی تعلیم و تربیت در مسیر ولایت مداری معصومین باشد که نقطه اوج آن شناخت و معرفت، محبت و پیروی از امام زمان می باشد. «ساحت‌های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران، اعتقادی، عبادی و اخلاقی، زیبا شناختی و هنری، اقتصادی و حرفه‌ای، علمی و فناوریانه می باشد.» (سند تحول، ص ۱۱) در سند تحول بر ولایت‌مداری در تمام این ساحت‌ها تاکید شده است. ولایت پیامبر عظیم الشان و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام به خصوص وجود مبارک امام زمان محور اصلی ولایت در این مقاله می باشد که مورد بحث قرار می دهیم.

واژه ولایت در معانی «حُبّ و دوستی»، «نصرت و یاری»، «متابعت و پیروی» و «سرپرستی» استعمال شده که وجه مشترک همه این معانی همان قرب معنوی است. (خارستانی و همکار، ۱۳۹۳ به نقل از جوادی آملی) ولایت به همه معانی فوق الذکر در رابطه با معصومین معنی می یابد:

ولایت به فتح واو به معنی محبت است، در وجوب محبت و دوستی اولیای خدا تردیدی نیست. (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۶ ص ۳۳۰) ولایت در راه خدا شامل دوستی بنده نسبت به خداوند، دوستی بندگان مومن خداوند نسبت به همدیگر و دوستی مومنین نسبت به پیامبر اکرم و معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام می باشد. (خارستانی و همکار، ۱۳۹۳) محبت در راه خدا از نشانه‌های ایمان است. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که فرمود: از محکمترین گیره‌های ایمان این است که شخص در راه خدا محبت کند و در راه خدا حکم گیرد و در راه خدا ببخشد و در راه خدا منع کند. (کلینی، ج ۳، ص ۱۸۹)

ولایت به کسر واو به معنی سلطه و استیلاء و سرپرستی است و هرگاه یقین و باور داشته باشیم که آن حضرت در تمام آنچه متعلق به ما است از خود ما شایسته‌تر است بر خود لازم خواهیم دانست که در همه چیزهایی که مورد علاقه ما است آن حضرت را اولی و شایسته‌تر

بدانیم. (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۵) بنابراین محبت به اولیای الهی در کامل ترین شکل آن دوستی و محبت به امام زمان است که صبغه ولایت مداری انسان را کامل می کند. و پذیرش سرپرستی امام زمان در پی محبت و معرفت هر چه بیشتر امام زمان تحقق می یابد و این امری مهم است که سند تحول در صدد ایجاد آن است. آیاتی از قرآن کریم که به ولایت تفسیر شده است در هر دو معنای سرپرستی و دوستی به کار رفته است و می تواند مبنای قرآنی ولایت پذیری مورد بحث در سند تحول باشد.

﴿فَأَسْتَبِشُّوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا﴾ (بقره: ۱۴۸)؛ در نیکی ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جوید هر جا باشید خداوند همه شما را حاضر می کند. امام محمد باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه فرمودند: «الخيرات، الولایه» (بحرانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۰۶ و نعمانی، ۱۴۳۴ق، ص ۲۳۲) واژه خیرات در آیه را به ولایت معنا فرمودند و امام زمان از مصادیق ولایت هستند. ابوبصیر از امام صادق روایت کرده که آن حضرت فرمود: این آیه در مورد حضرت قائم و یاران او نازل شده و آنان بدون قرار قبلی گرد هم می آیند. (نعمانی، ۱۴۳۴ق، ص ۳۴۱)

ولایت مداری در همه ساحت های تعلیم و تربیتی در مودت و دوستی اهل بیت علیهم السلام تجلی می یابد و این دوستی، اطاعت و پیروی کامل را به دنبال دارد.

﴿ذَلِكَ الَّذِي يَبْسُرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى مَنْ يُقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (شوری: ۲۳)؛ این پاداشی است که خداوند بندگان را که برخوردار از ایمانند و کارهای شایسته انجام داده اند به آن مژده می دهد، بگو: از شما در برابر رسالتم هیچ پاداشی جز مودت به نزدیکانم درخواست ندارم، هرکس کار نیکی انجام دهد بر نیکی اش می افزایم، به راستی خداوند بسیار آمرزنده و عطاکننده پاداش فراوان در برابر عمل اندک است. «مودت فی القربی» همان ولایت مداری است که در سند تحول بر وجود آن در همه ساحت های اعتقادی، عبادی و اخلاقی، زیبا شناختی و هنری، اقتصادی و حرفه ای، علمی و فناورانه تاکید شده است. قربی به معنی خویشاوند و نزدیکان و مراد از آن در آیه شریفه، اهل بیت پیامبر می باشد. «قربی» یعنی: اهل بیت (بحرانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۰) با اینکه پیامبران در مقابل عمل خطیر رسالت طبق آیه

قرآن درخواست مزدی ندارند اما این آیه شریفه مزد رسالت پیامبر را دوستی خویشان می‌داند. علاوه بر اینکه مودت خاندان پیامبر اجر رسالت است نشانه شوق و علاقه به ظهور آن بزرگوار (امام زمان) و تشریف به لقاء و زیارت آن حضرت خواهد بود. (نظری منفرد، ۱۳۸۹، ص ۳۴۷)

۳، ۴. آموزه‌های مهدویت و انتظار مهمترین رسالت در عصر غیبت

در سند تحول گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی بیان شده است از جمله:

«آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت است. به عنوان مهمترین رسالت منتظران در عصر غیبت می‌باشد.» (سند تحول، ص ۱۶) آموزه‌های مهدویت یعنی هرآنچه لازم است در مورد شناخت و پذیرش امام زمان دانسته شود؛ مانند: عصر غیبت، عصر ظهور و ویژگی‌های یاران امام زمان در حیطه آموزه‌هایی مهدوی قرار می‌گیرد به خصوص شناخت جایگاه انتظار در عصر غیبت از مهمترین مسائلی است که درک صحیح آن نقش موثری در جهت گیری تعلیم و تربیت دارد و در حیطه فوق الذکر مهمترین رسالتی است که لازم است اولیای تعلیم و تربیت قشر متعلم را در آن راستا قرار دهند، یکی از منابع مهم آموزه‌های مهدویت، قرآن کریم می‌باشد. با توجه به اینکه آیات مبارکه بی‌شماری از قرآن اشاره به مهدویت دارد و ائمه علیهم‌السلام یا ظاهر آن آیات را تفسیر به امام زمان نموده‌اند یا باطن آیات را به امام زمان تاویل نموده‌اند و یا امام زمان را مصداقی از آیه دانسته‌اند و همچنین آیاتی که به مصداق ایمان به غیب و یا عصر ظهور و یاران امام زمان اشاره دارد؛ به معرفی بنیادهای قرآنی سند تحول در این موضوع می‌پردازیم:

۱، ۳، ۴. امام زمان و ظهور

«بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (هود: ۸۶)؛ آنچه خداوند [از کسب و کارت‌ان سود] باقی می‌گذارد اگر مؤمن هستید برای شما بهتر است، من بر شما [مسلط و] نگهبان نیستم.» «بقیه الله» در آیه شریفه به وجود مبارک امام زمان تطبیق شده است. «بقی» تَبَّتْ و دَامَ و باقی به معنای ثابت و دائم است و هر چیزی که از سوی خدا

برای ما ثابت شود و باقی بماند «بقیه الله» است. اگر بقیه به رحمت تفسیر شود و خطاب به امامان بیاید که «أَنْتُمْ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي عِبَادَةِ» درست است؛ زیرا رحمت باقی در میان بازماندگان خدا امامان هستند. (حسینیان قمی، ۱۳۹۳، ص ۳) روشن است که بهترین نمونه باقی مانده از سوی خداوند، همان حجت های الهی هستند. خداوند آنان را برای ما نهاده است، نه حاکمان ستمگر و جائر را. آنان حجت های الهی اند که از سوی خدا برای ما قرار داده شده اند. آنان هم بقیه الله هستند و هم برای ما بهتر، که «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ» با توجه به آن چه گفته شد، الهام گیری از آیه و تطبیق آن بر حجت های الهی و امامان معصوم، به ویژه بر حضرت مهدی کاملاً صحیح و هماهنگ با آیه و مفاد عام آن است. (همان) «وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ (شوری: ۴۱)؛ و هر که پس از ستم [دیدن] خود یاری جوید [و انتقام گیرد] راه [نکوهشی] برایشان نیست.» این آیه شریفه نظر به ظهور امام زمان دارد. امام باقر در مورد این آیه فرمود: ذلک القائم اذا قام انتصر من بنی امیه و من المکذبین و النصاب. (بحرانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۰۸)

آیه به انتقام گرفتن امام زمان و یارانش از بنی امیه و تکذیب کنندگان و ناصبی ها تفسیر شده است.

«ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ (یونس: ۱۰۳)؛ آن گاه پیامبرانمان و مؤمنان را [در روز نزول عذاب] نجات می دهیم، این گونه، مؤمنان را نجات می بخشیم که این حقی لازم بر عهده ماست.» این جمله بیانگر وعده جمیلی است به رسول خدا و به مومنین از این امت، که خدای تعالی آنان را نجات خواهد داد و بعید نیست از اینکه در این جمله نام رسول خدا را نیاورده و تنها فرموده: مومنین را نجات می دهیم با اینکه در مورد امت های سابق رسولان را با مومنین ذکر کرده بود، استفاده شود که رسول خدا ﷺ این نجات موعود را درک نمی کند و خدای تعالی بعد از رحلت آنجناب، مومنین امتش را نجات می دهد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۷۹)

خداوند نجات مومنین از امت پیامبر اکرم را حقی لازم می داند و این وعده با ظهور امام زمان تحقق می یابد.

۴، ۳، ۲. ایمان به غیب

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره: ۲ و ۳)؛ این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوایپیشگان است.﴾

آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند.

یکی دیگر از آموزه های قرآن کریم در ارتباط با مهدویت، ایمان به غیب است و ایمان به امام زمان مصداق ایمان به غیب است. رسول اکرم در حدیثی که دوازده امام را نام بردند فرمودند: خوشا به حال کسانی که در زمان غیبت او (امام زمان) صبورند و خوشا به حال کسانی که بر محبت او پا برجا هستند، آنها کسانی هستند که (خداوند) در قرآن توصیفشان کرده و فرموده است «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» سپس فرمود «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله: ۲۲)؛ آنان حزب خدا هستند. حزب خدا رستگار است. (بحرانی، ۱۴۲۷ق، ص ۸) همچنین در روایتی از یحیی بن ابی القاسم نقل شده است که: از امام صادق از تفسیر این آیه (آیه ۲، سوره بقره) پرسش کردم؛ فرمود: «متقین» شیعیان علی و غیب همان حجت غائب است و شاهد آن نیز این قول خدای تعالی است: «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا» (یونس: ۲۰). (ابن بابویه، ۱۳۸۳ج، ۲، ص ۱۴)

۴، ۳، ۳. یاران امام زمان

﴿قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أُو آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾ (هود: ۸۰)؛ گفت: ای کاش! برای دفع شما نیرویی شدید داشتم، یا به پناهگاه استواری مأوا می گرفتم!﴾
بحرانی به نقل از تفسیر عیاشی می گوید: «قُوَّةٌ» حضرت قائم عجل الله فرجه است و «رُكْنٍ شَدِيدٍ» سیصد و سیزده یار امام زمان می باشد. (بحرانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۱۰)

﴿لَئِن آخَرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولَنَّ مَا يَجِيسُهُ الْيَوْمَ بِآيَاتِهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (هود: ۸)؛ و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تاخیر افکنیم حتما خواهند گفت چه چیز آن را باز می دارد آگاه باش روزی که [عذاب] به آنان برسد

از ایشان بازگشتنی نیست و آنچه را که مسخره می‌کردند آنان را فرو خواهد گرفت. ﴿أُمَّةٌ مَّعْدُودَةٌ﴾ در آیه شریفه مورد نظر این بحث است:

و چه بسا ممکن است که منظور از امت، جماعت باشد، و معنای آیه این باشد که «و اگر ما عذاب کفار را تا رسیدن جماعتی معدود تاخیر بیندازیم، خواهند گفت: چرا آن عذاب را نفرستاد»، و منظور از «جماعت معدود» مؤمنین باشد، چون خدای سبحان وعده داده که روزی، این دین را به دست قومی صالح تایید می‌کند، قومی که هیچ چیزی را بر دین خدا مقدم نمی‌دارند، و چون این قوم فراهم آیند در آن هنگام خدای تعالی دینی را که برای آنان پسندیده بلا مانع و بدون مزاحم می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۲۳۰)

همچنین امام محمد باقر اصحاب امام زمان را سیصد و سیزده نفر می‌دانند و سوگند یاد کردند که آنها همان ﴿أُمَّةٌ مَّعْدُودَةٌ﴾ هستند که خداوند در این آیه فرموده است که یکباره جمع می‌شوند مثل جمع شدن به یکباره ابرهای پراکنده پاییزی. (عیاشی، ج ۲، ص ۱۵۰ و کلینی، ج ۸، ص ۳۱۳)

﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ (حج: ۳۹)؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردید اجازه جهاد داده شده است چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و به یقین خدا بر یاری آنها تواناست. امام محمد باقر علیه السلام در مورد این آیه فرمودند، این آیه در مورد قائم و یارانش است و خداوند وعده یاری داده است چون فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ خداوند بر یاری آنها توانا است و فرمود: ﴿كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (روم: ۴۷)؛ یاری مومنین حقی است بر عهده ما. قائم و یارانش یاری شوندگان هستند، آنها لشکر الهی هستند و خداوند سبحان فرمود: ﴿إِنَّ جُنْدَنَا هُمْ الْغَالِبُونَ﴾ (صافات: ۱۷۳)؛ همانا فقط لشکر ما غالب می‌شود. (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۳۴)

۴، ۳، ۴: انتظار

برخی از آیات قرآن و روایات که به مسأله انتظار و منتظر اشاره دارد، بدین قرار است:

﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾ (یونس: ۲۰)؛ پس منتظر باشید که من هم با شما از

منتظرانم.

﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾ (اعراف: ۷۱)؛ پس منتظر باشید که من [هم] با شما از منتظرانم.﴾

امام رضا علیه السلام فرمود: «ما احسن الصبر وانتظار الفرج، اما سمعت قول العبد الصالح ﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾ چه نیکوست صبر و انتظار فرج، آیا نشنیدید سخن بنده صالح (حضرت هود) که گفته: منتظر بمانید من با شما از منتظران هستم. (عیاشی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۱)

﴿هَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فانتظروا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾ (یونس: ۱۰۲)؛ پس آیا جز مانند روزهای کسانی را که پیش از آنان درگذشتند انتظار می‌برند بگو انتظار برید که من [نیز] با شما از منتظرانم.﴾

﴿ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس: ۱۰۳)؛ سپس فرستادگان خود و کسانی را که گرویدند می‌رهانیم زیرا بر ما فریضه است که مؤمنان را نجات دهیم.﴾ شما چشم به راه عقاب خدا باشید که در دنیا مغلوب شده و کشته شوید و در آخرت نیز به عقاب الهی گرفتار شوید و من هم چشم به راه وعده خدا هستم که مرا بر شما نصرت و پیروزی دهد. و برخی گفته‌اند: معنای آیه این است که شما چشم به راه خواری کافران باشید که من هم چشم به راه عزت و سربلندی مومنان هستم. (طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۱۱، ص ۲۷۶) ﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (یونس: ۴۸)؛ به بیانی [تمسخرآمیز] می‌گویند: اگر [تو و پیروانت] راست‌گویید این وعده [آمدن عذاب] چه زمانی است؟﴾

امام حسن علیه السلام فرمود: «روزی پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما خطبه خواند: خداوند تعالی از صلب حسن (امام عسکری علیه السلام)، حجت قائم علیه السلام که امام زمان خود و نجات‌دهنده‌ی دوستانش می‌باشد را بیرون می‌آورد. او پنهان می‌شود به‌گونه‌ای که دیگر دیده نمی‌شود. عده‌ای از اعتقاد به او برمی‌گردند و عده‌ای دیگر بر اعتقاد به او ثابت قدم باقی می‌مانند و می‌گویند: مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. اگر از دنیا جز روزی باقی نمانده باشد خداوند عزوجل آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا قائم علیه السلام خروج کرده و زمین را از عدل و داد پر نماید؛ همانطور که از ظلم و ستم پیر شده بود. (بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۳۸)

﴿وَأَرْتَقِبُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾ (هود: ۹۳)؛ شما انتظار بکشید من هم با شما در انتظارم.

امام صادق علیه السلام صبر و شکیبایی و انتظار فرج چه نیک است! آیا این فرموده‌ی پروردگار متعال را نشنیده‌ای: ﴿وَأَرْتَقِبُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ رَقِيبٌ وَفَانْتَظِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾ (یونس: ۲۰)؛ انتظار بکشید. من نیز با شما منتظر می‌مانم؛ بنابراین این بر شما باد! بر صبر و شکیبایی؛ زیرا که فرج و گشایش تنها به دنبال یأس و ناامیدی می‌آید، و بدانید مردمی که قبل از شما بوده‌اند، از شما شکیباتر و صبوتر بوده‌اند. (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹)

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵)؛ ما می‌خواستیم به آنان که در [آن] سرزمین به زبونی و درماندگی سوقشان دادند نعمت [باززش] نجات از ستم فرعونیان را [عطا کنیم]، و آنان را پیشوایان و وارثان [اموال و سرزمین‌های ستمگران] گردانیم.

ظاهر این آیه مربوط به بنی اسرائیل است و باطن آن آل محمد می‌باشد. (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۰۶)

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که مؤمنند و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده که حتماً آنان را در زمین جانشین [اقوام به هلاکت رسیده] کند، همان‌گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] گردانید، و به یقین، دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و پابرجا کند، و حتماً ترس آنان را [از دشمنان] به امنیت تغییر دهد، [این در حالی است که] مرا می‌پرستند، [و] چیزی را شریک من قرار نمی‌دهند، آنان که پس از این [نعمت‌های ویژه] ناسپاسی ورزند البته منحرف و نافرمانند.

در روایت آمده است ابی عبدالله در مورد این آیه فرمودند: آیه در مورد علی بن ابی طالب و امامان از فرزندان ایشان می‌باشد و «لَيُمَكِّنَنَّ» به معنی ظهور امام قائم است. (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۶۵)

همچنین ابوبصیر از امام صادق نقل می‌کند: این آیه در مورد حضرت قائم و یاران او نازل

شده است. (نعمانی، ۱۴۳۴ق، ص ۳۴)

در این راستا آشنا سازی نوجوانان و جوانان با مفهوم انتظار به گونه‌ای که نه تنها در باور، بلکه در رفتارهای آنان متجلی شود، می‌تواند بستر مناسبی را برای تعالی اخلاقی و انگیزه درونی برای رفتار بر اساس ارزش‌های اخلاقی را در آنان فراهم آورد و به طور متقابل با شکل‌گیری هویت اخلاقی در افراد جامعه، یکی از بسترهای اساسی ظهور فراهم می‌آید. (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۴)

۴.۴. تربیت دانش آموزان منتظر امام عصر علیه السلام توانمندی تربیتی ممتاز جهت زمینه سازی جامعه جهانی مهدوی

چشم‌اندازی که سند تحول در رابطه با تربیت دانش آموزان مهدوی ترسیم نموده است

به این بیان است:

«نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴، با اتکاء به قدرت لایزال الهی، مبتنی بر نظام معیار اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی و قوام بخش آنها و زمینه ساز جامعه جهانی عدل مهدوی و برخوردار از توانمندی‌های تربیتی ممتاز در طراز جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه، الهام بخش و دارای تعامل سازنده و مؤثر با نظام‌های تعلیم و تربیتی در سطح جهان، توانمند در زمینه سازی برای شکوفایی فطرت و استعدادها و شکل‌گیری هویت یکپارچه اسلامی، انقلابی - ایرانی دانش آموزان با توجه به هویت اختصاصی آنان؛ کارآمد، اثر بخش، یادگیرنده، عدالت محور و مشارکت جو، برخوردار از مربیان و مدیران مومن آراسته به فضائل اخلاق اسلامی، عامل به عمل صالح، تعالی جو و تحول آفرین، انقلابی، آینده‌نگر، عاقل، متعهد، امین، بصیر، حق شناس.» (سند تحول، ص ۲۱) در ادامه هدف کلان سند تحول را اینچنین بیان می‌کند: «تربیت انسانی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت جو و عاقل، عدالت خواه و صلح جو، ظلم ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی

اندیش، ولایت مدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و با حیا، انتخابگر و آزاد منش، متخلق به اخلاق اسلامی خلاق و کارآفرین و مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون مدار و نظم پذیر و آماده ی ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی.» (همان، ص ۲۴) خداوند در کلام الله مجید صفات انسان الهی را در آیات کریمه بیان فرموده است: مثل ایمان، عمل صالح، علم و معرفت، تفکر و تعبد، مودت، صبر، خویشنداری، تقوی، عدل و انصاف، خیرخواهی، انفاق، ایثار، محبت، تولی، تبری، عبادت و بندگی، و می بینیم که روایات و احادیث معصومین علیهم السلام، منتظران را دارای همین صفات قرآنی معرفی می نماید، بنابراین انسان منتظر و تربیت شده مکتب مهدوی که سند تحول به ترسیم آن می پردازد همان انسان الهی با صفات قرآنی است، چنانکه می گوید: «استفاده از ظرفیت برنامه های درسی، منابع آموزشی، شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات، کتابخانه، فرصت اردوها و فعالیت های برون مدرسه به ویژه مساجد و کانونهای مذهبی برای تقویت معرفت و باور به معارف الهی به ویژه اعتقاد به توحید و معاد و ولایت و انتظار با رویکرد قرآنی، روایی و عقلانی در دانش آموزان.» (سند تحول، ص ۳۶) این مقاله به بعضی از صفات اساسی مندرج در سند تحول با بیان مبانی قرآنی آن می پردازد. مبانی صفات و مشخصات دانش آموز طراز جمهوری اسلامی ایران و غایت تکاملی آن را می توان در آیات کریمه زیر یافت:

۱.۴.۴. تعبد

تعبد ویژگی انسان منتظر امام زمان است که در اطاعت از فرامین الهی و شریعت به واسطه پیامبر و امامان معصوم تجلی می یابد و همین تعبد راه را برای حکومت امام زمان هموار می نماید. «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكُمْ مَآ جُمِلْتُمْ وَإِن تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (نور: ۵۴)؛ بگو خدا و پیامبر را اطاعت کنید پس اگر پشت نمودید [بدانید که] بر عهده اوست آنچه تکلیف شده و بر عهده شماست آنچه موظف هستید و اگر اطاعتش کنید راه خواهید یافت و بر فرستاده [خدا] جز ابلاغ آشکار [ماموریتی] نیست.»

علی بن ابراهیم در تفسیر آیه گفته است: آنچه بر عهده نبی اکرم است نبوت می باشد و آنچه بردوش شماست طاعت و فرمانبرداری می باشد، پس خداوند ائمه را مورد خطاب قرار داده و به آنها وعده می دهد که بعد از آن که مورد ظلم واقع شدند و حقیقتان غصب شد آنان را در زمین به حکومت می رساند؛ اشاره به حکومت امام زمان دارد. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۶۰۶ و حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۱۶)

۲.۴.۴. عدالت خواهی

منتظر واقعی امام عصر عدالت خواه و خود نیز اهل عدالت است و عدالت در رفتار و گفتارش تجلی دارد با ظلم مبارزه می کند و خود نیز اهل ظلم نیست.

- در سند تحول به عدالت خواهی و خود سازی و تلاش برای تحقق عدالت به عنوان شاخصه اصلی تربیت شدگان نظام تعلیم و تربیت و محور اصلی حکومت جهانی مهدوی اشاره دارد چنانکه آمده است: «پرورش تربیت یافتگانی که دین اسلام را حق دانسته و آن را به عنوان نظام معیار می شناسند و به آن باور دارند و آگاهانه، آزادانه، شجاعانه و فداکارانه برای تکوین و تعالی اخلاقی خود و دست یابی به مرتبه ای از حیات طیبه و استقرار حکومت عدل جهانی مهدوی از آن تبعیت می نمایند و به رعایت احکام و مناسک دین و موازین اخلاقی مقید هستند.» (سند تحول، ص ۳۰) و همچنین می گوید:

«تکوین و تعالی جنبه های انسانی هویت دانش آموزان برای تقویت روابط حق محور، عدالت گستر و مهرورزانه با همه انسانها در سراسر جهان». (سند تحول، ص ۱۷)

خداوند در قرآن کریم یک دستور جامع عملی و اخلاقی به رسول اکرم می دهد که به مومنان اعلام فرماید و در ابتدای آن امر به قسط می نماید.

﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ﴾ (اعراف: ۲۹)؛ بگو: پروردگارم به میانه روی [در همه امور] فرمان داده است. ﴿قِسْطٌ﴾ یعنی عدل، صفت جامعی که با رعایت آن بنده به کمال دست می یابد. علی بن ابراهیم می نویسد: ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ أَيْ بِالْعَدْلِ﴾ قسط به معنی عدل است. (قمی،

۳،۴،۴. تولی و تبری

یکی از ویژگی‌های مهم دانش آموز مهدوی که در چشم‌انداز سند تحول به آن اشاره شده است تولی و تبری می‌باشد که پیامد ولایت مداری است.

«ایجاد ساز و کارهای ترویج و نهادینه سازی فرهنگ ولایت مداری تولی و تبری، امریه معروف و نهی از منکر، روحیه جهادی و انتظار؛ زمینه سازی برای استقرار دولت عدل مهدوی عَلَيْهِ السَّلَام». (سند تحول، ص ۳۳)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۲۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.

در اخبار زیادی مرابطه را تفسیر کردند در بودن با ائمه اطهار یعنی باید حفظ امام و شئون آن و دفع دشمنان و اخذ فرمایشات و اطاعت و ترک مخالفت امام نمود و این هم بیان مصداق است چون حفظ امام حفظ دین اسلام و قرآن است. (طیب، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۲۶۲) و به حکم عقل و نقل ارتباط با امام زمان ضروری می‌باشد. از وظایف منتظران ظهور در عصر غیبت ارتباط با ولی عصر حجه بن الحسن المهدی است پیوند و ارتباط با قائم آل محمد ضرورت عقلی و نقلی دارد چون امام مرجعیت علمی و سیاسی جهانیان را برعهده دارد. (جواهری، ۱۳۹۹)

در بعضی روایات به طور مشخص، «رابطوا امامکم المنتظر» آمده است مثل این روایت از امام محمد باقر در مورد آیه فوق الذکر نقل شده است که امام فرمودند: «اصبروا علی ادائی الفرائض و صابروا عدوکم و رابطوا امامکم المنتظر» (نعمانی، ۱۴۳۴ق، ص ۱۷) تولی و تبری موجب مودت و دوستی نسبت به اهل بیت رسول اکرم است و اظهار آن به صورت خاص در زمان غیبت نسبت به وجود مبارک امام زمان می‌باشد.

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری: ۲۳)؛ بگو: از شما در برابر رسالتم هیچ پاداشی جز مودت به نزدیکانم درخواست ندارم.

امام محمد باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه فوق الذکر فرمود: یعنی (پیامبر فرمود) از شما فقط مودت نسبت به اهل بیت می خواهم. همچنین فرمود: خداوند مودت به اهل بیت علیهم السلام را بر آنها (مسلمانان) واجب کرد که اگر بدان عمل کردند به امر واجبی عمل کرده باشند و اگر از آنجامان سرباز زنند امر واجبی را ترک کرده باشند. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۱۳۹)

و همچنین (در رابطه با آیه) فرمود: یعنی من در مقابل پیامبری ام از شما هیچ پاداشی نمی خواهم جز اینکه اهل بیتم را اذیت نکنید صله رحم نسبت به آنها قطع نکنید نسبت به آنها بغض و کینه در دل نداشته باشید و صله رحم درباره شان به جا آورید و نسبت به آنها پیمان شکن نباشید. زیرا خداوند می فرماید: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يوصَلَ (رعد: ۲۱)؛ مومنان کسانی هستند که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می پیوندند.» (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۱۴۰)

محبت به امام زمان نشانه شوق به ظهور آن حضرت و آماده شدن برای ظهور است، مودت همراه با معرفت است که انسان متعهد و مسئول و با اراده تربیت می کند. علاوه بر اینکه مودت خاندان پیامبر اجر رسالت است نشانه شوق و علاقه به ظهور آن بزرگوار و تشریف به لقاء و زیارت آن حضرت خواهد بود. (نظری منفرد، ۱۳۸۹، ص ۳۴۶) در تفسیر آیه ذیل نیز به پابرجایی بر محبت اهل بیت اشاره شده است:

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ (بقره: ۲ و ۳)؛ این کتاب

که هیچ تردیدی در آن نیست روشن گرا راه پرهیزکاران است. آنان که به غیب ایمان،﴾
 جابر بن عبدالله انصاری پیرامون تفسیر این آیه از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت می کند که آن حضرت فرمودند: خوشا به حال صبرکنندگان در زمان غیبت او (مهدی) و خوشا به حال کسانی که بر محبت او پابرجا می مانند آنها کسانی هستند که خداوند در کتاب خویش چنین توصیفشان کرده و فرموده: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ... سپس آن حضرت فرمودند: آنان حزب خداوند و آگاه باشید که حزب خداوند پیروز است. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۸)

در ادامه گزاره های ارزشی در سند تحول بعد از بیان جایگاه ولایت مداری، بر امر مهم ولایت فقیه نیز تاکید شده است: «میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی علیه السلام، تعمیق

علاقه و پیوند با انقلاب اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه. (سند تحول، ۱۶) همچنین در بیان هدف های کلان سند تحول نیز التزام به ولایت فقیه به عنوان یکی از اهداف کلان نظام تعلیم و تربیت شمرده است: وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت مطلقه فقیه. (سند تحول، ص ۲۴)

«یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله وأطیعوا الرسول وأولی الأمر منکم (نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.» منظور از اولوالامر در آیه شریفه امامان شیعه هستند. در عصر غیبت امام زمان، فقهای عادل کاردان به دلایل قطعی عقلی و نقلی از سوی شارع مقدس به ولایت بر مردم منصوب شده اند. (جوان آراسته، ۱۳۸۶، ص ۲۳۵) دلایل عقلی و نقلی قابل توجهی بر ضرورت و اثبات ولایت فقیه وجود دارد اگر چه در بسیاری از موارد بعد از تبیین ظهور آیات در قضاوت و صدور حکم الهی، به ثبوت ولایت فقیه منجر می‌گردد.

بی تردید ظاهر این آیه ناظر به اثبات اصل حکومت اسلامی است. این آیه به دنبال اشاره به امری بسیار با اهمیت است. این ظهور اولیه و ابتدایی آیه کریمه است. این ظهور، چنان روشن است که حتی اهل سنت نیز از زمان رحلت پیامبرگرمی اسلام تا کنون به آن استناد کرده و فرمانبرداری از حاکم و سلطان - هر که باشد - را واجب می‌دانند، علت مستنبط از این آیه یا قاعده تجری، حکم می‌کنند که اطاعت از هر حاکمی که در مسیر آنان حرکت کند و آراسته به ویژگیهای آنان باشد نیز واجب است. بله، تردیدی نیست که برخی مراتب ولایت، فقط ویژه ائمه معصومین است. بنابراین، آیه ۵۹ سوره نساء همچنان که بر ثبوت ولایت - در بالاترین مرتبه آن برای چهارده معصوم دلالت دارد، بر ثبوت ولایت برای فقیه در زمینه های تشریح (به معنای تبیین احکام)، قضاوت و نیز ریاست بر جامعه دلالت دارد. (مظاهری، ۱۳۸۹)

۴،۴،۴. امر به معروف و نهی از منکر

ویژگی دیگر دانش آموز منتظر در سند تحول امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد: «ایجاد ساز و کارهای ترویج و نهادینه سازی فرهنگ ولایت مداری تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر، روحیه جهادی و انتظار؛ زمینه سازی برای استقرار دولت عدل مهدوی (عج)».

(سند تحول، ص ۳۳) که می‌توان آیه شریفه ذیل را به عنوان بنیاد آن ذکر نمود:
 - ﴿الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ
 وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (حج: ۴۱)؛ هم آنان که چون در زمین فرمانروایی عطایشان می‌کنیم نماز را [با
 شرایط ویژه‌اش] می‌خوانند و زکات می‌پردازند، و [مردم را] به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از
 کارهای زشت باز می‌دارند، و فرجام [همه] کارها فقط در اختیار خداست.﴾

در بعضی از روایات، این آیه به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و یارانش تفسیر شده است امام محمد
 باقر فرمود: این آیه اختصاص به آل محمد دارد، حضرت مهدی و اصحابش که خداوند آنها
 را مالک شرق و غرب می‌گرداند و دین را به وسیله او بر تمام ادیان پیروز می‌نماید و باطل و
 دین‌های ساختگی را به وسیله او و یارانش از میان برمی‌دارد و عدالت آنگونه گسترش می‌یابد
 که اثری از ظلم باقی نمی‌ماند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و سرانجام کارها به
 دست خداوند است. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۴۴۷)

اقامه عدالت در تمام ابعاد آن و نهی از ظلم و ستم به هر شکلی که باشد بالاترین مصداق
 امر به معروف و نهی از منکر است که امام زمان برای تحقق آن قیام می‌فرماید و انسان
 منتظر در این امر از امام زمان خود پیروی می‌نماید.

۴،۴،۵. تقوا و خویشتن داری

در سند تحول رعایت تقوی و خویشتنداری را به عنوان یکی از راه کارهای
 تعلیم و تربیت بیان نموده است: «تعمیق تقوای الهی و مهارت خویشتنداری،
 انتخابگری درست و تعالی بخش مستمر دانش آموزان با استفاده از فرصت ایام الله، برگزاری
 مراسم آگاهی بخش و نشاط انگیز» (سند تحول، ص ۲۴) دانش آموز با تربیت مهدوی با تمرین
 تقوا و خویشتن داری این صفت را خویش تعمیق می‌بخشد.

خداوند در آیات زیادی از قرآن کریم سفارش به تقوا می‌فرماید و جایگاه و ارزش تقوا و
 سرانجام داشتن تقوا و عاقبت خیری متقین را بیان نموده است.

- ﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ
 لِلْمُتَّقِينَ﴾ (اعراف: ۱۲۸)؛ موسی به قومش گفت: [در برابر این تهدیدها و مشکلات پیش آمده] از

خداوند [قادر] کمک بخواهید و شکیبایی کنید، بی تردید زمین در سیطره مالکیت خداست، آن را به هرکس از بندگان بخوهد می بخشد، و فرجام [نیک] برای کسانی است که خدا را اطاعت کرده، از محرماتش [پرهیزند].» و همچنین می فرماید:

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَطِيعُوا وَأَطِيعُوا وَانْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوَقِّ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (تغابن: ۱۶)؛ پس تا می توانید از خدا پروا بدارید و بشنوید و فرمان ببرید و مالی برای خودتان [در راه خدا] انفاق کنید و کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند آنان رستگارانند.»

رستگاری عاقبت انسان باتقوا است و فرد منتظر زمینه ساز ظهور بر امر تقوا اهتمام می ورزد و مصداق این آیه شریفه قرآن است: تعاونوا علی البر و التقوی (مائده: ۲)؛ در نیکی و تقوا یکدیگر را یاری کنید. بسیاری از صفات فوق الذکر در سند تحول براساس تقوا در فرد منتظر ایجاد می شود و براساس تقوا نیز ادامه می یابد و پایدار می گردد.

«عَنْ يَمَانِ التَّمَارِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جُلُوسًا فَقَالَ لَنَا إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمُتَمَسِّكِ فِيهَا بَدِينَهُ كَالْحَارِطِ لِلْقِتَادِ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بَدِيهِ فَأَيُّكُمْ يُنْسِكُ شَوْكَ الْقِتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلِيَتَمَسَّكَ بَدِينِهِ.» (کلینی، ج ۲، ص ۱۳۲)

یمان تمارگوید: خدمت امام صادق عليه السلام نشسته بودیم، به ما فرمود همانا صاحب الامر را غیبتی است، هر که در آن زمان دینش را نگه دارد مانند کسی است که درخت خارقتاد را با دست بتراشد. سپس فرمود: اینچنین و با اشاره دست مجسم فرمود - کدام یک از شما می تواند خار آن درخت را به دستش نگهدارد، سپس لختی سر بزیر انداخت و باز فرمود: همانا صاحب الامر را غیبتی است، هر بنده ئی باید از خدا پروا کند، و بدین خود بچسبد. یکی از مصداق تقوا و خویشترداری رعایت حیا و پاکدامنی و پوشش مناسب برای مردان و زنان است. در سند تحول به این امر مهم به دفعات یاد شده است و دانش آموز مهدوی را متصف به آن معرفی می نماید از جمله: پاکدامن و باحیا (سند تحول، ص ۲۴) و «دین اسلام را حق دانسته و آن را به عنوان نظام معیار می شناسند و به آن باور دارند و آگاهانه، آزادانه، شجاعانه و فداکارانه برای تکوین و تعالی اخلاقی خود و دست یابی به مرتبه های از حیات طیبه و استقرار

حکومت عدل جهانی مهدوی از آن تبعیت می نمایند و به رعایت احکام و مناسک دین و موازین اخلاقی مقید هستند» (همان، ص ۳۰) و «برنامهریزی به منظور اقتناع فکری دانش آموزان برای پذیرش قلبی و درونی حیا، عفاف، حجاب و عمل به آن با تبیین دیدگاه اسلام» (همان، ص ۳۶) و «برنامه ریزی و تمهید مقدمات برای پوشش کامل دوره آموزش عمومی و برخوردار از کیفیت مناسب در تمام مناطق کشور» (همان، ص ۳۸) پاکدامنی و پوشش تبیین شده در سند تحول بر آیاتی شریفه مربوط به پاکدامنی و پوشش در قرآن استوار است.

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ (نور: ۳۰)؛ به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه تر است زیرا خدا به آنچه می کنند آگاه است.

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ (نور: ۳۱)؛ و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا﴾ (احزاب: ۵۹)؛ ای پیامبر! به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوشش های خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است.

و در نهایت می توان گفت صفات والای منتظران واقعی امام زمان در این آیه کریمه تجلی یافته است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (مائده: ۵۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما از دین خود برگردد به زودی خدا گروهی [ادیگر] را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند [اینان] با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرفرازند در راه خدا جهاد می کنند و

از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسند این فضل خداست آن را به هر که بخواهد می‌دهد و خدا گشایسگر داناست.»

علی بن ابراهیم نقل می‌کند: این آیه خطاب به آن عده از اصحاب پیامبر خدا ﷺ است که حق آل محمد ﷺ را غصب کردند و از دین خدا برگشتند. «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۳۱، ص ۵۷۷)؛ در مورد امام زمان ﷺ و یاران او نازل شده است.

دوستی در راه خدا، خضوع، سرسختی در مقابل کافران، جهاد و هراس نداشتن از سرزنش سرزنش نکردن ویژگی‌هایی است که در این آیه کریمه به آن اشاره شده است که می‌توان سایر صفات برجسته انسان منتظر را نشئت گرفته از آنها دانست. این آیه سخن از مرتدانی که طبق پیش‌بینی قرآن بعدها از این آئین مقدس روی بر می‌گرداندند به میان می‌آورد و به عنوان یک قانون کلی به همه مسلمانان اخطار می‌کند: اگر کسانی از شما از دین خود بیرون روند، زبانی به خدا و آئین او و جامعه مسلمین و آهنگ سریع پیشرفت آنها نمی‌رسانند، زیرا خداوند در آینده جمعیتی را برای حمایت این آئین برمی‌انگیزد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ» سپس صفات کسانی که باید این رسالت بزرگ را انجام دهند، شرح می‌دهد: ۱- آنها به خدا عشق می‌ورزند و جز به خشنودی او نمی‌اندیشند هم خدا آنها را دوست دارد و هم آنها خدا را دوست دارند. «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ». ۲ و ۳- در برابر مؤمنان خاضع و مهربان و در برابر دشمنان و ستمکاران، سرسخت و خشن و پرقدرتند. «أَذَلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ» ۴- جهاد در راه خدا به طور مستمر از برنامه‌های آنها است. «يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». ۵- آخرین امتیازی که برای آنان ذکر می‌کند این است که در راه انجام فرمان خدا و دفاع از حق، از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند. «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ». در حقیقت علاوه بر قدرت جسمانی، چنان شهامتی دارند که از شکستن سنت‌های غلط و مخالفت با اکثریت‌هائی که راه انحراف را پیش گرفته‌اند، و با تکیه بر کثرت عددی خود دیگران را به باد استهزاء می‌گیرند، پروائی ندارند.

در روایات دیگری می‌خوانیم این آیه درباره یاران مهدی ﷺ نازل شده است که با تمام قدرت در برابر آنها که از آئین حق و عدالت مرتد شده‌اند می‌ایستند و جهان را پر از ایمان و

عدل و داد می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۴۱۵) در سند تحول به چگونگی استفاده از همه ظرفیت‌ها برای تربیت دانش‌آموز با این ویژگی‌های تربیتی اشاره شده است: «استفاده از ظرفیت برنامه‌های درسی، منابع آموزشی، شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات، کتابخانه، فرصت‌آردوها و فعالیت‌های برون‌مدرسه به ویژه مساجد و کانون‌های مذهبی برای تقویت معرفت و باور به معارف الهی به ویژه اعتقاد به توحید و معاد و ولایت و انتظار با رویکرد قرآنی، روایی و عقلانی در دانش‌آموزان.» (سند تحول، ص ۳۵)

۴.۵. اعتلای فرهنگ عمومی در راستای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی

در سند تحول در راستای نیل به اعتلای فرهنگ عمومی در جهت تحقق جامعه مهدوی از بستر مدرسه اصولی را بیان نموده است: «ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه‌سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی در راستای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، التزام به ارزش‌های اخلاقی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت مطلقه فقیه و مردم‌سالاری دینی، تحکیم وحدت ملی، تقویت روحیه علمی، رعایت حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی، ارتقای آداب و آئین زندگی متعالی، بهداشتی و زیست محیطی.» (سند تحول، ص ۲۴)

تاثیر خانواده و جامعه در زمینه‌سازی تحقق جامعه مهدوی امری بدیهی و روشن می‌باشد و جامعه جهانی مهدوی در صورت اعتلای فرهنگ عمومی از مجتمع انسان‌های صالح تشکیل خواهد شد، شایستگی و شایسته‌سالاری در فرهنگ عمومی است که زمینه تشکیل حکومت صالحان در زمین را فراهم می‌آورد و این مهم در بستر یک نظام تعلیم و تربیت مهدوی از کانون خانواده و سپس مدرسه و بعد از آن جامعه تحقق می‌پذیرد. «کیفیت و چگونگی ارتباط جامعه منتظر به جامعه مهدوی موضوعی اساسی است، بازخوانی شاخص‌های جامعه مهدوی، چارچوب مناسبی برای حرکتی صحیح در امتداد جامعه مهدوی ارائه می‌دهد. (بهروزی لک و همکار، ۱۳۹۹) نظام تعلیم و تربیت رسمی ما نقش مهمی در آماده‌سازی جامعه

منتظر برای رسیدن به جامعه مهدوی که یکی از اهداف سند تحول بنیادین آموزش پرورش می باشد، دارد؛ چنانکه همه نهادهای فرهنگی در این آماده سازی نقشی اساسی دارند. اندیشه مهدویت و موعودگرایی اسلام نقشی مهم در محیط‌های گوناگون فرهنگی و اعتقادی ایفا کرده و عاملی بنیادین در ایجاد جامعه زمینه ساز است، ایجاد جامعه زمینه ساز به معنای ایجاد زمینه ظهور انجام دادن اصلاحات سیاسی - اجتماعی و آماده کردن جامعه برای پذیرش انقلاب جهانی امام منتظر را در بر می گیرد که در این زمینه نهادهای فرهنگی نقشی محوری و مهم را ایفا می کنند. (نجاتی منفرد و همکاران، ۱۳۹۱)

آنچه در سند تحول بر آن تاکید دارد ایجاد نظام سازی دینی است که لازم است در بستر مدرسه، خانواده و جامعه تحقق پذیرد.

یکی از بارزترین وظایف جامعه منتظر، زمینه سازی تحقق جامعه مهدوی و حرکت در مسیر ایجاد و آغاز عصر ظهور است، قطعاً آماده سازی و حرکت در مسیر حکومت آرمانی حضرت ولی عصر به مقدمات و تمهیداتی نیاز دارد که از آن جمله، ایجاد نظام سازی دینی در جامعه منتظر است. (غلامی، ۱۳۹۹)

آیاتی از قرآن کریم به تحقق جامعه مهدوی اشاره دارد که می توان بنیادهای قرآنی این فراز از سند تحول را بر آن اساس بیان نمود به شرح ذیل می باشد:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)؛ و در حقیقت، در زبور پس از تو را نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. خداوند در زبور، تورات و قرآن بیان نموده است که سرانجام انسان های صالح و شایسته وارث نهایی زمین خواهند بود. و این افراد همان کسانی هستند که جامعه مهدوی را محقق می سازند.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که منظور از صالحان، اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند. (استرآبادی، ۱۴۰۹، ق، ص ۳۲۷)

﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا﴾ (بقره: ۱۴۸)؛ هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می آورد. ﴿

از امام صادق علیه السلام نقل شده که این آیه درباره قائم و اصحابش نازل شده، که بدون قرار و عده قبلی جمع خواهند شد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۱۳)

و نیز امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: آنها اصحاب قائم هستند. (نعمانی، ۱۴۳۴ق، ص ۲۳۱)

﴿وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (روم: ۴)؛ و در آن روز است که مؤمنان از یاری خدا شاد می‌گردند. ﴿﴾

بر پایه روایتی از امام صادق علیه السلام، منظور از خوشحالی مومنان در آن روز نسبت به قیام و ظهور حضرت قائم علیه السلام است. (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۷)

اجتماع مومنون در زمان ظهور امام زمان شادمان هستند و تحقق وعده الهی را می‌بینند.

- ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که مؤمنند و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده که حتماً آنان را در زمین جانشین [اقوام به هلاکت رسیده] کند، همان‌گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] گردانید، و به یقین، دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و پابرجا کند، و حتماً ترس آنان را [از دشمنان] به امنیت تغییر دهد، [این در حالی است که] مرا می‌پرستند، [و] چیزی را شریک من قرار نمی‌دهند، آنان که پس از این [نعمت‌های ویژه] ناسپاسی ورزند البته منحرف و نافرمانند. ﴿﴾

حضرت علی بن الحسین آیه را تلاوت نمود و فرمود: به خدا سوگند که آنان شیعیان ما اهل بیت هستند و خداوند مومنان و صالحان را در زمین به دست مردی از خانواده ما که او مهدی است به حکومت می‌رساند و او همان است که پیامبر درباره او فرمود: مردی از اهل بیت من که هم نام من است بیاید و زمین را همانطور که پراز ظلم و ستم شده است پراز عدل و داد کند. (بحرانی، ج ۶، ص ۶۱۸) همین حدیث از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام روایت گردیده است. (حویزی، ج ۳، ص ۶۲۰) و ابی بصیر از ابو عبدالله روایت کرده که فرمود این آیه در مورد قائم و یارانش نازل گردیده است. (نعمانی، ۱۴۳۴ق، ص ۱۷۵)

وعده استخلاف در آیه، جز با اجتماعی که با ظهور مهدی علیه السلام بر پا می‌شود با هیچ

مجتمعی قابل انطباق نیست. آنچه از همه مطالب بر آمد این شد که خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند، وعده می دهد که به زودی جامعه ای برایشان تکوین می کند که جامعه به تمام معنا صالح باشد، و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد زمین را ارث برد و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد. (طباطبایی، ج ۵، ص ۲۱۸)

- «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)؛ ما می خواستیم به آنان که در [آن] سرزمین به زبونی و درماندگی سوقشان دادند نعمت [بازرزشِ نجات از ستم فرعونیان را] عطا کنیم، و آنان را پیشوایان و وارثان [اموال و سرزمین های ستمگران] گردانیم. از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که در کتاب علی دیدم در ارتباط با این آیه فرمود: زمین را من و اهل بیتم ارث می بریم ما پرهیزکارانیم و همه زمین برای ما است. (عیاشی، ۱۳۶۳، ص ۵۰۸)

- «ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ» (یونس: ۱۰۳)؛ آن گاه پیامبرانمان و مؤمنان را [در روز نزولِ عذاب] نجات می دهیم، این گونه، مؤمنان را نجات می بخشیم که این حقی لازم بر عهده ماست. آخر انتظار، آن خواهد بود که مانند پیامبران گذشته، نجات فقط مال پیامبر و مؤمنان خواهد بود (قریشی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۳۷) با توجه به آیه شریفه خداوند نجات انسان های مومن را به عنوان حقی بر خود بیان می فرماید. نتیجه انتظار، نجات است که مصداق بارز آن مجتمع انسان های صالح در حکومت مهدوی است.

- «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)؛

ما می خواستیم به آنان که در [آن] سرزمین به زبونی و درماندگی سوقشان دادند نعمت [بازرزشِ نجات از ستم فرعونیان را] عطا کنیم، و آنان را پیشوایان و وارثان [اموال و سرزمین های ستمگران] گردانیم.»

ظاهر این آیه مربوط به بنی اسرائیل است و باطن آن آل محمد می باشد. (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۰۶) سرانجام مستضعفان جهان یعنی کسانی که حقشان سلب

شده است پیشوا و وارث زمین خواهند شد و مجتمع صالح را تشکیل خواهند داد.
 - ﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ
 لِلْمُتَّقِينَ﴾ (اعراف: ۱۲۸)؛ موسی به قومش گفت: [در برابر این تهدیدها و مشکلات پیش آمده] از
 خداوند [قادر] کمک بخواهید و شکیبایی کنید، بی تردید زمین در سیطره مالکیت خداست،
 آن را به هرکس از بندگانش بخواهد می بخشد، و فرجام [نیک] برای کسانی است که خدا
 را [اطاعت کرده، از محرماتش] بپرهیزند. البته همانطور که این مجتمع صالح مهدوی
 تحقق نمی پذیرد مگر با اعتلای فرهنگ جامعه، ابتلاء و امتحان و آمادگی رزمی نیز از لوازم
 جدا نشدنی آن می باشد. در سند تحول با بیان ویژگی هایی؛ تلاشگر، ظلم ستیز، جهادگر و
 شجاع (سند تحول، ص ۲۴) شجاعانه و فداکارانه (همان، ص ۳۰) روحیه جهادی (همان، ص ۳۳)
 روحیه مسئولیت پذیری (همان، ص ۴۲) به این بعد از زمینه سازی جامعه مهدوی اشاره نموده
 است. و انسان به واسطه ابتلاء و امتحان الهی است که به این ویژگی ها دست می یابد. آیات
 کریمه ذیل به بنیادهای قرآنی این صفات اشاره دارد:

﴿إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهْرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي﴾ (بقره: ۲۴۹)؛ خداوند شما را به وسیله
 رودخانه ای خواهد آزمود. پس هرکس از آن بنوشد از [پیروان] من نیست.﴾
 از امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه نقل شده که اصحاب امام زمان علیه السلام هم، مانند یاران
 طالوت، امتحان و آزمایش می شوند. (نعمانی، ۱۴۳۴ق، ص ۲۳۳)

- ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ
 مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾ (انفال: ۶۰)؛ برای [رویارویی با] کافران، هرچه از نیرو [نفرات
 و ساز و برگ جنگی] و اسبان کارآمد دارید آماده کنید! تا به وسیله آن ها دشمن خدا و دشمن
 خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی شناسید ولی خدا آنان را می شناسد بترسانید.﴾

از این آیه می توان استفاده نمود که تحصیل نیرو و قواء جنگی در هر عصری مناسب
 با اقتضاء زمان بر مسلمانان از اهمّ واجبات است و به هر قیمتی تمام می شود باید تهیه
 نمایند که حفظ اسلام منوط به آن است و همچنین اعتبارات و شئونی که موجب عظمت و
 شوکت اسلام و رعب کفار از مسلمانان است و حفظ این معنی مقدم است بر حفظ فروعی که

اساس اسلام توقف بر آن ندارد تفسیر روان جاوید از علی بن ابراهیم نقل شده منظور از قوه در این آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ سلاح است. (تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۵، ص ۶۱۲)

از آنجا که افراد جامعه از نظر افکار و طبایع با هم متفاوت هستند و هیچ مجمعی بر اساس سنتی که حافظ منافعشان باشد اجتماع نمی‌کنند، مگر اینکه اجتماع دیگری علیه منافعش و مخالف باسنتش تشکیل خواهد یافت و دیری نمی‌گذرد که این دو اجتماع کارشان به نزاع و مبارزه می‌کشد، پس در اجتماعات بشری گریزی از وقوع جنگ نیست، لذا برای یک جامعه صالح آمادگی و تجهیز در برابر دشمنان از واجبات فطری می‌باشد. و در تعالیم عالیه اسلام که دین قیم است و خدای متعال آن را برای بشر فرستاده، حکومتی را برای بشر اختیار کرده که باید نام آن را حکومت انسانی گذاشت، که در آن حکومت، کلیه حقوق برای فرد و جامعه محفوظ می‌باشد، به خلاف حکومت‌های فردی استبدادی که در آنها امور مطابق تمایلات حاکمه جریان دارد اما حکومت اسلامی، حکومتی انسانی است که حقوق تک‌تک افراد رعایت می‌شود، لذا تکلیف دفاع از حوزه حکومت اسلامی و سعی برای برپا داشتن آن شامل جمیع افراد جامعه می‌شود. (طباطبایی، ج ۹، ص ۱۵۱) بنابراین برای رسیدن به یک تربیت مهدوی اعتلای فرهنگ عمومی جوامع نقشی اساسی دارد که در بستر اعتلای فرهنگ عمومی انسان‌های صالح، مومن، پرهیزکار، صبور، ظلم ستیز و مجاهد تربیت می‌شوند و وعده‌های الهی در مورد جامعه آرمانی تحقق می‌یابد.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای، قم، آیین دانش
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۳ش)، *کمال الدین و تمام النعمه*، ترجمه: منصور پهلوان، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
 ۲. بحرانی، هاشم (۱۴۲۷ق)، *المحججه فیما نزل فی القائم*، قم: دارالموده.
 ۳. ----- (۱۳۸۹ش)، *تفسیر روایی البرهان*، ترجمه: رضا ناظمیان و همکاران.
 ۴. بقایی، حسین؛ میهمان دوست، حمید؛ قهرمانی فرد، فاضل؛ قهرمانی فرد، کامیار (۱۳۹۲ش)، «الگوی مفهومی- عملیاتی راه‌انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور»، *مجله مشرق موعود*، شماره ۲۶، سال هفتم.
 ۵. بهروزی لک، غلامرضا؛ نصرتی، علیرضا (۱۳۹۹ش)، «واکوی آینده مطلوب توسعه کارآفرینی براساس شاخص‌های جامعه مهدوی». *مجله مشرق موعود*، ش ۵۶.
 ۶. پورقیومی، ایوب (۱۳۹۱ش)، *بیداری اسلامی و جامعه جهانی مهدوی*، *دوفصلنامه علمی- پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی*، سال دوم، ش ۶.
 ۷. تاجری نسب، غلامحسین، (۱۳۸۵)، «مهدویت در قرآن»: آیات مختص، *مجله سفینه*، ش ۱۲، دوره ۳.
 ۸. جوان آراسته، حسین (۱۳۸۶)، *مبانی حکومت اسلامی*، قم: موسسه بوستان کتاب.
 ۹. جواهری، محمدرضا، (۱۳۹۹)، «کنش‌ها و کارکردهای انقلاب اسلامی ایران در تقویت و توسعه آموزه مهدویت»، *فصلنامه علمی ترویجی مهدویت*، ش ۳۴، سال نهم.
 ۱۰. حسینی استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق)، *تاویل الآيات الظاهره*، بی‌جا.
 ۱۱. حسینیان قمی، مهدی (۱۳۹۳)، *پژوهشکده مهدویت*.
 ۱۲. حویزی، عبد علی (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نورالثقلین*، تهران: اسماعیلیان.
 ۱۳. خارستانی، اسماعیل؛ سیفی، فاطمه، (۱۳۹۳)، «جایگاه ولایت‌پذیری و ولایت‌مداری در اسلام و عوامل مؤثر بر تحکیم آن مبتنی بر قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام)»، *مجله سراج منیر*، ش ۱۷، دوره ۵.
 ۱۴. خوشفر، محسن، (۱۳۹۹)، «گونه‌شناسی آیات مهدویت با تأکید بر تفسیر اطیب البیان»، *فصلنامه علمی ترویجی مهدویت*، ش ۳۳، سال نهم.
 ۱۵. سرمدی، محمدرضا؛ میردامادی، سیدمحمد؛ شیروانی، خجسته، (۱۳۹۲)، «نقش معلم در زمینه‌سازی ظهور و تحقق جامعه اسلامی»، *فصلنامه علمی- ترویجی پژوهش‌های مهدوی*، سال دوم، شماره ۷.
 ۱۶. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، (۱۳۹۰)، *شورای عالی انقلاب فرهنگی*، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
 ۱۷. طباطبایی محمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۰)، *مجمع البیان*، ترجمه: هاشم رسولی و دیگران، تهران: فراهانی.

۱۹. طیب، عبدالحسین (۱۳۸۶)، *تفسیر اَطیب البیان*، موسسه جهانی سبطین.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۶۳)، *تفسیر عیاشی*، محقق: هاشم رسولی محلاتی، قم: چاپخانه العلمیه.
۲۱. غلامی، نجفعلی، (۱۳۹۹)، «پیش فرض‌های نظام سازی (نظام اسلامی) در جامعه منتظر براساس اندیشه رهبر معظم انقلاب»، *دوفصلنامه جامعه مهدوی*، دوره ۱، ش ۲.
۲۲. فقیهی، علی نقی؛ امیری، شعله؛ شریفی، فاطمه (۱۳۹۴)، «تبیین هویت اخلاقی فرد منتظر و راهکارهای پرورش آن در نوجوانان»، *پژوهشکده مهدویت*.
۲۳. فیض کاشانی، محمد (۱۴۱۵ق)، *تفسیر صافی*، تهران: مکتبه الصدر.
۲۴. قریشی، علی اکبر (۱۳۷۵)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *البرهان القمی*، قم: دارالکتب.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱ق)، *اصول کافی*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)، *بحار الانوار*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۸. مرادی، مسعود؛ سیدکلان، میرمحمد؛ عیاری، لیلیا (۱۴۱۵ق)، *پژوهشکده مهدوی*.
۲۹. مظاهری، حسین، (۱۳۸۹)، «ولایت فقیه از منظر عقل و قرآن»، *نشریه حکومت اسلامی*، سال پانزدهم، ش ۱.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب اسلامیه.
۳۱. موسوی، مهدی، (۱۳۸۸)، «مدرسه مهدوی درآمدی بر فلسفه و نظام آموزش و پرورش زمینه ساز ظهور»، *مجله مشرق موعود*، ش ۱۰، دوره ۳.
۳۲. موسوی اصفهانی، محمد تقی (۱۳۸۶)، *مکیال المکارم*، قم: مسجد مقدس جمکران.
۳۳. نجاتی منفرد، علیرضا؛ بوالحسنی، خسرو؛ محمدی، حسین، (۱۳۹۱)، *رسالت نهادهای فرهنگی در ایجاد جامعه زمینه ساز، همایش دکترین مهدویت*، دوره ۸.
۳۴. نظری منفرد، علی، (۱۳۸۱)، *امام مهدی از تولد تا رجعت*، چاپ چهارم، نشر جلوه کمال.
۳۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۳۴ق)، *نشر صدوق*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: لبنان.

عوامل مؤثر بر آرامش در قرآن کریم و نتایج تربیتی آن

محمد رضا مددی ماهانی^۱

سید حمیدرضا علوی^۲

چکیده

رسیدن به آرامش یکی از آمال همیشگی بشر به شمار می‌رود و بشر همیشه سعی داشته تا از ناراحتی و اندوه دوری کند و به اطمینان خاطر دست یابد. هدف از نگارش این مقاله بررسی عوامل مؤثر در آرامش انسان از دیدگاه قرآن کریم است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. در ابتدا تعدادی از عوامل تأثیرگذار بر آرامش انسان به صورت نظام‌مند استنباط و توصیف شده، سپس آثار و نتایج تربیتی آن مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد، افراد باایمان از اطمینان خاطر بیشتری نسبت به حوادث زندگی نگاه می‌کنند، اعمال نیک موجب رضایت خاطر انسان و احساس دوستی او با خدا می‌شود، انسان در دعا و نیایش می‌تواند با خدا ارتباط برقرار کند، این عمل، احساس خوشایندی همراه با آرامش به همراه خواهد داشت. انسان متوکل، خدا را به خوبی درک می‌کند و می‌داند که به منبع فناپذیر و قدرت الهی تکیه زده است. از این رو احساس امنیت و آرامش به او دست می‌دهد. عوامل مذکور، زمینه رشد و پرورش صفاتی چون اعتماد بنفس، صبر، محبت، امنیت و... که در تربیت انسان نقش دارند را فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: آرامش، عوامل مؤثر بر آرامش، قرآن کریم، نتایج تربیتی

۱. گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران؛ madadi42@yahoo.com

۲. استاد، گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ hralavi@uk.ac.ir

۱. مقدمه

نقش آرامش روانی و تأثیر آن بر جنبه‌های مختلف زندگی برکسی پوشیده نیست. در دنیای پر آشوب فعلی دستیابی به آرامش روح و روان بیشتر احساس می‌شود. به نظر می‌رسد انسان در دنیای کنونی بدون آرامش نمی‌تواند زندگی راحتی داشته باشد و این موضوع یکی از خواسته‌های همیشگی بشر بوده است. با بررسی و مطالعه در آیات قرآن کریم می‌توان به لایه‌های بسیار متنوع و گوناگونی پی برد که یکی از آن‌ها تأثیر عوامل مختلف بر سلامت و بهداشت روان است. سلامت و بهداشت روان محصول دینداری صحیح است. تعامل بهداشت روان با دیانت و تأثیر متقابل آن‌ها انکارناپذیر نیست از یک طرف اجزا گوناگون دین می‌تواند سبب بهداشت روانی را فراهم آورد و بهداشت روان سبب دانش، نگرش و رفتار دینی شود (علوی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۹). «ایمان می‌تواند به عنوان یک نیروی قوی در مقابل تأثیر محرومیت‌های اقتصادی اجتماعی عمل نماید. ایمان به انسان‌ها کمک می‌کند تا بتوانند فراتر از منافع شخصی‌شان بیندیشند و احساس بهتری داشته باشند. (علوی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۶) به نقل از هوگارد^۱ (۲۰۰۵، ۱۹۱) هدف این پژوهش بیان مولفه‌های ایجاد آرامش از منظر قرآن کریم است و این که توجه به این عوامل چگونه بر تربیت و رشد افراد تأثیر خواهد گذاشت. اهمیت این موضوع از آن روست که آرامش عامل دوری از اضطراب و نگرانی است، آرامش هنری دست‌یافتنی و پایه و اساس رسیدن انسان به سعادت ابدی است. آرامش روانی باعث سلامت روانی و جسمی انسان می‌شود و در هنگام بروز ناملایمات زندگی، از فروپاشی روانی انسان جلوگیری می‌کند.

۲. مفهوم شناسی

آرامش در قرآن کریم با لفظ «سکینه» آمده است. «سکینه» از ریشه سَكَنَ از ماده سکون است که خلاف حرکت است و این کلمه در مورد سکون و آرامش قلب استعمال می‌شود و

1. Hoggard

معنایش قرار گرفتن دل و نداشتن اضطراب باطنی در تصمیم و اراده است. (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۳۸) در آیات قرآن بارها از لفظ سکینه استفاده شده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ... (فتح: ۴)؛ او همان خدایی است که سکینت و آرامش را در دل‌های مؤمنین نازل کرد تا ایمان جدید بر ایمانشان بیفزاید.»، «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ (فتح: ۲۶)؛ پس خدای تعالی سکینت را بر رسولش و بر مؤمنین نازل کرد...».

تربیت از ریشه «ر ب ب» اشاره به مالکیت و تدبیر الهی در مخلوقات است. تربیت به معنی ربوبی شدن معنایی گسترده و وسیع دارد بطوری که شامل پرورش و نمو جسمی، تطهیر و تأدیب نیز می‌شود زیرا در همه آن‌ها احکام و تدابیر ربوبی شدن صورت می‌پذیرد. (باقری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۱۲) با همه این‌ها در این جا منظور از تربیت؛ رشد، پرورش، هدایت و ویژگی‌های فطرت انسانی، تکوین و تعالی و کسب فضایل اخلاقی ارزشی، پرورش روحی معنوی متناسب با نظام معیار اسلامی در قرآن کریم است.

نقش دین و تأثیر آن بر سلامت جسمی و روانی در سال‌های اخیر به شدت مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است: محققان بیمارستان مک‌لین در ماساچوست آمریکا در تحقیقی که بر روی ۱۵۹ بیمار انجام دادند دریافتند که اعتقاد به خدا با بهبود نتایج درمان در روان پزشکی ارتباط مستقیم دارد و میزان افسردگی و تمایل به خودزنی در بیماران، کاهش می‌دهد. (روزمارین، ۲۰۱۳) برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که ایمان به خدا، پاسخ به درمان دارویی افسردگی را افزایش می‌دهد. (مورفی، ۲۰۱۰) حضور و مشارکت هر چه بیشتر در امور مذهبی به طور معناداری با سلامت روانی افراد (الکساندر، ۲۰۰۶) و افزایش طول عمر ارتباط دارد. (مک کولوگه، ۲۰۰۰) اعتقادات مذهبی از طریق افزایش امید به زندگی و حمایت اجتماعی، سلامت روانی افراد را در موقعیت‌های اضطراب‌آور محافظت می‌کند و در کاهش افسردگی و اضطراب بعد از جراحی قلب مؤثر است. (ای، ۲۰۰۶)

پژوهش‌های تجربی که درباره تأثیر دین اسلام بر سلامتی افراد انجام شده نکات ارزشمندی را نشان می‌دهد. تحقیقات انجام شده در سال‌های ۱۹۶۶-۲۰۲۰ نشان می‌دهد که

نماز خواندن مسلمانان اثرات مثبتی بر سلامتی روانی، عصبی، قلبی عروقی و اسکلتی غضروفی دارد (چامسی پاشا، ۲۰۲۱)، شرکت در کلاس‌های آموزش مذهبی بر افزایش سلامت روانی، عملکرد اجتماعی، جسمانی و کاهش افسردگی در دانشجویان تأثیر داشته است (خاکی، ۲۰۲۰)، شرکت در مراسم «توبه و استغفار» به بهبود و سلامت کلی روحی و جسمی دانشجویان مسلمان منجر شده است (کورنیاوان، ۲۰۱۹)، خواندن نماز تأثیر مطلوبی بر سلامت روان دانشجویان داشته است (کیانی، ۲۰۱۱) و (بودهاگونکار، ۲۰۲۱)، نماز خواندن، به سلامت روان و کاهش درد در بیماران مبتلا به سرطان منجر شده است. (ایلامی، ۲۰۱۸) پژوهش دیگری که توسط ابهری (۱۳۹۰) صورت گرفت، نشان داد که اطاعت از دستورات دینی و انجام نیکوکاری باعث ترشح هورمون خاصی در بدن می‌گردد و این موجب بالا رفتن سیستم دفاعی و طول عمر می‌شود.

محمد شبیانی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «سلامت روانی در قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)» نشان داده‌است که چگونه خدا باوری، توحید، توکل و تسلیم بر سلامت روحی روانی افراد تأثیر می‌گذارد. مریم انصاری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به این نتیجه رسیده است که امید داشتن مهم‌ترین انگیزه در انسان می‌باشد. ایمان و امید جزء صفت‌های ضروری برای انسان است که او را مصمم به حرکت در مسیر کمال و سلامت روانی می‌کند و نبود آن باعث نقص در ویژگی‌های انسانی و روانی می‌شود. اگرچه محققین مذکور هر کدام عوامل مختلفی را مورد مطالعه قرار داده‌اند ولی پژوهشگر در این مقاله ضمن برشماری عوامل ایجاد آرامش روحی روانی در انسان، بدنبال آن است که این عوامل چگونه بر آرامش روانی، رشد و تربیت انسان تأثیر می‌گذارد.

روش پژوهش: این پژوهش با در نظر گرفتن ماهیت اطلاعات گردآوری شده از نوع پژوهش‌های کیفی است و به منظور رسیدن به هدف فوق پژوهشگر به قرآن کریم و کتاب‌های تفسیرمراجعه و آیات مرتبط را استخراج، و تعدادی از عوامل تأثیرگذار بر آرامش، مشخص شده‌اند، سپس با روش استنتاجی (استدلال) و روش تحلیلی نتایج تربیتی مورد تبیین قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش: با مطالعه قرآن کریم چند عامل آرامش بخش بر انسان توصیف و

معرفی می‌شود و آثار و نتایج تربیتی هر کدام بر انسان مورد تبیین قرار می‌گیرد:

۳. ایمان

ایمان از ریشه اَمَنَ به معنای آرامش یافتن و از بین رفتن ترس است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۴۸) ایمان یعنی ایمان آوردن، گرویدن و در بیشتر آیات منظور گروندگان به اسلام و پیامبر ﷺ است. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ص ۳۳۳) در قرآن آرامشی که ایمان در وجود مؤمن ایجاد می‌کند این‌گونه توصیف می‌شود: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است، آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. قرآن کریم ایمان را موجب رحمت می‌داند «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ (انعام: ۵۴)؛ چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند بگو درود بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده.»

آرامش ناشی از ایمان مکرر در قرآن آمده است:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۷)؛ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز به پا داشته و زکات داده‌اند... نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. و یا «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲)؛ آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.»

در جای جای قرآن پاداش ایمان مؤمنان چنین آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (فصلت: ۸)؛ کسانی که ایمان آورده... آنان را پاداشی بی‌پایان است. و در جای دیگر «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (تین: ۶)؛... پاداشی بی‌منت خواهند داشت. و یا «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ» (عنکبوت: ۹)؛... آنان را در زمره شایستگان درمی‌آوریم.»

در قرآن ایمان به روشنایی (ابراهیم: ۱)، بینایی (فاطر: ۱۹)، گرمای آفتاب (فاطر: ۲۰) و به نور (انعام: ۲۲) تشبیه شده و بر افراد با ایمان غمی نیست «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ

مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)؛ کسانی که به خدا ایمان داشته باشند غمگین نشوند و ترسی بر آنان نیست.»، «يَا عِبَادِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَخَزُنُونَ» (زخرف: ۶۸) و یا به موسی خطاب می‌رسد که «يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَ (نمل: ۱۰)؛ به خاطر ایمانی که به ما داری نترس و او را به ما بسپار.»

۳، ۱. آثار ایمان به خدا

ایمان موجب آموزش گناهان می‌شود (بقره: ۲۱۸) با داشتن ایمان دعا اجابت می‌گردد (شوری: ۲۶) افراد با ایمان در زمره صالحان قرار دارند (آل عمران: ۱۱۴) به رحمت خداوند امیدوارند (بقره: ۲۱۸) پیروزی از آن افراد با ایمان است (آل عمران: ۱۳۹) نزد خدا پاداش نیکو دارند (کهف: ۸۸) در سایه رحمت خدا قرار دارند (نور: ۶۲) ایمان موجب آرامش دل هایشان است (رعد: ۲۸) همیشه توکلشان بر خداست (تغابن: ۱۳) در انجام دادن کار نیک بر یکدیگر سبقت می‌گیرند (مؤمنون: ۶۱) به عهد و پیمان خود وفا دارند (مائده: ۱) چشم و دامن خود را حفظ می‌کنند (نور: ۳۱) با مال و جانشان در راه خدا تلاش می‌کنند (حجرات: ۱۵) خدا را سرپرست و یاور خود می‌دانند (بقره: ۲۵۷) نه بیمی در انتظار آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند (بقره: ۲۷۷) به ذکر خدا و نماز توسل می‌جویند (بقره: ۱۵۴) از هر چه روزی آنهاست انفاق می‌کنند (انفال: ۴۰) بهشت جایگاه افراد با ایمان است. (مریم: ۶۰)

۳، ۲. نتایج تربیتی ایمان

متناسب با مفهومی که از تربیت در بخش نخست ارائه شده است، می‌توانیم نتایج تربیتی زیر را، از چگونگی تأثیر ایمان بر انسان استنباط کنیم:

«احساس آرامش» از نخستین نتایج برخوردارگی از ایمان است (رعد: ۲۸) زیرا افراد با ایمان در کارهایی که انجام می‌دهند همواره به خداوند نظر دارند، احساس می‌کنند خدا همیشه با آن‌ها است و به آن‌ها کمک می‌کند و دیگر هیچ عاملی موجب ترس و اضطراب آن‌ها نمی‌شود و با امنیت روحی روانی که دارند به یکی از نخستین نیازهای اساسی دست پیدا

می‌کنند. انسان با ایمان؛ با آرامش روحی که دارد، ناراحتی و مشکلات را از سر راه برمی‌دارد، خداوند را دوست و یاور خود می‌داند که او را از تاریکی به روشنایی می‌برد، «اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره: ۲۵۷)، ناآرامی او را تسکین می‌دهد و اطمینان دارد که حکیمی عادل و رؤوف او را تنها نمی‌گذارد بنابراین در آرامش بسر خواهد برد. «الَّذِينَ آمَنُوا... أَلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (عد: ۲۸) تشبیه ایمان به نور پر محتوا و آموزنده است مانند زمانی که به موسی خطاب شد بخاطر ایمانی که به ما داری، نترس (نمل: ۱۰) در این جا است که انسان بدون هیچ شک و تردیدی، این ندا را از سوی خداوند می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۴۰۸) و با آرامش، دستور الهی را اجرا می‌کند. «امنیت و آرامش واقعی در سایه ایمان و عمل صالح و پیوند با خدا و مردم است. «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (قرآنی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۴۷). شهید مطهری (۱۳۸۲) در این باره می‌فرماید: «ایمان» مذهبی، موجب آرامش خاطر است انسان از فکر یک آینده شوم و مقرون به محرومیت، لرزه بر اندامش می‌افتد، سخت دچار دلهره و اضطراب می‌گردد. ایمان مذهبی دلهره و نگرانی نسبت به رفتار جهان را در برابر انسان زایل می‌سازد [زیرا به خداوند اطمینان دارد.]» (ص: ۴۲)

از دیگر آثار تربیتی ایمان به خدا، انجام «کارهای نیک»، «تخلیق به مکارم اخلاق» و «اجتناب از ردایل اخلاقی» است، اگر به خدا ایمان داشته باشیم، او را مالک، آفریدگار، پروردگار، حکیم، رحیم، عادل، بزرگ، عزیز، عالم و... نیز خواهیم دانست، مگر می‌شود خداوند را عالم دانست و او را بزرگ ندانست، مگر می‌شود خدای آفریدگار، حکیم نباشد و رحیم بدون عدل باشد، در این حالت شخص با ایمان علاقه به همنشینی با معبود خود دارد و با میل و رغبت و در کمال آزادی در پی «انجام فرایض الهی» و به کمال رساندن خود خواهد بود.

از طرف دیگر ایمان به خدا، موجب می‌شود انسان، نظام هستی و آفرینش را، با سامان و نظام مند بدانند، نگرانی از انسان دور می‌شود و از عواملی چون حرص، ریا و فریب کاری دوری می‌گزینند و با خاطری آسوده و اطمینان قلبی تعالیم الهی را می‌پذیرد و با پیروی از فرامین الهی، عزت نفس، پرهیزکاری، راستی و فداکاری در او ریشه می‌گیرد و بدین وسیله در مسیر تربیت الهی یعنی رشد و پرورش ارزش‌های اخلاقی گام بر می‌دارد.

ایمان به خدا، «اعتماد بنفس» آدمی را بالا می‌برد، وقتی خداوند را بزرگ و قدرتمند می‌داند، «لا قوه الا بالله» و او را شکست ناپذیر می‌داند، «وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا» (احزاب: ۲۵) انسان به واسطه پیوند با چنین منبع قدرتی، خود را صاحب قدرت و بزرگ می‌یابد و اعتماد بنفس او افزوده شده و احساس آرامش به او دست می‌دهد.

از دیگر آثار تربیتی ایمان به خدا، تقویت روحیه «توکل» است، هنگامی که شخص با ایمان خداوند را دوست و یاور خود می‌داند می‌تواند بر او توکل کند، «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳) (و هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است) و در پرتو اعتماد به خدای جهان آفرین، تکیه‌گاه محکمی خواهد داشت که گسستی در آن نیست.

نتیجه دیگری که می‌توانیم استنباط کنیم، ایمان به خدا باعث، «محبت» و دوستی نسبت به مردم و دیگر آفریده‌ها است. در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶)؛ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی خدای رحمان برای آنان محبتی در دل‌ها قرار می‌دهد. در جامعه‌ای که افراد آن به خداوند ایمان دارند و همدلی و مهربانی بین آنان مشاهده می‌شود، آموزش‌های تربیتی مریبان به راحتی بر متریبان تأثیر خواهد گذارد، زیرا کسی که به خدا ایمان دارد محبت خود را از دیگر مخلوقات خدا دریغ نخواهد کرد، به حیوانات و گیاهان با چشم محبت خواهد نگریست، دیگر شاخه درختی را بیهوده نخواهد شکست و حیوانات از آزار و اذیت او در امان خواهند ماند.

۴. عمل صالح (نیکوکاری)

از موارد دیگری که با توجه به آیات قرآن در آرامش روحی روانی افراد تأثیر دارد انجام عمل صالح یا نیکوکاری است. در قرآن به کرات به مومنینی که عمل شایسته و صالح انجام می‌دهند بشارت داده شده و به آرامش بعد از آن اشاره شده است: «بَلَى... وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۱۱۲)؛ آری... کسی که نیکوکار باشد نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمگین می‌شوند. «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ... وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ

الْجَنَّةَ (نساء: ۱۲۴)؛ آنانی که عمل صالح انجام می دهند مومند و آنان وارد بهشت می شوند. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً (نحل: ۹۷)؛ و هر مرد و زنی که عمل صالح انجام دهد و مؤمن نیز باشد او را به زندگی پاک‌ی حیات می بخشیم.»

در فرهنگنامه قرآن (۱۳۸۹، ص ۹۱۵) عَمِلَ به معنی کردار، کارکرد و کار و «صالح»، به معنی نیک و شایسته، کار نیکو و کارهای خوب آمده است. در قاموس قرآن (۱۳۶۷، ص ۱۴۲) درباره صالح چنین آمده است: صالح به معنی شایسته، آنچه یا کسی که شایسته و خوب است و در آن فساد نیست، هر کاری که در آن حرام نباشد و مطابق عدل و انصاف باشد و صلاح را نیز دارا باشد. در تفسیر واژه «احسان» در تفسیر المیزان چنین آمده است: «منظور از احسان یعنی احسان کنند به عمل کردن برطبق احکامی که نازل شده، یکی انجام دادن عمل است به وجه حسن و نیکویش و دوم کارهای پسندیده است که عاید غیر هم بشود.» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۸۸) و یا در مجمع البیان (۱۳۷۸) چنین آمده است: «منظور از احسان، نیکی در مورد خود، تزکیه نفس، خودسازی، آراستگی خویشتن به ارزش‌های انسانی و اخلاقی و نیکی به دیگران است.» (ص ۶۱)

به چه کارهایی عمل صالح می‌گویند؟ با مراجعه به آیات قرآن می‌توان کارهایی را که عمل صالح بر آنها دلالت می‌کند بدست آورد و متناسب با آن‌ها نتایج تربیتی استنباط کرد: ۱. «وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (اعراف: ۱۴۲)؛ و اصلاح کن و از راه تبه‌کاران پیروی مکن.»

با توجه به آیه بالا اصلاح در مقابل فساد قرار گرفته است و با آگاهی از فساد تبه‌کاران و دوری از آن، می‌توان اعمال صالح را شناخت.

۲. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا... (اعراف: ۴۲)؛ و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند. هیچ‌کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم...» از این آیه چنین استنباط می‌شود که اعمال صالح، اعمالی هستند که از جانب خداوند برای انسان تکلیف شده و به اندازه توانایی هرکس از او خواسته می‌شود.

۳. «... وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُمْ

مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ... (فاطر: ۳۷)؛ ... پروردگارا ما را از دوزخ خارج کن تا اعمال صالح انجام دهیم... به ایشان خطاب می‌رسد... آیا برای شما هشداردهنده نیامد؟ از این آیه استنباط می‌شود که فرمان و دستورات خدا توسط پیامبر برای هدایت بشر آورده شده و آنها جزو اعمال صالح به حساب می‌آیند.

۴. ﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... ثُمَّ اتَّقَوْا... أَحْسِنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (مائده: ۹۳)؛ به کسانی که ایمان آورده و عمل‌های شایسته کرده‌اند و... تقوا ورزیده و کار نیک کنند و خداوند نیکان و نیکی‌کنندگان را دوست دارد﴾

در آیات متعدد قرآن کریم «حسن» در معنای بسیار نزدیک با عمل صالح به کار رفته است مانند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (کهف: ۳۰)﴾ با توجه به آیات ذکر شده، در این پژوهش عمل صالح و کار نیک در کنار یکدیگر قرار گرفته و منظور از آن مجموعه اعمالی است که توسط پیامبر خدا ﷺ و از طریق تعالیم دینی توصیه شده است.

۱،۴. چند نمونه دیگر از اعمال نیک در قرآن

با مراجعه به آیات قرآن کریم چند نمونه از احسان و عمل صالح را چنین می‌توان بیان نمود: نیکی به پدر و مادر (بقره: ۸۳)، نیکی به یتیمان، بینوایان، همسایه نزدیک، همسایه بیگانه، همنشین، در راه مانده، بردگان (نساء: ۳۶)، نماز خواندن و پرداخت زکات. (بقره: ۲۷۷ و ۸۳)، خوش‌زبانی با مردم (بقره: ۸۳)، پرستش خدا (نساء: ۱۷۲)، رعایت عدالت (مائده: ۸)، تقوا (مائده: ۸ و نحل: ۱۲۸)، ایمان (طه: ۷۵ و احزاب: ۲۹)، صبر (یوسف: ۹۰ و هود: ۱۱۵)، انفاق (آل عمران: ۱۳۶)، فرونشاندن خشم (آل عمران: ۱۳۴)، بخشیدن مردم (آل عمران: ۱۳۴)، درخواست از خدا با بیم و امید (اعراف: ۵۶)، جهاد (عنکبوت: ۶۹) صدقه (توبه: ۱۰۴)، توبه (توبه: ۱۰۴ و ۱۱۲)، صداقت (توبه: ۱۱۹)، ایمان به آخرت (لقمان: ۴) احکام دین (مائده: ۹۳) زندگی پیامبران مانند نوح: ابراهیم، موسی، هارون، الیاس، یوسف و موسی (صافات: ۸۰، ۷۳ و ۷۴).

۲، ۴. نتایج تربیتی اعمال نیک

از آیات قرآن چنین استنباط می‌شود که انجام عمل صالح و شایسته منجر به «دوری از گناه» و کاهش حزن و اندوه در انسان و باعث «نشاط درونی» و درنتیجه آرامش که زیر بنای برنامه‌های تربیتی است، خواهد شد ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (اعراف: ۴۲)؛ و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند... آنان همدم بهشتند [که] در آن جاودانند. مصادیق فراوانی که برای عمل صالح و نیکوکاری ذکر شده باعث می‌گردد انسان مؤمن با انجام فرایض دینی احساس نزدیکی به خدا و دوستی با او بکند. ﴿وَهُوَ وَلِيُّهُمْ مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (انعام: ۱۲۷)؛ خدا ولی و یاور آنهاست به خاطر اعمال نیکی که انجام می‌دادند. «ترس به آرامش تبدیل می‌شود. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... وَلَيَسِدَلَّيْنَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾ (نور: ۵۵) و پاداش خود را از خدا خواهند گرفت. ﴿... أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ (سبا: ۳) و آرامش بیشتر در انتظار آنان است. ﴿... وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ... وَهُمْ فِي الْعُزْفَاتِ آمِنُونَ﴾ (سبا: ۳۷)

ایمان و عمل صالح ارزشمند است. عمل صالح باعث جذب افراد به سوی فرد خیرخواه می‌شود، او را دوست خواهند داشت در این حالت فرد خیرخواه خود را تنها احساس نخواهد کرد، نگرانی و «اضطراب» از او دور می‌شود و می‌کوشد عمل شایسته خود را بیشتر انجام دهد و بدین وسیله به تربیت خویش کمک می‌کند. ﴿فَاسْتَبِقُوا الْحَيْرَاتِ﴾ (مائده: ۴۸)؛ «در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جویید.» همان‌گونه پیامبر خدا ﷺ بخاطر ابراز محبت خود بدیگران توانست افراد زیادی را جذب کند «به سبب رحمت الهی در برابر مومنان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند.» (آل عمران: ۱۵۹) احسان و نیکوکاری می‌تواند نیاز نیازمندان جامعه را مرتفع کند و به «کاهش معضلات اجتماعی» و فقر منجر شود و این که انسان خود را در این امر سهیم می‌داند باعث «اعتماد بنفس» و آرامش روح و روان خواهد شد و چه خوشحالی از این بالاتر که خداوند او را دوست خواهد داشت ﴿وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ و به او پاداش خواهد داد ﴿فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَازْهَرِ نَوْعِ دَلْهَرِهِ مَصُونٍ وَكَأَنَّكَ وَالِدٌ وَوَالِدٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره: ۱۱۲)

از دیگر آثار تربیتی عمل صالح، تقویت روحیه وحدت، همبستگی و همدلی میان اعضاء جامعه است زیرا هنگامی که بر اساس مبانی ایمانی اعتقادی افراد به یکدیگر محبت کرده و حواشی یکدیگر را برطرف می نمایند و خود را در غم و شادی یکدیگر شریک می دانند، روابط عاطفی اجتماعی، اعتماد و اطمینان در سطح جامعه در بالاترین سطح خود خواهد بود. زمانی که به دیگران کمک می کنیم احساس مفید بودن خواهیم داشت و این کمک باعث می شود که احساس همبستگی و ارتباط با دیگران تقویت شود و همه این ها به آرامش درونی ما منجر خواهد شد، به عبارت دیگر لذت و نشاطی که از احسان و خدمت بدیگران به انسان دست می دهد در عمق روح و جان آدمی تاثیر می گذارد و موجب از بین رفتن اضطراب و دلهره می شود.

تشویق نیکوکاران یک اصل تربیتی دیگر است که بدنبال عمل صالح در قرآن بارها آمده است. (قرائتی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۴۷) «لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ (بقره: ۲۲۷)» «وَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا (انعام: ۱۶۰)؛ هر کس کار نیکویی انجام دهد، پس ده برابر آن (به عنوان پاداش) برای اوست...» «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (مائده: ۱۳)؛ قطعاً خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.»
مربیان و اولیاء مدرسه با تدارک اردوهای کمک رسانی، متریبان را به نیکوکاری تشویق کنند، این عمل به کاهش تضادهای فرهنگی، تقویت همکاری، همبستگی، محبت و دوستی، شکرگزاری، شادمانی، کاهش استرس و در نتیجه صلح و آرامش منجر خواهد شد.

۵. دعا

ریشه اصلی «دعا» دَعَوَ است. در لغت به معنای میل دادن چیزی و متوجه کردن چیزی به طرف خدا با صدا و کلام. معنی آن طلب کردن و خواستن چیزی است. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵۴) در قرآن درباره اهمیت دعا بسیار سفارش شده است. «وَأَذْكُر رَبِّكَ كَثِيرًا» (آل عمران: ۴۱) و یا اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶۶) در قرآن راز و نیاز نکردن با خدا مذمت شده است. «فُلْ مَا يَعْجَبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا» (فرقان: ۷۷) در جای دیگر در قرآن که نشانه عطف و عطوفت خداوند به بندگانش خود است درباره دعا می فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي﴾ (بقره: ۱۸۶)؛ ... دعای دعاکننده را وقتی مرا بخواند اجابت می‌کنم پس به فرمان من گردن نهند و به من ایمان آورند. در دعاکردن از خدا یاری خواسته می‌شود و فردی که از خداوند کمک می‌خواهد تکیه‌گاه پرقدرتی دارد که موجب تقویت روحی و روانی او می‌شود و افراد محروم از دعا هنگام مواجهه با مشکلات خود را تنها می‌بینند.

دعا یکی از وسایل ارتباط با خداست با دعا ارتباط با خالق هستی نزدیک‌تر شده و انسان می‌تواند نیازها و گرفتاری خود را با او درمیان بگذارد او در خلوت همه خلوت‌نشینان حضور دارد ﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾ (حدید: ۴)؛ او با شماست هر کجا که باشید. در دعا انسان خود را بی‌پناه احساس نمی‌کند، می‌داند که پروردگار صدایش را می‌شنود او را می‌بیند هراسی از غیر خدا به دل راه نمی‌دهد، امیدوار و آرام است دلش نورانی و به یاد خدا آرام و مطمئن است. ﴿أَلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد: ۲۸) در انسان این گرایش وجود دارد که در مواجهه با سختی‌ها به قدرتی ماوراءطبیعت پناه می‌برد ﴿فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَاؤُ اللَّهِ مُخْلِصِينَ﴾ (عنکبوت: ۶۵)؛ چون به کشتی سوار شوند (و در خطر غرق قرار گیرند) خدا را می‌خوانند.

۵، ۱. نتایج تربیتی دعا

با توجه به مطالبی که در ابتدا آورده شد، می‌توانیم چند نکته تربیتی استنباط و تحلیل کنیم: دعا و برقراری ارتباط با معبود به شکل‌های متفاوت در تربیت انسان نقش دارد، اگر کسی خود را در محضر خدا بداند و نسبت به او «معرفت» پیدا کند (حوزه شناختی) هرگز دست به گناه و آلودگی نخواهد زد و بدین وسیله قدمی در مسیر تربیت خود برمی‌دارد ﴿هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (حدید: ۴)؛ او با شماست هر کجا که باشید و خدا به عمل‌های شما آگاه است. انسان اگر با تمام وجود دعا کند در صورتی که خداوند مصلحت بداند دعای او را مستجاب خواهد کرد و این نکته «مصلحت‌اندیشی» را خواهد آموخت چنان که خداوند متعال درباره داستان حضرت ایوب ع.ا.س می‌فرماید: ﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ﴾ (انبیاء: ۸۲)؛ و ایوب وقتی که پروردگار خود را خواند

که مرارنجی رسیده است و تو بخشنده‌ترین بخشندگانی، او را اجابت کردیم» کسی که با خلوص نیت رو به سوی خدا می‌آورد و با او درد دل می‌کند و ضعف و ناتوانی خود را ابراز می‌کند، «غرور و خودخواهی» را از خویش دور می‌سازد و این همان حرکت در مسیر تربیتی است. از ویژگی‌های انسان که در قرآن کریم به آن اشاره شده است «ضعف» انسان است ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾ (نساء: ۲۸) احساس تنهایی و ناامیدی در مقابل مشکلات به انسان دست می‌دهد و راه حل آن می‌تواند دعا و انس با خدا باشد در این حالت انسان امیدوار خواهد بود ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ (احزاب: ۴۱) زیرا می‌داند کسی هست که صدای او را می‌شنود و «دعای دعاکننده را وقتی مرا بخواند اجابت می‌کنم (بقره: ۱۸۶)» و یاد خدا «آرامش بخش» خواهد بود. ﴿الَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَتَّظَمُّنُ الْقُلُوبُ﴾ (رعد: ۲۸) «اگر بدانیم خداوند ما را یاد می‌کند و ما در محضر او هستیم دل‌هایمان آرامش می‌یابد چنان‌که حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ بواسطه کلام الهی ﴿اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا﴾ (هود: ۳۷) آرام گرفت. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۲۳۰)

اگر یکی از هدف‌های تربیت را «بیداری فطرت خداجوی انسان و نزدیکی به خدا» بدانیم، دعا بهترین وسیله برای تقرّب به خداست. انسان فطرتاً تمایل دارد، دوست خدا باشد، با او راز و نیاز کند بنابراین سعی خواهد کرد در جنبه‌های گوناگون علمی اخلاقی رشد کند تا شایستگی همنشینی با معبود را داشته باشد. از طرف دیگر «از آن جایی که خدا با روح انسان عجین شده، حوادث تلخ و شیرین عامل بیداری وجدان و فطرت خداجوی انسان است مس الانسان الضر دعانا.» (قرائتی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۱۸۹)

دعا و دعای دسته جمعی به «روحیه اجتماعی» که یکی از ابعاد تربیت است کمک خواهد کرد. در دعا چه به صورت فردی و جمعی این احساس به ما دست خواهد داد که تنها نیستیم، شریک غم پیدا کرده‌ایم و می‌توانیم نیاز خود را به موجودی بی‌نیاز و قدرتمند ابراز کنیم. وقتی برای دیگران دعا می‌کنیم امکان ندارد بعد از آن به آن‌ها آزار برسانیم بلکه خیرخواه آنان خواهیم بود، وقتی از خدا می‌خواهیم از خطاهایمان درگذرد می‌آموزیم که خطای دیگران را نیز عفو کنیم در این حالت احساس امنیت و آرامش خواهیم داشت.

از دیگر هدف‌های تربیت، «خودشناسی» است و دعا وسیله آن است زیرا دعا موجب

آشنایی انسان با خودش خواهد شد، به کمبودها و عیب و نقص خود آگاه می‌شود و در پی اصلاح رفتار خواهد بود و بدین وسیله، احساس طمأنینه خاطر و آرامش خواهد کرد. همچنین دعا، «توکل» انسان را افزایش می‌دهد زیرا به قدرتی اعتماد کرده است که همیشه همراه اوست بنابراین سعی خواهد کرد افکار و اعمال خود را پیرایش کند و در مسیر تربیت حرکت نماید. تأثیر آرام بخش دعا بر «جسم و روان»، ثابت شده است تحقیقات نشان می‌دهد کسانی که بعد از جراحی قلب در افسردگی بسر می‌بردند دعا موجب شده است که با بیماری خود بهتر کنار بیایند و خوش بین و امیدوار باشند. (آی، پترسون، ۲۰۱۰) و ایمان به دعا با احساس رضایت از زندگی در بیشتر اوقات در ارتباط است. (کراز، ۲۰۱۳) و شرکت در مراسم دعای گروهی یا انفرادی به بهبود عملکرد قلبی عروقی زنان منجر شده است. (ریکلی لین، ۲۰۱۹)

از پیامدهای دیگر دعا کردن ایجاد محبت بین انسان و خدا است. «دعا کننده آن چنان مورد محبت پروردگار قرار دارد که در آیه ﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي...﴾ (بقره: ۱۸۶) هفت مرتبه خداوند تعبیر خودم را برای لطف به او بکار برده است. اگر بندگان خودم درباره خودم پرسیدند به آنان بگو خودم به آنان نزدیک هستم و هرگاه خودم را بخوانند دعاهای آنان را مستجاب می‌کنم پس به خودم ایمان بیاورند و دعوت خودم را اجابت کنند.» (قرآنی، ۱۳۸۴ ج ۱، ص ۲۹۰)

در برنامه‌های تربیتی مترجمان می‌توان انواع دعا را به خصوص در صبحگاه مدرسه قرار داد مانند دعا بر درمان بیماری (انبیاء: ۸۳ و ص: ۴۱) و رفع آندوه (صافات: ۷۶ و قلم: ۴۸)، دعا برای رزق (بقره: ۱۲۶)، دعا برای علم (طه: ۱۱۴)، دعا برای فرزندان (اعراف: ۱۸۹ و هود: ۴۵ و صافات: ۱۰۰)، دعا برای والدین (ابراهیم: ۴۱ و نوح: ۲۸) و دعا برای مومنان (توبه: ۱۰۳ و شوری: ۲۶) (حشر: ۱۰)، چگونگی دعا کردن (اسرا: ۸، ۲۴ و مومنون: ۲۸، ۲۹، ۱۱۸) (زمر: ۴۶ و طه: ۱۱۴)

۶. توکل

یکی از عواملی که تأثیر زیادی بر سلامت روانی و آرامش انسان دارد، توکل است. توکل از ریشه وکَل یعنی به کسی اعتماد گردد و به عنوان نائِب از طرف خود قرار داده شود (راغب

اصفهانى، ۱۳۸۸، ص ۴۸۳) در فرهنگ معین (۱۳۸۸) توکل این گونه معنی شده است: کار باز گذاشتن، بدبگیری اعتماد کردن، کار بخدا حواله دادن، به امید خدا بودن (ص ۱۱۷۰) قرآن کریم بارها انسان را به توکل به خدا و اطمینان خاطر بعد از آن فراخوانده است «... وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ (طلاق: ۳)؛ هر کس به خدا توکل کند خدا او را کافی است.» و یا در جای دیگر توکل را نشانه ایمان و ایمان را مایه آرامش خاطر می داند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ... وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (انفال: ۲)؛ مؤمنان تنها کسانی هستند که... بر پروردگارشان توکل می کنند.» و یا در سوره آل عمران چنین آمده است: «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ... فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ دِيَارِهِمْ فَأَمَّا الْيَهُودُ الْيَهُودُ الَّذِينَ آمَنُوا فَلَمْ يَسْخَرُوا مِنْكُم مَّا سَخَرْتُمْ مِنْكُمْ وَخَلَّوْا بَيْنَكُم وَبَيْنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَكْفُرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ بِالَّذِينَ آمَنُوا قُلْ اللَّهُ يَخْتَارُ مَنِ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ وَالَّذِينَ آمَنُوا خُلِقُوا مِنْ غُلُقٍ وَاحِدٍ يَوْمَ يُنْفَخُ الْكُفُورُ مِنَ النَّاسِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (آل عمران: ۱۷۲-۱۷۴)؛ کسانی که خدا و فرستاده او را اجابت نمودند... بر ایمان آنان افزود و گفتند خدا ما را کافی است و او خوب وکیلی است پس با نعمتی از جانب خداوند و فضلی بازگشتند در حالی که هیچ آسیبی به آنها نرسید» و یا چندین دفعه در قرآن آمده است: «تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (نساء: ۸۱) و انفال: ۶۱ و نمل: ۷۹ و احزاب: ۴۷، ۳)؛ بر خدا توکل کن.»

علامه طباطبایی (۱۳۸۷) در تفسیر المیزان و درباره توکل ذیل آیه ۱۷۲ آل عمران چنین می فرماید: «دست یافتن به هدف، احتیاج به اسباب طبیعی و روحی دارد و اگر با وجود فراهم بودن اسباب طبیعی به هدف نرسد» «اسباب روحی و معنوی تمام نبوده... مثلاً یا می ترسیده یا اندوه و غم مانعش شده... و یا سوءظن داشته...» «و اگر همین انسان در آن امر به خدا توکل کند در حقیقت به سببی متصل شده که شک ناپذیر است...» «و دیگر هیچ اسباب ناسازگار روحی بر اراده او غالب نمی آید.» (ج ۴، ص ۱۰۱)

۱.۶. آثار توکل

نمونه ای از آثار توکل در قرآن را می توان این گونه نام برد: هر کس به خداوند توکل کند مورد لطف قرار می گیرد (هود: ۱۲۳) موجب آرامش می شود (آل عمران: ۱۷۲، ۱۷۳) می تواند مشکلات را پشت سر بگذارد (یونس: ۸۴ و توبه: ۱۲۹) خدا او را دوست دارد (آل عمران: ۱۵۹) خدا افراد متوکل را تأمین می کند (طلاق: ۳) موجب ایستادگی در برابر دشمنان می شود (اعراف: ۸۹) بهره مندی

از رضایت خدا (آل عمران: ۱۷۳، ۱۷۴) صبر در برابر ظلم (ابراهیم: ۱۲) شهامت و شجاعت در برابر دشمن (یونس: ۷۱) تقویت روحیه در شرایط دشوار (آل عمران: ۱۲۲) و استقامت در برابر سختیها (آل عمران: ۱۲۱، ۱۲۲).

۲، ۶. نتایج تربیتی توکل

یکی از احتیاجات اساسی انسان برای رشد و به کمال رسیدن، احساس «امنیت» است در این حالت شخص با آرامش خیال در مسیر برنامه‌های تربیتی حرکت خواهد کرد و نقش توکل در این میان بخوبی خود را نشان می‌دهد. خداوند در قرآن کریم فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ (آل عمران: ۱۵۹)؛ خدا افراد متوکل را دوست دارد و ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (هود: ۱۲۳)؛ و بر خدا توکل نما و پروردگار تو، از آن چه انجام می‌دهید غافل نیست. در این حالت شخص متوکل می‌داند که خدا همراه اوست و او را تنها نخواهد گذاشت و با داشتن تکیه‌گاه محکم، دیگر به غیر خدا تکیه‌ای نخواهد داشت، گناه را ترک می‌کند در نتیجه از لغزش و اشتباه مصون خواهد ماند. همچنین وقتی خدا فرد متوکل را دوست دارد و به او محبت می‌کند، شخص متوکل نیز این دوستی و «محبت» را به دیگران ابراز خواهد داشت در این حالت، احساس آرامش به وی دست می‌دهد.

از دیگر پیامدهای تربیتی توکل، «تلاش و کوشش» است، منظور از توکل این نیست که انسان دست از تلاش بردارد و گوشه نشینی اختیار کند بلکه مفهوم آن این است که با سعی و کوشش، وحشت و ترسی از انجام کار نداشته باشد، به پشتیبانی و قدرت بی پایان پروردگار اتکا کند و باور داشته باشد که خدا همه جا با اوست ﴿هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾ (حدید: ۴)؛ او دارای قدرت و قابل اعتماد است و با این نگرش با جدیت بیشتر به کار و تلاش بپردازد و بداند که وکیل او به صلاح او عمل می‌کند. ﴿اسْتَجَابُوا... حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ «انسان احساس می‌کند خودش مستقلاً نمی‌تواند امور خود را اداره کند... بلکه باید در همه امورش به وکیلی ملتجی شود که اصلاح آموزش به دست اوست... آن وکیل همان خدای قاهری است که هیچ چیز بر او قاهر نیست.» (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۲۹۶)

پیامد تربیتی دیگر توکل، «دوری از ضعف و ناامیدی» و پیدا کردن شجاعت است. شخص متوکل با تکیه بر قدرت الهی، قدرت غلبه بر مشکلات را پیدا می‌کند و با اعتماد بنفس بیشتری که در خود می‌یابد می‌تواند در مقابل مشکلات مقاومت کرده و بر آن‌ها چیره شود ﴿وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ... وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ (احزاب: ۴۸)؛ از کافران فرمان مبر... و بر خدا اعتماد کن، همین بس که خدا نگهدار توست» و ﴿وَإِذْ قَالَ نُوحٌ رَبِّ اجْعَلْ لِي قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِمَا قُلْتُ وَيَتَوَكَّلُونَ عَلَيَّ وَيَحْسَبُونَ أَنَّي مُّؤْتِي السَّلْطَنَ وَيُخْلِقُونَ سُلُوكَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يُحْسِنُونَ صِلَتَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (یونس: ۷۱)؛ و خبر نوح را بر آنان بخوان، آنگاه که به قوم خود گفت... بدانید که من بر خدا توکل کرده‌ام...»

صفت برجسته «صبر» نتیجه تربیتی دیگر توکل، است. صبر عامل استقامت در برابر مشکلات است، اگر نتوان در برابر موانع زندگی استقامت و صبر داشت، ناامیدی و اضطراب نتیجه آن است و چه بسا مترپی از ادامه مسیر منصرف شود، قرآن کریم می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (عنکبوت: ۵۹)؛ همان‌ها که در برابر مشکلات صبر کردند و بر پروردگارشان توکل نمودند. همچنین در کنار صبر، داشتن توکل و روحیه قوی در شرایط دشوار می‌تواند در عبور از بحران و رسیدن به آرامش به انسان کمک کند، در قرآن آمده است: ﴿فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ... إِنْ تَصَبَرُوا وَتَتَّقُوا... وَلِتُزَكِّمَنَّهُ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ (آل عمران: ۱۲۶-۱۲۷)؛ مومنان تنها باید بر خدا توکل کنند... اگر صبر کنید و پرهیزکاری نمایید... دل‌های شما بدان آرامش یابد، و پیروزی جز از جانب خداوند توانای حکیم نیست.

از رابطه بین توکل با ایمان پیامدهای تربیتی دیگری نیز می‌توان استنباط کرد: مگر می‌شود به خدا ایمان داشت و بر او توکل نکرد، ایمان موجب امنیت، آرامش و مصونیت انسان از آلودگی است. شخص با ایمان با اطمینان به معبود خود توکل خواهد نمود ﴿الَّذِينَ قَالُوا هُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران: ۱۷۳)؛ همان کسانی که مردم به ایشان گفتند: مردمان برای جنگ با شما گرد آمده‌اند، پس از آن بترسید، ولی این سخن بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو حمایت‌گری است. تحقیقات نشان می‌دهد که افراد متوکل نسبت به آینده

امیدوارند، صبر و تحمّل بیشتری از خود نشان می‌دهند و آرامش بیشتری دارند (غباری بناب، ۱۳۸۰) کسانی که توکل بیشتری دارند میزان افسردگی در آنان پایین است (علی بخشی، ۱۳۹۰) و از عزت نفس بالاتری برخوردارند (بخشایش، ۱۳۹۰).

۷. نتیجه‌گیری

آرامش و امنیت خاطر برای کسانی که ایمان دارند، عمل صالح انجام می‌دهند و با دعا و توکل با خدای خود ارتباط برقرار می‌کنند امری قابل تحقق و دست یافتنی است. افراد مؤمن همیشه در عبادت و کارهایی که انجام می‌دهند خدا را در نظر دارند و برای رضایت او از دستورات و فرامین الهی پیروی می‌کنند، به وعده‌های الهی امیدوارند و به این نکته اطمینان دارند که خدا آنها را هدایت می‌کند، همیشه با آنهاست و در گرفتاری‌ها به آنها کمک می‌کند، بنابراین حزن و اندوهی ندارند و خود را شایسته پاداش الهی دانسته و آرامش خاطر دارند. این نکته در پژوهش تجربی (کیانی، ۲۰۱۱) و (ای، ۲۰۰۶) آمده است.

نیکوکاری یا عمل صالح، پیروی از دستورات الهی است و کسی که خدا را خالق و صاحب قدرت بداند فرامین او را که در کتاب خدا و توسط رسول او آورده شده با گوش جان پذیرا خواهد بود. ایمان و عمل صالح رابطه متقابل دارند دو کفه ترازو هستند، می‌توان با درخت ایمان، میوه صالح پرورش داد احسان و نیکوکاری موجب بهره‌مندی از رحمت خدا، جاودان بودن و دوستی با خداست. زندگی محمد ﷺ، نوح، ابراهیم، موسی و ... همه نمونه عمل صالح است و شناخت آنها موجب شناخت عمل صالح و انجام آنها همان ادای تکلیف و نشاط بعد از آن را به همراه خواهد داشت. این موضوع در پژوهش (الکساندر، ۲۰۰۶) نیز آمده است.

دعا و نیایش یکی از راه‌های مؤثر درمان نگرانی است زیرا انسان با ایمان می‌داند که خدا هیچ‌گاه او را تنها نمی‌گذارد خودش فرموده مرا بخوانید تا اجابت کنم بنابراین همیشه و در همه حال به یاد اوست و با او راز و نیاز می‌کند در این صورت در دل احساس آرام بودن می‌کند. همچنین انسان هنگامی که بداند تکیه‌گاه قدرتمندی دارد که فنا نمی‌پذیرد و همه چیز از اوست پس چرا به او تکیه نکند و او را وکیل خود قرار ندهد زیرا خدا بهترین راه و مسیر را برای

انسان در نظر می‌گیرد که موجب امنیت خاطر و آرامش خواهد بود. پژوهش‌های تجربی تأثیر دعا و توکل بر آرامش بخشی و رضایت از زندگی را نشان داده است (کراز، ۲۰۱۳) و (غباری بناب، ۱۳۸۰).

ایمان، عمل صالح، دعا و توکل بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. اگر ایمان در اعماق جان انسان نفوذ کند، نور آن در اعمال صالح، دعا و توکل درخشیدن خواهد گرفت و بلعکس. در قرآن کریم به عمل صالح بعد از ایمان و به همراهی ایمان، توکل، صبر و آرامش اشاره شده است. ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾ (عصر: ۳۲). بر مریبان و برنامه ریزان تربیتی است که به تقویت بنیان‌های اعتقادی مریبان همت گمارند و در این مسیر روش و برنامه مناسب را تدوین کنند. به نقش تربیتی ایمان، نیکوکاری، دعا و توکل توجه داشته باشند و آنها را در رفتار و عمل خود مدنظر قرار دهند.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی (۱۳۸۰)، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابهری، مجید (۱۳۹۰)، «اعتماد به نفس و آرامش روحی و روانی ناشی از اطاعت از دستورات دینی»، www.farsnews.com
 ۲. انصاری، مریم و میرشاه جعفری، ابراهیم (۱۳۸۹ش)، «تأملی بر ساز و کار ایمان در زندگی و تأثیر آن بر سلامت روانی انسان»، *دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۶.
 ۳. باقری، خسرو (۱۳۸۷ش)، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت در ج.ا.ا.*، ج ۱، تهران: علمی فرهنگی.
 ۴. بخشایش، علیرضا (۱۳۹۰ش) «بررسی رابطه توکل به خدا، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان»، *روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، ش ۲، ص ۹۸-۷۹.
 ۵. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷ش)، *دانشنامه قرآن*، ج ۱، تهران: انتشارات دوستان.
 ۶. راغب اصفهانی، حسن بن علی (۱۳۸۸ش)، *مفردات*، ترجمه مصطفی رحیمی‌نیا، تهران: نشر سبحان.
 ۷. شبانی، محمد (۱۳۹۱ش)، «سلامت روانی در قرآن و روایات اهل بیت»، *مجله سفیر*، ش ۱۸، ص ۲۵۳-۲۲۳.
 ۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷ش)، *تفسیرالمیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی، ج ۲، ۴، ۶، ۱۱ قم: انتشارات اسلامی.
 ۹. طبرسی، ابو علی (۱۳۷۸ش)، *مجمع‌البیان*، ج ۴، تهران: انتشارات فراهانی.
 ۱۰. علوی، سیدحمیدرضا (۱۳۹۶ش)، *تعالیم تربیتی و روان‌شناختی قرآن کریم*، تهران: آوای نور.
 ۱۱. علی بخشی، سیده زهرا و ممقانیه، مریم و علی پور، احمد (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه توکل به خدا و سلامت روان دانشجویان دانشگاه پیام نور». *معرفت*، سال پانزدهم، ش ۱، ص ۴۷-۶۵.
 ۱۲. غباری بناب، باقر و همکاران (۱۳۸۰ش)، «رابطه توکل به خدا با اضطراب و صبر و امیدواری در شرایط ناگوار در دانشجویان دانشگاه تهران»، قابل دسترسی در سایت www.mhrn.net/rdsms_article_list.php
 ۱۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۴ش)، *تفسیر نور*، ج ۱، چاپ ۱۳، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
 ۱۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۰ش)، *تفسیر نور*، ج ۵، چاپ ۱۲، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
 ۱۵. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، ج ۶، چاپ ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
 ۱۶. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۶۷ش)، *قاموس قرآن*، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲ش)، *انسان و ایمان*، تهران: انتشارات صدرا.
 ۱۸. معین، محمد (۱۳۸۸ش)، *فرهنگ معین*، جلد ۱، تهران: امیرکبیر.
 ۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷ش)، *تفسیر نمونه*، ج ۱۵، چاپ ۲۵، تهران: دارالکتب.
 ۲۰. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۹ش)، *فرهنگ‌نامه قرآن*، ج ۳، مشهد: انتشارات آستان قدس.

منابع انگلیسی

21. Ai, A.L., Ladd, K.L., Peterson, C. (2010). The effect of using prayer for coping Replicated in a prospective design (E J 905427) www.eric.ed. gov
22. Ai, Amy. Park, C. (2006). Research shows how religious Beliefs can protect psychological well – being during stressful experiences www.apa.org/news/press/releases/2006/08/religious.aspx
23. Alexander, M. (2006). Religiousness and mental health. Issn: 15164446 1809452 x vol: 28 www.doaj.org
24. Eilami, O. Moslemirad, M. Naimi, E. Babuei, A. (2018). The effect religious psychotherapy emphasizing the importance of prayers on mental health and pain in cancer patients. Journal of religion and health, no 58, 444- 451.
25. Kravse N, Harvard RD. (2013). Prayer beliefs and change in life satisfaction over time. PMID: 23117927
26. www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/23117927.
27. Riklikiene, O. Poskaite, G. Vainoras, A. (2019). Spiritual needs, prayer and cardiac function changes in healthy young women- the interconnection of spirituality with human physiology. Journal of complexity in health sciences, vol.2 no.2, p 77-86.
28. Rosmarin, D, H. (2013). Faith in God positively influences treatment for individuals with psychiatric illness, suggests Mclean Hospital study, published in journal of Affective disorders (PMID 23051729) www.mclean.harvard.edu
29. McCulloch, M. (2000). Analysis of studies shows that religious involvement may be a factor in living a long life.
30. www.apa.org / news/press/releases/2000/06/religion.aspx.
31. Murphy, P. (2010). Belief in a caring God improves response to medical treatment for depression journal of clinical psychology, (...). www.sciencedaily.com/releases/2010/02/100223132021.htm
32. Kiyani, R. Mohammadi, A. Pourahmad, E. (2011). Investigating the effect of prayer in increasing the mental health of college students, Social and behavioral sciences, p 1875- 1877. www. Scindedirect.com
33. Khaki, A. Sadeghi, H, A. (2021). Investigating the effect of religious and Islamic teachings on the calmness and mental health in educational spaces. Journal of religion and health, 60, p 2631-2645.
34. www. Doi.org/10.1007/s
35. Chamsi-pasha, M. Chamsi-pasha, H. (2021). A review of the literature on the health benefits of salat (Islamic prayer). Med Malaysia vol. No 76.
36. Budhagaonkar, J. Bansode, N. (2021). Effect of prayer on mental health during covid pandemics on nursing student: A perspective study. Rex journal volume 9 issue.
37. Kurniawan, I. Jaufalaily, N. (2019). Repentance and seeking forgiveness: The effects of spiritual therapy based on Islamic tenets to improve mental health. Published online 9 May. P 185- 194. www. Doi.org/10,1080/13674676.

تحلیل محتوای کتب درسی آموزش قرآن کریم و هدیه‌های آسمان دوره اول ابتدایی از حیث توجه به مؤلفه‌های تربیت هویت محور معنوی و اخلاقی کودکان منطبق با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مهدی میرزایی^۱

چکیده

تأکید مقام معظم رهبری، بر معنویت و اخلاق به عنوان سرفصل دوم، از سرفصل‌های هفتگانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بر اهمیت پرداختن به این موضوع و تحلیل مؤلفه‌های آن، از جنبه‌های گوناگون صحنه گذاشته است. هدف پژوهش، بررسی تحلیل محتوای کتب درسی آموزش قرآن و هدیه‌های آسمان، دوره اول ابتدایی از حیث توجه به مؤلفه‌های تربیت هویت محور معنوی و اخلاقی کودکان منطبق با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. روش پژوهش، توصیفی شامل: تحلیل اسنادی و نیز تحلیل محتوا با رویکردی کاربردی است. جامعه پژوهشی شامل دو بخش یعنی: متون مرتبط به مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و پنج عنوان کتاب درسی آموزش قرآن و هدیه‌های آسمان است. ابزارهای اندازه‌گیری: فرم فیش برداری و چک‌لیست تحلیل محتوا، با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی هستند. مشخص شد که به ترتیب مؤلفه‌های: ایمان به خدا، زایش قوه تعقل و تفکر، خودسازی معنوی و اخلاقی، ظلم و استکبار ستیزی، نیکوکاری، ایثار و فداکاری، یکرنگی و همدلی، کمک و یاری‌رسانی، صبر و تحمل‌گرایی، عفو و گذشت، شجاعت، اخلاص، تواضع و فروتنی، وفاداری و درنهایت بصیرت، بیشترین تأکید را داشته‌اند. همچنین کتب آموزش قرآن و هدیه‌های آسمان پایه سوم، بیشترین تأکید و پایه اول، کمترین تأکید را در این زمینه داشته است. همچنین مشخص شد که محتوای کتب درسی آموزش قرآن و هدیه‌های آسمان، در زمینه ظرفیت‌های هویتی در زمینه‌های معنوی و اخلاقی متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از سطح شناخت و آگاهی خوبی برخوردار بودند، ولی با نقطه مطلوب، فاصله دارند. در پایان، الگوی اسلامی در زمینه تربیت هویت محور معنوی و اخلاقی کودکان، منطبق با بیانیه گام دوم انقلاب ارائه شده است. کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، کتب درسی، آموزش قرآن و هدیه‌های آسمان، معنویت و اخلاق، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی (برنامه ریزی آموزشی)، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. mmirza1000@gmail.com

۱. مقدمه

از دیدگاه دین، کودک تا سن هفت سالگی زندگی، سید و سرور است و به تعبیر رسول گرامی اسلام ﷺ و سلب مرحله سیادت کودک است و شخصیت کودک در کنار هویت^۱ او در این دوران شکل می‌گیرد. در این میان خانواده، مدرسه، رسانه‌های گروهی، کتاب‌ها و ... مناسب‌ترین بسترها برای تربیت و پیدایش هویت اسلامی ایرانی^۲ در کودکان^۳ به شمار می‌آیند (عامری، ۱۳۹۷، ص ۶۱).

کودکان از لحظه تولد وارد مرحله شناسایی می‌شوند و نیاز به شناخت خویش، محیط پیرامون و کسب هویت مشخص از این طریق از نیازهای اساسی آنهاست. هویت به عنوان تعریف و شناسایی از من حقیقی خود از حنبه‌های مختلف فردی و شخصی و اجتماعی مد نظر بوده و منابع مکتوب نظیر کتب درسی به عنوان منبعی از ادبیات که درون مایه معنوی و اخلاقی برای کودکان دارند، می‌توانند در رشد تربیت هویت محور معنوی و اخلاقی بر مایه رشد فردی و جمعی کودکان اثر گذاشته و با رویکرد هنرمندانه به معنویت و اخلاق و توسعه آن برای تربیت هویت محور معنوی و اخلاقی کودک دامن زنند.

هویت معنوی و اخلاقی^۴ کودک به عنوان تعریف و شناسایی خود کودک بر اساس معنویت و اخلاق در سالهای اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و از یک طرف مفهوم سازی مؤلفه‌ای و از طرف دیگر شناسایی پیش‌آیندها و پیامدهای این سازه‌های هویتی برای کودک از عمده‌ترین مسائل مهم و پیشرو در تربیت هویت محور برای کودک هستند.

امروزه ضرورت توجه به تربیت هویت محور^۵ بر اساس مؤلفه‌های معنوی و اخلاقی کودکان بیش از هر زمان دیگری است تمرکز دنیای معاصر به پیشرفت‌های صنعتی، اقتصادی، تبلیغاتی پر زرق و برق، تهاجم فرهنگ‌های متخاصم و ناسالم از طریق فضای مجازی

1. Identity
2. Islamic – Iranian Identity
3. Children's
4. Spiritual & Ethics Identity
5. Identity – based Education

و رسانه‌های گوناگون و دسترسی آسان کودک به آنها، سلامت جسم و روح او را به مخاطره انداخته و سبب از بین رفتن ارتباط کودک با کلیت خود، انسانیت، محیط و جهان پیرامون شده و از این رو، تربیت بر پایه هویت معنوی و اخلاقی کودک در توجه متخصصان عرصه تعلیم و تربیت قرار گرفته است.

مقام معظم رهبری علیه السلام، اخلاق در جامعه را هدف اصلی و کارهای دیگر را مقدمه می‌دانند و چنین می‌فرمایند: فایده اساسی و هدف اصلی این است که انسان‌ها متخلق به اخلاق الله بشوند. تخلق به اخلاق الله مقدمه برای کار دیگر نیست. کارهای دیگر، مقدمه برای تخلق به اخلاق الله هستند. عدل مقدمه تخلق به اخلاق الله و نورانی شدن انسان هاست. حکومت اسلامی در جامعه و حاکمیت پیامبران برای همین است. اخلاق اسلامی در جامعه در قالب رعایت مفاد اخلاقی در جمع و اجتماع مردم در همه زمینه‌ها باید رعایت شود. کوهی از معلومات بدون اخلاق درست، هیچ ارزشی ندارد. ما ارزش‌های اخلاقی و معنوی را در جامعه برای جوان ضروری می‌دانیم که اهمیت آن بیشتر از علم است و معتقدیم انقلاب ما به خاطر همین ارزش‌ها بوده است (بانکی پور فرد و قماشچی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۶).

مقام معظم رهبری علیه السلام، در باره اهمیت رعایت اخلاق می‌فرمایند: اگر انسان‌ها از نظر سواد و دانش و سیاست بحر العلوم هم باشند؛ ولی اخلاق نداشته باشد و به فضائل مختلف اخلاقی در اجتماع و در بین مردم آراسته نشود، کوچک‌ترین نفعی برای خود و جامعه نخواهند داشت (لباف، ۱۳۹۸، ص ۶۰).

از حیث نظری، مقام معظم رهبری معتقدند که آموزش و پرورش فقط تعلیم و آموزش نیست و فقط علم نیست. بلکه تربیت و پرورش را هم شامل می‌شود. به نظر ایشان، مهم‌ترین ارکان نظری آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت است. ایشان این دو وظیفه اصلی و خطیر را از وظایف پیامبران می‌دانند و بر تزکیه و تعلیم اشاره دارند و تزکیه را همدیگر تربیت می‌دانند و بر ابعاد معنوی و اخلاقی در تزکیه بسیار تاکید دارند. در باب اهمیت معنویت، مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانات مختلف خود از آن به عنوان وجه مشترک بشری و انسانی یاد شده تکیه بر تبیین شاخصه‌های معنویت اسلامی در راستای مقابله با کانون‌های ضد معنویت و معنویت‌ها و

عرفان‌های نوظهور و نوپدید و بی‌هدف و همچنین مقابله با نظام‌های سلطه‌کاپیتالیسم غربی و سوسیالیسم شرقی که متکی بر لذت‌طلبی و شهوت‌گرایی اند توجه نموده است. ایشان نقش معنویت را به عنوان گم‌شده قرن حاضر می‌داند و نقش آن را در پویایی و پیشرفت جامعه و به تبع آن در تمدن‌سازی اسلامی نمایان شده است و به عنوان جهت‌دهنده همه حرکات و نیازهای و شعائر اصلی جامعه است و تنها انتخاب عاطفی و از روی احساس نیست، بلکه بر پایه‌های تفکر فلسفه اسلامی و عقلانیت و منطق استوار شده است.

توجه به کسب و ارتقاء شایستگی‌های هویتی در باب معنویت‌گرایی و روحیه اخلاق و اخلاق‌مداری از موارد مهم اشاره شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. رفتار اسلامی و الگو برداری معنوی و اخلاقی از آموزه‌های دینی و بهبود و ارتقای اصول و مبانی معنوی و اخلاق، بهترین مسیر برای رشد و تعالی افراد در جامعه و مقاومت در برابر وسوسه‌های شیطانی بویژه برای معلمان در همه سطوح است. رهبر معظم انقلاب امام‌خامنه‌ای^۱ در بیانیه گام دوم انقلاب، با برشمردن تحولات و پیشرفت‌های بزرگ ایران اسلامی در ۴۰ سال اخیر و مقایسه وضعیت کنونی کشورمان به دوران قبل از انقلاب اسلامی تبیین کرده‌اند که تلاش برای رسیدن به قله‌های عظیم باید از اولویت‌ها و باید‌های نخستین عبور کرده و به مراتب بالاتر رسید. در این بین، طبق سرفصل‌های ۷ گانه مورد اشاره مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب باید قدم بر برداشت که در این پژوهش با توجه به اصل توجه و گسترش دادن معنویت و اخلاق به عنوان یکی از سرفصل‌های ۷ گانه بیانیه گام دوم انقلاب، به بررسی هویت با محوریت معنویت و اخلاق در قالب تحلیل محتوای کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان در دوره ابتدایی با هدف داشتن محتوای غنی کتب درسی در این زمینه بسیار اهمیت دارد. باید گفت: طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعلیم واجبات و مستحبات دینی با هدف ارتقاء فرهنگ معنویت و اخلاق ضرورت دانسته شده و هیچگاه نباید برنامه‌های مختلف آموزشی و درسی و بویژه محتوای کتب درسی در دوره‌های مختلف تحصیلی از هدف‌های آموزش دینی خالی باشند و به صراحت باید تأکید شده باشد.

1. Supreme Leader Khamenei Imam

رشد هویت بر پایه اصول و مبانی معنوی و اخلاقی از اساسی‌ترین مفاهیم در مطالعات روانشناسی دین است. روانشناسان از زمان جی. استنلی هال بر اهمیت دوران کودکی در کسب هویت واحد و رشد معنوی و اخلاقی آن تاکید کرده‌اند. آن‌ها بر این باورند که اگر معنویت و اخلاقی زیستن و آراسته شدن به فضایل معنوی و اخلاقی و تلاش برای هویت سازی در این مورد در کودک به معنی اشتیاق به تعالی و معنا تلقی شود، بی تردید کودکان طبیعت معنوی و اخلاقی نیرومندی داشته و در جستجوی معنا و تعالی‌اند و این تجربه در دوران بزرگسالی هم تأثیر گذار است (جعفریان، ۱۳۹۸، ص ۷۳).

ابعاد هویت معنوی برای کودکان در نظام‌های آموزشی را می‌توان شامل ابعادی همچون:
۱- جهت گیری شناختی نسبت به معنویت (اعتقادات، گرایش‌ها و انتظارات). ۲- بُعد تجربی و واقعه‌گرایانه (تجارب مرموز، مذهبی، فرا فردی و اوج)، ۳- بهزیستی وجودی کودک (حس معنی، هدف و انتظار از خود به عنوان اداره‌کننده درونی وجود)، ۴- اعتقادات غیر عادی (اعتقاد به سحر، جادو و یا روح)، ۵- مذهبی بودن (تجلیات معنویت، اعمال و سبک زندگی دینداری حقیقی و جهت گیری درونی مذهبی) (مک دونالد و فریدمن، ۲۰۰۲، ص ۱۱۷).

دغدغه‌ها و نگرانی‌های که شمولیت جهانی داشته و توجه همگان را به پرورش و رشد هویت معنوی و اخلاقی برای کودکان جلب کرده را می‌توان شامل: نگرانی‌های اجتماعی نسبت به کاهش تعاملات و تعاون اجتماعی و اهداف مشترک در جوامع. نگرانی شوید در مورد فراموش شدن ارزشهای سنتی یه دلیل گسترش جریان‌ات اجتماعی سکولاریسم و ماتریالیسم. دغدغه‌های تربیتی راجع به اهداف کنونی نظام‌های تربیتی که تحت تأثیر علایق سیاسی، اهداف اقتصادی و خرفه‌اند و اهداف معنوی و اخلاقی نادیده نگریسته می‌شوند. بی روح شدت فضای حاکم کلاس‌های درس به دلیل یکنواختی روش‌های تربیتی و تست‌های استاندارد و تولید عملکرد مورد انتظار و در نهایت گسترش احساس از خود بیگانگی، ظلم و تعدی نسبت اقلیت‌ها، افزایش شکاف اجتماعی، بی اخلاقی‌ها و غفلت از معنویت دانست.

محتوای برنامه درسی مدارس در قالب محتوای کتب رسمی درسی یکی از عوامل کلیدی مؤثر در فرایند تربیت پذیری معنوی و توسعه وجدان اخلاقی در قالب رشد شناختی برای کودکان هستند که تحلیل آنها از جنبه‌های تربیتی متناسب با گسترش هویت یابی برای کودکان می‌تواند باعث شناخت در مورد معنا و مفهوم زندگی معنوی و اخلاقی، رشد خود رضایتی دینی، تطبیق با شرایط، احساس تعهد معنوی و اخلاقی و درک متقابل از مفهوم خود معنوی و اخلاقی با محیط اطراف و ارزش‌های پذیرفته شده می‌شود (لی، ۲۰۲۰، ص ۲).

۲. اهداف و سؤالات پژوهش

۱.۲. هدف اصلی

بررسی تحلیل محتوا^۱ کتب درسی آموزش قرآن و هدیه‌های آسمان دوره آموزش ابتدایی^۳ بر اساس میزان تاکید بر مؤلفه‌های تربیت هویت محور در زمینه معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، تألیف سال تحصیلی ۱۳۹۹/۱۴۰۰ است.

۱.۱.۲. اهداف فرعی

شامل: مشخص شدن مؤلفه‌های مرتبط با رشد معنویت و اخلاق در سرفصل دوم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و مشخص شدن میزان تفاوت در تاکید بر مؤلفه‌های هویت معنوی و اخلاقی در محتوای کتب درسی آموزش قرآن و هدیه‌های آسمان در پایه‌های دوره اول ابتدایی.

۱.۱.۲. سؤالات

که در اینجا مطرح می‌شوند عبارتند از: - مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی کدامند؟ - در محتوای کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی تا چه میزان به مؤلفه‌های اخلاق و معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی توجه شده است؟ آموزش

1. Lee, J.C.K
2. Content Analysis
3. Primary Education

مسائل معنوی و اخلاقی از مهم‌ترین اهداف، چالش‌ها و دغدغه‌های آموزش و پرورش است و از آنجایی که تحقق بخشیدن به این اهداف و برطرف کردن این دغدغه‌ها و آموزش مسائل معنوی و اخلاقی از طریق گنجاندن این مطالب در کتب درسی قرآن و هدیه‌ای آسمان امکان پذیر است و از طرفی، باعث بالابردن سطح اطلاعات دینی، سبب رشد شخصیت انسانی و عاطفی افراد هم شده و این موضوع دو چندان اهمیت پیدا می‌کند.

۳. معنویت و اخلاق از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

مقام معظم رهبری علیه السلام همواره بر برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایمان، توکل در خود و جامعه تاکید داشته‌اند. از نظر ایشان، معنویت نه تنها شالوده و کالبد انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد، بلکه پیام فراگیر انقلاب اسلامی به دیگران نیز پیام معنویت است. ایشان می‌فرمایند: پیام انقلاب اسلامی، پیام معنویت ما توجه به معنویت، وارد کردن عنصر معنویت در زندگی انسان و توجه به اخلاق و خداست. معنویت، هم معنویت اسلامی و قرآنی است و هم از متن قرآن و هم متن دین گرفته شده است. ما از معنویت به هیچ عنوان صرف نظر نمی‌کنیم، روح و اساس کار ما معنویت است (خوشدونی، ۱۳۹۸، ص ۲۷).

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی^۱، تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مقابله منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی نوین اسلامی و فصل جدی زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد. این گام دوم انقلاب را به آرمان بزرگش که همانا ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) هست (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۱).

در باب اهمیت معنویت، مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانات مختلف خود از آن به عنوان وجه مشترک بشری و انسانی یاد شده تکیه بر تبیین شاخصه‌های معنویت و اخلاق اسلامی در راستای مقابله با کانون‌های ضد معنویت و معنویت‌ها و عرفان‌های نوظهور و نوپدید و

1. Second Step Statement of the Islamic Revolution

بی هدف و همچنین مقابله با نظام‌های سلطه کاپیتالیسم غربی و سوسیالیسم شرقی که متکی بر لذت طلبی و شهوت‌گرایی اند توجه نموده است. ایشان نقش معنویت را به عنوان گمشده قرن حاضر نی داند و نقش آن را در پویایی و پیشرفت جامعه و به تبع آن در تمدن سازی اسلامی نمایان شده است و به عنوان جهت دهنده همه حرکات و نیازهای و شعائر اصلی جامعه است و تنها انتخاب عاطفی و از روی احساس نیست، بلکه بر پایه‌های تفکر فلسفه اسلامی و عقلانیت و منطق استوار شده است.

معنویت و اخلاق‌گرایی در بیانیه گام دوم انقلاب، با بی عدالتی، سلطه‌پذیری، روحیه انفعال اجتماعی و عدم درگیری در اجتماع سرستیز دارد و باید به شیوه معقول، منطقی، حساب شده، رؤفانه و مهربانانه و در ارتباط با آحاد مردم جامعه و بدون قوه قاهره بسط داد و در این بین باید بر خطرات تهاجم و استحاله فرهنگی و برنامه‌های ضد معنویت و ضد اخلاقی کانون‌های معاند توجه نمود. مقبول‌ترین معنویت از نگاه رهبر معظم انقلاب، معنویت پیامبرانه یا انقلابی است. در این مدل فرد به دنبال کسب معنویت از لایه لای زندگی عرفی و دنیوی است. تفاوتی که این نوع معنویت با معنویت کاربردی دارد این است که تنها به مسئولیت اجتماعی و کمک به مردم توجه دارد، بلکه راهکار اصلی این کمک، استقرار عدالت اجتماعی است. معنویت به دنبال اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب بر برقراری عدالت و زندگی اجتماعی تکیه دارد. (شاکر نژاد، ۱۳۹۸، ص ۲)

گفتمان معنوی و اخلاقی، هویت بخش است و می‌تواند مبنای گفتگو و تعامل و بهبود سبک نحوه محتوای کتب درسی در آموزش و پرورش به عنوان نهادی مردمی باشد. پیگیری و اجرای سبک معنویت و اخلاقی‌گرایی می‌تواند در بُعد باور و بینش معنوی که منجر به یک گفتمان دینی و به عنوان زبان مشترک بین معلمان، والدین، دانش‌آموزان و مولفان کتب درسی باشد، می‌انجامد. همچنین سلوک معنوی و اخلاقی موجب تثبیت و بالندگی خلیات و ملکات روحی و معنوی در معلمان و دانش‌آموزان به عنوان مخاطب اصلی محتوای کتب درسی هم می‌شود.

اخلاق به عنوان یکی از ابعاد رشد معنوی بر اساس ادبیات سواد و رشد تربیتی آن، در سند

تحول بنیادین آموزش و پرورش در برگزیده مؤلفه‌هایی نظیر: مسئولیت‌پذیری، احترام به حقوق دانش‌آموزان، همدردی با هم‌نوعان، عدالت‌گستری، از خودگذشتگی و ایثار، مهر ورزی با دانش‌آموزان، گسترش و اهمیت حیا، توجه به دلیری و شجاعت، بردباری، صداقت و پاکی، روحیه اعتدال‌گرایی در زندگی و پرداختن به سجایای اخلاقی و اهمیت دادن به آنها است.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، برجسته کردن معنویت، تاکید بر اخلاق‌مداری، فتح قله‌های علم و دانش، دستیابی به قله‌های علم و دانش، دستیابی به اقتصادی قوی و پویا، توسعه عدالت و طهارت اقتصادی از مهمترین الزامات و بایسته‌های سبک زندگی برای وصول به تمدن نوین اسلامی منطبق بر گام دوم بیانیه انقلاب است. (ایزدی، ۱۳۹۹، ص ۲۳۶) باید توجه داشت در شکل‌گیری تمدن اسلامی در گذر زمان طبق بیانیه گام دوم انقلاب، عوامل متعددی در این مسیر توانسته و می‌توانند یاری رسان باشند که می‌توان به ایمان و توحید، تفکر و تعقل، علم و معرفت، استقلال و مقاومت، یکپارچگی و وحدت، عزت و عدالت و البته معنویت و اخلاق نام برد که مورد آخر زیربنای تمامی موارد بوده که با بهره‌گیری از آنان و مؤلفه‌های تمدن ساز اسلامی می‌توان جامعه آرمانی را سرعت و رشد فزاینده‌ای داد. (برغمندی، ۱۳۹۸، ص ۶۲)

بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌توان چهار استراتژی در دوران پسا چهل سالگی انقلاب طراحی نمود: ۱. راهبرد پیشسازی انقلاب اسلامی که ناظر بر قوت‌های داخلی و فرصت‌های بیرونی است. ۲. راهبرد صیانتی انقلاب اسلامی که ناظر بر قوت‌های داخلی و تهدیدهای بیرونی نی باشد. ۳. راهبرد رقابتی انقلاب اسلامی که ناظر بر فرصت‌های بیرونی و ضعف‌های داخلی است. ۴. راهبرد مقاومتی انقلاب اسلامی که ناظر بر ضعف‌های داخلی و تهدیدهای بیرونی است. با توجه به این چهار راهبرد، اهتمام باید بر بسیج منابع، امکانات و ظرفیت‌ها به منظور برنامه ریزی در راستای عملیاتی کردن راهبردهای مذکور با محوریت راهبرد پیشسازی در محیط منطقه‌ای و نظام بین الملل باشد که این راهبرد طبق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ناظر بر توانمندی‌ها، ظرفیت‌های مادی و معنوی داخلی و نفوذ

منطقه‌ای با درپیش گرفتن طراحی و نهادینه کردن سبک زندگی اسلامی منطبق با اخلاق مداری تاکید دارد. (نادری و پیرانی، ۱۳۹۹، ص ۳۰۵)

رهبر معظم انقلاب، معنویت را در محور دوم درکنار اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب همراه کرده است. ایشان معنویت را حلقه مفقوده زندگی انسان امروزی در همه عرصه‌ها می‌داند و آن را جهت دهنده و هدایت بخش به سلوک آدمی می‌داند. ایشان متناسب با نقش‌ها و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی و حاکمیتی، موضوع معنویت را درکنار رعایت اخلاق مداری را به همه آحاد جامعه، حوزه‌ها، دانشگاه‌ها و سایر مراکز فرهنگی و نهادهای قانون‌گذار، رسانه‌ها و دولت گوشزد کرده‌اند. (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲)

۳، ۱. معنویت و اخلاق گرایی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

معنویت و اخلاق با بی عدالتی، سلطه‌پذیری، روحیه انفعال اجتماعی سرستیز دارد و باید به شیوه معقول، منطقی، حساب شده، رثوفانه و مهربانانه و در ارتباط با آحاد مردم جامعه و بدون قوه قاهره بسط داد و در این بین باید بر خطرات تهاجم و استحاله فرهنگی و برنامه‌های ضد معنویت و ضد اخلاقی کانون‌های معاند توجه نمود. مقام معظم رهبری برای افزایش دادن چشمگیر فضائل معنوی و اخلاقی در فضای عمومی جامعه و نهادها و سازمان‌های مختلف در بیانیه گام دوم انقلاب متوجه بر رعایت فضیلت‌هایی چون: خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمندان، راستگویی و پرهیز از شایعه‌پراکنی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس، رعایت حقوق دیگران، احترام به دیگران، وفای به عهد و دیگر خلقیات نیکو است. در بیانیه گام دوم انقلاب، اخلاق و اخلاق مداری جهت دهنده همه حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه و هر نهاد و جمعی است و خیر و برکت با اخلاق همراه است.

۳، ۲. تحلیل محتوای کتب درسی در باب معنویت و اخلاق

در این بین بهبود و ارتقای معنویت و اخلاق در محتوای کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان در دوره ابتدایی از اهمیت زیادی در کارایی و اثربخشی و انتقال این مفاهیم به دانش

آموزان برخوردار است. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش^۱، تاکید اصلی بر تربیت انسانی با داشتن زندگی پاک و سنجیده و پسندیده در جهت رسیدن به حیات طیبه و هدف غایی که همان رستگاری ابدی در سایه قرب الهی است شده و محتوای کتب درسی به عنوان مهمترین رسانه و در دسترس ترین و پرتعدادترین سند مکتوب می تواند دانش آموزان را به سوی حیات طیبه سوق داد و تحلیل محتوای مفاهیم معنوی و اخلاقی در آن، از اهمیت بسزایی برخوردار است. کتاب درسی یکی از عوامل رشد و توسعه یادگیری شناختی دانش آموزان بوده و استفاده از تحلیل محتوا کتب درسی برای این فرض است که کتاب علاوه بر اینکه دارای پیام های آشکار و صریح است، دارای پیام های نهانی است که هر خواننده ای را تحت تأثیر قرار داده و نقش آن فراهم نمودن امکانات و شرایط مناسب برای یادگیری در جهت ایجاد تغییرات مطلوب رفتاری از طریق آموزش است. بر اساس سند برنامه درسی ملی^۲، رویکرد حاکم بر برنامه های درسی در محتوای کتب درسی در پایه های تحصیلی بر اساس مؤلفه های پنجگانه هدف گذاری شده اند که شامل: تعقل، تفکر و اندیشه ورزی، ایمان و باور، علم و معرفت، عمل، کار، تلاش و مجاهدت و در نهایت معنویت و اخلاق مداری در قالب رعایت تقوای الهی، صدق، صبر، احسان، حُسن خُلق، التزام به اصول و ارزشهای معنوی و اخلاقی و با تکیه بر تزکیه، عاطفه و ملکات روحی و نفسانی می باشد که مؤلفه آخر را می توان از اهمیت دو چندان برای رسیدن به ارزش ها و فضیلت های انسانی در حوزه قرب الهی و حیات طیبه دانست.

کتاب درسی از پرکاربردترین و مهم ترین رسانه های آموزشی در نظام های آموزشی کشورهای مختلف جهان، به ویژه نهاد آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است که سند مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب شده و فعالیت های یادگیرندگان بر محور آن سازماندهی می شود. در محتوای کتب درسی به عنوان معیار برنامه های درسی برای آموزش و انتقال مفاهیم بویژه مفاهیم فلسفی و ارزشی به کودکان حتماً علاوه بر آشنا نمودن کودکان با تفکر

1. Document of Fundamental Transformation in Education
2. National Curriculum Document

انتقادی، تفکر تحلیلی و تفکر خلاق آنها را باید با روش‌ها و معیارهای کاربردی مختلف در مورد اعتقادات و رفتارها، جستجوی حقیقت خوب، توجه به ایمان و معنویت، تلاش برای جستجوی اخلاق خوب و کسب دانش حقیقت و دوستی آشنا کرده و در این زمینه باید عقلانیت و منطق در سطح تفکر کودکان را نیز پرورش داد. در این بین تحلیل و ارزیابی محتوای کتب درسی دینی و عرفانی بسیار حائز اهمیت است. (یخچالیان و سراج خرمی^۱، ۲۰۱۵، ص ۲۸) در موضوع پداگوژی معنویت، محتوای کتب درسی از یک طرف و معلمان، خواسته یا ناخواسته از طرف دیگر در انتقال مفاهیم تربیتی در حوزه‌های معنویت و ارزش‌های اخلاقی نقش مهمی دارند و روش عملکرد آنها در کلاس درس، اعمال مذهبی معلم، محتوای سلامت وجودی و سلامت معنوی و اخلاقی در کتب درسی و در رفتار معلم هر دو تأثیر فراوانی در این امر دارند. (رایت^۲، ۱۹۹۸، ص ۲۰۱)

تحلیل موضوع اخلاق در محتوای کتب درسی نشان می‌دهد که این مؤلفه مهم از دین می‌تواند مشوق مهمی برای درک و شخصیت‌سازی اخلاقی دانش‌آموزان شده و باید به کمبود منابع تدریس در این مورد توجه نمود تا به توسعه پایداری از محتوای غنی در این زمینه و بالطبع توسعه اخلاقی دانش‌آموزان در جامعه رسید. (برکن و آرنسیس^۳، ۲۰۱۰، ص ۲۸۲) اهداف نه‌گانه آموزش قرآن کریم در دوره ابتدایی را می‌توان شامل؛ تقویت ایمان و گرایش به قرآن و عترت، توانایی خواندن صحیح قرآن، درک معنایی و پیام‌های قرآنی، توانایی و التزام به تدبیر در آیات قرآن کریم، حفظ و انس با قرآن، آشنایی با علوم و معارف و توانایی استفاده از قرآن و در نهایت تبعیت از قرآن و عترت دانست. از طرف دیگر می‌توان کسب مهارت تفکر و تقویت آن در مورد پیام‌های قرآنی، نقش الگویی معلم و خانواده و همچنین محتوای غنی مهارت درسی در توسعه فرهنگ قرآنی به دانش‌آموزان را از اهداف اختصاصی دانست. تغییر زمان و پیشرفت علم و تکنولوژی از یک طرف و مسئله دین‌ستیزی و دین‌گریزی

1. Yakhchalian, F & Seraj Khorrami, N
2. Wright, A
3. Bracken, R & Urbancic, F.R

از طرف دیگر، مؤلفین کتب درسی برآن شدند که با تغییر نام کتاب درسی تعلیمات دینی به هدیه‌های آسمانی دست زنند. دلیل این امر نیز این بود که واژه هدیه‌ها ملموس و محسوس بوده و با دنیای شناختی و عاطفی کودکان همخوانی دارد و علاوه بر این جنبه کاربردی داشته و قابل لمس متناسب با تفکر عینی و محسوس کودکان بوده است. واژه آسمان نیز به دلیل اینکه آسمان مظهر زیبایی، آرامش و دید وسیع و همچنین درک نعمت‌های خداوند که از آسمان نازل می‌شود، مورد توجه مؤلفین کتب درسی قرار گرفت. در کنار کتاب اصلی هدیه‌های آسمان، کتاب کار هدیه‌های آسمان هم وجود دارد. کتاب کار می‌تواند باعث مواردی همچون؛ توسعه اطلاعات طبقه بندی برای کودکان، افزایش حس پویایی، ایجاد انگیزه و شادی برای یادگیری بهتر، ابزاری مناسب برای ارزشیابی کودکان و دیدن نتیجه کار برای کودکان می‌تواند به صورت محسوس صورت گیرد.

یکی از دغدغه‌های مهم نظام آموزشی کشور چپستی و چگونگی تولید، عرضه و تحلیل محتوای آموزشی و درسی در قالب محتوا و مطالب دینی و قرآن و برنامه ریزی برای انتقال صحیح محتوای آموزشی آن به دانش آموزان مقطع ابتدایی است. از طرف دیگر دوران ابتدایی مهمترین مرحله برای شکل‌گیری شخصیت و انتقال مفاهیم و محتواهای ارزشی و انس آن توسط کودکان است. نقش کتب درسی فراهم نمودن امکانات و شرایط مناسب برای ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار دانش آموزان از طریق فرایند یاددهی و یادگیری است. از این نظر محتوای برنامه درسی به جهت نقشی که در تحقق اهداف شناختی، عاطفی، روانی - حرکتی و عملکردی در همه زمینه‌ها ایفا می‌کنند از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا اگر برنامه درسی و محتوای کتب درسی و تحلیل این محتوا مربوط، هماهنگ و هم سو با اهداف کلی و جزئی نظام آموزش و پرورش نباشد، نمی‌توان نسبت به تحقق یافتن هدف‌های مورد انتظار امیدی داشت. موضوع کسب و ارتقاء شایستگی‌ها و شاخص‌های هویتی در زمینه معنویت و اخلاق هم از این قاعده مستثنی نیست. در پژوهش حاضر، ابتدا برای استخراج موارد مشترک و مهم با رویکردی کل نگر و جهانی معنویت و اخلاق که باید در محتوای کتب درسی به

عنوان مرجع اصلی برنامه درسی^۱ مورد توجه قرار گیرند، مبانی نظری کلی معنوی و اخلاقی و تحقیقات مختلف در این زمینه، مورد مطالعه قرار گرفته تا مؤلفه‌های کلیدی استخراج گردند. سپس محتوای کتب درسی با توجه به این چارچوب تحلیل شد تا مشخص شود محتوای کتب درسی تا چه اندازه با توجه به آموزش‌های همه جانبه و جهان نگر معنویت و اخلاق و تدوین شده‌اند و به طور مشخص تر، تا چه میزان در متن محتوای کتب درسی به مؤلفه‌های مختلف مربوط به هویت معنوی و اخلاقی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی توجه شده است. بررسی وضعیت موجود تحلیل محتوای کتب درسی از نظر مسائل مختلف معنویت و اخلاق متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از این جهت مهم است که تصویر دقیقی از کم و کیف توجه به مضامین به دست می‌دهد و در حکم بررسی وضعیت موجود، بینش‌های لازم را برای برنامه ریزان و دست اندرکاران طراحی محتوا و پوشش دادن حیطه‌ها و برنامه‌های مغفول را فراهم می‌آورد. بنابراین با عنایت به این که یکی از اهداف استراتژیک نظام جمهوری اسلامی ایران و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تبیین و نشر فرایندها، شاخص‌ها، مؤلفه‌های معنوی و اخلاقی اسلامی و ایرانی در منطقه و سپس جهان است، لذا با توجه به نقش محوری و رسالت نهاد آموزش و پرورش در این مورد، بنابراین تحلیل مؤلفه‌های هویت محور مرتبط با معنویت و اخلاق متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان در دوره اول ابتدایی از اهمیت مهمی برخوردار است.

۴. پیشینه پژوهش

در ادامه به بررسی پیشینه پژوهش اشاره‌ای می‌شود. سال ۱۳۹۴، پژوهشی توسط مهربان در مورد تحلیل کیفی محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان از منظر امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین و یکی از ارزشهای معنوی و اخلاقی انسانی انجام گرفت. نتایج نشان

1. Curriculum

داد که به فلسفه انجام عمل معروف و دوری از عمل منکر، معرفی پیامبران و امامان به عنوان الگوی معنوی و عمل صالح اخلاقی در کتب هدیه‌های آسمان توجه خوبی شده‌اند. (مهربان، ۱۳۹۴، ص ۴۴) پژوهشی توسط صمدی در سال ۱۳۹۴، در زمینه بررسی دیدگاه کارشناسان پیرامون عناصر اصلی در درس هدیه‌های آسمان پایه دوم ابتدایی صورت گرفت. نتایج نشان داد که محتوای دروس معمولی و مناسب بوده و از لحاظ تصاویر هم همسو بوده ولی از لحاظ آموزش مستقیم مفاهیم رشد ذهنی دانش آموزان و فرصت تفکر غنی و انتقادی در باب معنویت و امور اخلاقی و دینی در حد ضعیفی بودند. (صمدی، ۱۳۹۴، ص ۹۳) پژوهشی توسط حسنی و وجدانی در مورد بررسی و نقد الگوی تربیت اخلاقی در کتاب‌های آموزش قرآن دوره ابتدایی در سال ۱۳۹۵ صورت گرفت. نتایج نشان داد که الگوی هدف‌گذاری اخلاقی از الگوی محتواگرا یا رویکرد کشکول ارزش‌ها می‌روی کرده و به صورت موزاییکی تنظیم شده و شیوه سازماندهی محتوا، ماریچی ساده و ابتدایی در چارچوب چهار عرصه ارتباطی است و در کل رویکرد ارزشیابی درس قرآن بویژه ارزشیابی یادگیری در حوزه تربیت اخلاقی، رویکرد مناسبی داشت. (حسنی و وجدانی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۷) در سال ۱۳۹۵، پژوهشی توسط حقیقت در مورد تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمانی پایه چهارم بر اساس توجه به مؤلفه‌های تربیت معنوی و اخلاقی صورت گرفت. نتایج نشان داد که در متن و پرسش بُعد اجتماعی تربیت معنوی و اخلاقی، بیشتر از بُعد فردی بوده و مؤلفه‌های صبر، توکل، صداقت و حسن خلق بیشترین تاکید و مؤلفه‌های شجاعت، وجدان و وفاداری کمترین تاکید را داشتند (حقیقت، ۱۳۹۵، ص ۵). در سال ۱۳۹۶، پژوهشی توسط یعقوبی و همکاران در مورد اهمیت تحلیل آموزش دینی و قرآن به دانش آموزان با حصول تربیت دین محور صورت گرفت. نتایج نشان داد که عواملی مانند: برنامه‌های مدون درسی، محتوای غنی کتب دینی و قرآنی، معلمان و محیط آموزشی، نقش الگو محور قرآن و سیره اهل بیت علیهم‌السلام در حصول تربیت صحیح و اثرگذار شرط لازم بوده و تأثیر گذارند. (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۶) در سال ۱۳۹۷، نجاریان و همکاران در مورد نقش ادبیات و منابع مکتوب و معنوی در جریان هویت‌یابی کودکان صورت گرفت. نتایج نشان داد که ادبیات در مقام هنر، رسالتی والاتر از انتقال صرف مفاهیم دینی به کودکان دارد و هویت

جمعی و معنوی در کنار هویت فردی کودک از طریق درک شهودی، تجربه معنوی و شخصیت سازی هویتی از طریق ادبیات و منابع مکتوب نظیر کتب حاصل می‌شود. (نجاریان و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۳) در سال ۱۳۹۷، عبدالرحیمیان و دارابی پژوهشی در مورد تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه پنجم از منظر توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی صورت دادند. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های مربوط به تفکر و تعقل بیشترین فراوانی و مؤلفه‌های صداقت، نظم و انضباط کمترین فراوانی را داشته‌اند و کتاب هدیه‌های آسمان پایه پنجم، مؤلفه‌های تربیت اخلاقی را به یک نسبت پوشش نداده است. (عبدالرحیمیان و دارابی، ۲۳۹۷، ص ۷۷) حسینی خواه در سال ۱۳۹۷، پژوهشی در مورد واکاوی تربیت معنی و نگاهی اجمالی به عناصر برنامه درسی آن صورت داد. نتایج نشان دهنده این بود که کسب و ارتقاء تربیت هویت محور معنوی و اخلاقی در ارتباط با تربیت معنوی و دینی بوده و به ماهیت حقیقی هویت معنوی، خنثی کردن تربیت غیر دینی و گسستن از پیوندهای نامعقول غیر ارزشی و غیر انسانی در عناصر محتوای برنامه درسی منجر می‌شود. (حسینی خواه، ۱۳۹۷، ص ۱۱۸) پژوهشی توسط ابراهیمی و همکاران در سال ۱۳۹۷، در مورد تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی در رابطه با ابعاد هویت ملی کودکان صورت گرفت. در این پژوهش ابعاد هویتی همچون: هویت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی - اجرایی و پژوهش و فناوری بررسی شد و نتایج نشان داد که هویت سیاسی در پایه پنجم بیشترین مورد و هویت پژوهش گرایانه و فناورانه در پایه دوم کمترین تاکید را داشت و در کل بین محتوای کتاب‌های درسی با ابعاد هویت ملی کودکان تفاوت معناداری وجود داشت. (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱) احمدوند و همکارانش در سال ۱۳۹۷، پژوهشی در مورد درس هدیه‌های آسمان و میزان انطباق آن با شایستگی‌های سند درسی ملی انجام دادند، نتایج نشان داد که، بیشترین ضریب اهمیت به ترتیب مربوط به مؤلفه علم (۳۴/۸۴)، تعقل (۳۳/۶)، ایمان (۲۰/۲)، عمل (۱۴/۸۵) و اخلاق (۷/۵۳) بودند که فراوانی و اثربخشی مولفه اخلاق، کمتر از حد انتظار بود و با نقطه آرمانی فاصله داشت. (احمدوند و همکاران، ۱۳۹۷) در سال ۱۳۹۸، پژوهشی توسط غلام پور و همکاران در مورد تحلیل محتوای کتب هدیه‌های آسمانی دوره دوم ابتدایی بر اساس شایستگی‌های اخلاقی صورت گرفت.

نتایج نشان داد که مؤلفه‌های همکاری، حفظ دوستی و نحوه معاشرت بیشترین فراوانی را داشته‌اند ولی مؤلفه تصمیم‌گیری در موقعیت‌های اخلاقی و وجدانی دارای کمترین فراوانی بوده است. (غلام پور و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۸۳) یداللهی فرو و همکاران در سال ۱۳۹۸، پژوهشی در مورد تحلیل برنامه درسی هدیه‌های آسمانی پایه پنجم براساس مؤلفه‌های تربیت معنوی از منظر امام خمینی علیه السلام صورت گرفت. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های ارزش‌های معنوی و رفتارهای معنوی بیشترین تاکید و مؤلفه‌های باورهای معنوی کمترین توجه را دارا بوده‌اند. (یداللهی فرو و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹) پژوهشی توسط زیبایی و خسروی در سال ۱۳۹۹، در مورد تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی از توجه به ارزش‌های اخلاقی صورت گرفت. نتایج نشان داد که در سند برنامه درسی ملی کتب هدیه‌های آسمانی، بیشترین توجه را به مؤلفه‌های احسان و کمک به مردم و رأفت و مهربانی داشته و در عوض مؤلفه حیا و عفاف کمترین توجه را داشته است. (زیبایی و خسروی، ۱۳۹۹، ص ۲۸) در سال ۲۰۰۴، پژوهشی توسط مک ایون^۱ در زمینه تحلیل محتوای معنوی در کتب درسی رشته پرستاری صورت گرفت. نتایج نشان دهنده این بود که محتوای کتب درسی رشته پرستاری بیشتر به مواردی همچون: مراقبت از بیمار، امور جراحی، ارتقای بهداشت، تواضع و فروتنی و رفتار مهربانانه با بیمار و وجدان کاری و حرفه‌ای در حد خوبی تاکید داشتند. مک ایون، ۲۰۰۴، ص ۱۶) در سال ۲۰۰۸، پژوهشی توسط بل^۲، در مورد توسعه اخلاقیات در حوزه حقوق، منطق و مسئولیت‌پذیری اخلاقی در جهت هویت اخلاقی کودکان انجام شد. نتایج نشان داد که آموزش احترام به اصول و مبانی حقوق انسانی و اخلاقی دیگران، توسعه نحوه راهنما کردن اخلاقی برای کودکان، حمایت‌های عاطفی و اجتماعی، تصویب قوانین اجرایی اخلاقی در مورد حمایت از حقوق و هویت کودکان و گنجاندن محتوای غنی متناسب با سبک فرهنگی و اخلاقی در منابع و کتب درسی کودکان برای رشد و ارتقاء هویت اخلاقی آنان از عوامل مؤثر در

1. McEwen, M
2. Bell, N

توسعه اخلاقیات بودند. (بل، ۲۰۰۸، ص ۷) در سال ۲۰۱۶، پژوهشی توسط الدوساری^۱ و همکاران در مورد تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی در اردون و عربستان سعودی از منظر توجه به ابعاد اسلامی صورت گرفت. نتایج نشان داد که محتوای کتب درسی در دو کشور ریشه در دین اسلام داشته‌اند و بر سطوح مختلف سطح دانش توجه کرده و یک نوع یکپارچگی موضوعی در قالب آداب و مناسکی دینی و معنوی در محتوای کتاب‌ها موجود است. (الدوساری، ۲۰۱۶، ص ۶۰) در سال ۲۰۱۷، پژوهشی توسط اوبانی و مورتونین^۲، در مورد نقش معنویت، دین و ارزش‌های بر روی هویت کودکان صورت گرفت. نتایج بیانگر این بود که بازنمایی زمینه‌های فرهنگی، آموزشی، معنوی و دینی کودکان از یک طرف و میزان علاقه خاص در مورد احترام بین فرهنگی به ارزش‌های معنوی و دینی در محیط یادگیری مدرسه از جمله محتوا و عناصر برنامه درسی از عوامل استراتژیک در کسب و ارتقاء و ثبات هویت معنوی کودکان بوده که تاثیرات مهم و ماندگاری در دوران جوانی و میانسالی حتی خواهند داشت. (اوبانی و مورتونین، ۲۰۱۷، ص ۱۰۵) در سال ۲۰۱۹، پژوهشی توسط العبدالهادی^۳، در مورد تحلیل محتوای کتب دینی صورت گرفت. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های صبر و تحمل، عواطف، احساسات، منش، کمک به هم نوعان، انجام مناسک دینی، احسان و برادری و مقابله با ظلم در محتوای کتب درسی اشاره شده است. (العبدالهادی، ۲۰۱۹، ص ۴۲۲) پژوهشی توسط خاسنیه و خومیسسه^۴، در مورد تحلیل محتوای ارزش‌های فرهنگی و دینی در کتب درسی دوره متوسطه در سال ۲۰۱۹، انجام شد. نتایج نشان داد که اعتقادات و رفتارهای معنوی، عرفانی و اخلاقی با ۲۲ درصد، جامعه پذیری و چرخه زندگی ۶۰ درصد، هویت ملی و حماسی با ۱۱ درصد و ساختارگرایی بنیادهای اجتماعی و سیاسی با ۶ درصد بیشترین تاکید را در کتب درسی داشته‌اند. (خاسنیه و خومیسسه، ۲۰۱۹، ص ۱۷)

-
1. Aldossari, A.T & et al
 2. Ubani, M & Murtonen, S
 3. Alabdulhadi, M.M.J
 4. Khusniyah, N.L & Khomsiyah, D.I

۱،۴. تحلیل مطالعات و پیشینه پژوهش

با مطالعه و بررسی مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در تحقیقات فوق، مشخص شد که بین نتایج پژوهش‌های مورد مطالعه با همدیگر، همخوانی مطلوبی وجود دارد و بر جنبه‌های معنوی و اخلاقی از منظر رفتارها در قالب فضیلت‌های انسانی تاکید دارند. جنبه نوآورانه پژوهش حاضر این است که تمرکز بر محتوای خاص کتب درسی هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی بصورت (متون نثر و نظم، تصاویر، سؤالات، تکالیف و کار عملی کتاب کار هدیه‌های آسمان در کلاس) به عنوان مهمترین و اساسی‌ترین مقطع تحصیلی در نظام تعلیم و تربیت از حیث کسب شناخت و نهادینه نمودن ابعاد و ارزش‌های معنوی و اخلاقی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (چنین پژوهشی تاکنون در این زمینه در کشور انجام نشده است) برای دانش‌آموزان از طریق تحلیل محتوای کتب درسی بوده و علاوه بر این می‌تواند اطلاعات و رهنمودهایی مهم برای شناخت نقاط قوت و ضعف به قصد اصلاح و پیشرفت برای معلمان و مولفان کتب درسی هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی در این زمینه هم فراهم سازد.

۱،۱،۴. نگاهی به معانی اصطلاحات معنویت و اخلاق

۱،۱،۴.۱. معنویت

مفهوم معنویت^۱ در فرهنگ‌های مختلف بشری به صورت‌های مختلف و متفاوتی بیان شده است. در نگاه غربی، معنویت یعنی احساس وابستگی و در هم تنیدگی عمیق و به شدت شهودی بین انسان و جهان که در آن زندگی می‌کند. ولی در نگاه بومی و اسلامی، معنویت و معنوی حالتی نفسانی و ذومراتب است که در ارتباط با خدا یا امری متعالی در روان خودآگاه آدمی از طریق تعقل، جوشش درونی و عمل بیرونی بصورت آگاهانه و یا ناآگاهانه پدید آمده و بر شیوه نظر و عمل شخص تأثیر گذار است. به عبارتی دیگر می‌توان گفت: واژه عالم باطن و حقیقت باطنی است که به حیات طیبه و نور الهی گرایش دارد و به طور قطع در مورد تعلیم و تربیت، باعث افزایش سطح شناخت و سواد در نحوه تعلیم و تربیت مطلوب

و طیفه مربی بر مربی می‌شود. در این بین محتوای کتب درسی به عنوان متداول‌ترین رسانه مکتوب در نظام آموزش و پرورش از اهمیت فراوانی در این زمینه برخوردار است. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، معنویت و اخلاق و تلاش برای تربیت معنوی و اخلاقی به عنوان محور تمامی برنامه‌های تربیتی در مدارس مطرح شده است و به حق بر سایر ساحت‌های تربیتی برتری یافته است و از طرف دیگر یکی از پرکاربردترین و مهم‌ترین رسانه آموزشی در نظام آموزشی ما کتاب درسی است که سند مکتوب و مدون تعلیم و تربیت بوده و فعالیت‌ها و تجارب دانش آموزان بر محور کتب درسی سازماندهی و ارائه می‌گردند. لذا انعکاس شاخص‌ها و تحلیل محتوای معنویت و اخلاق در برنامه ریزی محتوای کتب درسی از جمله کتاب‌های قرآن و هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی از اساسی‌ترین موارد قابل بحث و بررسی می‌باشد. با توجه به جایگاه تربیت در حوزه معنویت و اخلاق، کتب درسی قرآن هدیه‌های آسمان در دوره ابتدایی که محتوای دینی و اسلامی دارند، جزء جدایی ناپذیری از برنامه درسی مدارس در کشور ما شده است و اهمیت این کتب به خوبی احساس می‌شود و از طرف دیگر، در نظام آموزش متمرکز کشور ما، کتب درسی به صورت یکسان و به طور همزمان در تمام نقاط کشور در ابعاد وسیع و با محتوایی یکسان و از قبل تعیین شده تدوین می‌شوند و لذا نقد، بررسی و تحلیل آنها از زوایای گوناگون به منزله یک الزام مطرح است. نارسایی‌های محتوایی در برخی از کتب درسی در عمل، از بنیادی‌ترین معضلات در نظام آموزشی محسوب می‌شود.

۱،۱،۴.۲. اخلاق

اخلاق مجموعه‌ای از ملکات نفسانی، صفات، ویژگی‌ها و خصایص روحی که جنبه عمومی و عام دارند را شامل می‌باشد. علم اخلاق مشتمل بر حوزه‌های مختلفی مانند؛ اخلاق بندگی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق زیست محیطی است. مراد از اخلاق اجتماعی، ارزش‌ها و ضد ارزش‌های حاکم بر رابطه فرد با سایر انسان‌ها می‌باشد، مانند؛ معاشرت نیکو،

عدل، احسان، حسد و تکبر. در زندگی اجتماعی، قوانین، مقررات و آداب خاصی از جمله آداب و نحوه معاشرت ضرورت می‌یابد که بسیاری از آنها در زندگی فردی مطرح نمی‌شوند، لذا اسلام - به عنوان دین خاتم- کامل‌ترین و عالی‌ترین برنامه زندگی را در هر بُعد فردی و اجتماعی به ارمغان آورده و عمل بدان به طور قطع سعادت فرد و اجتماع را تأمین می‌کند. (طالعی اردکانی، ۱۳۹۷، ص ۸۲)

آموزش و تربیت با محوریت هویت معنوی و اخلاقی که زیر مجموعه تربیت دینی و اسلامی‌اند، یکی از موضوعات چالش برانگیز کنونی در حوزه تعلیم و تربیت است و بخشی مهم و متمایز از نظام تربیتی است که در صدد آموزش حقایق و پرورش فضایل معنوی و اخلاقی به دانش آموزان است. حیات فکری، معنوی و اخلاقی جامعه به دست آموزش و پرورش آن است، طبیعی است که این امر مهم بدون شناخت، باور و عمل به اصول اخلاقی در محتوای آموزشی و درسی امکان پذیر نیست. آراسته شدن محتوای کتب درسی به نشانه شناخت، سعه صدر، تواضع، ارزش‌های الهی، هدایت، استدلال و برهان منطقی و شرعی و متخلق شدن به محتوای اخلاق و خُلق نیکو به طور قطع می‌توان میزان شناخت و سطح کیفی محتوای کتب درسی^۱ و سواد تربیتی دانش آموزان را ارتقاء دهد.

معنویت از دیدگاه قرآن شامل مبانی اعتقادی، اخلاقی و عبادی است. بُعد اعتقادی بر اصالت روح، اصالت فطرت، عالم غیب و شریعت استوار است. بُعد اخلاقی بر حُسن معاشرت، توکل، کسب علم، احسان، تواضع، ساده زیستی و پرهیزکاری استوار است و اما بُعد عبادی بر اُنس با قرآن، نماز، نوافل و مستحبات و دعا مبتنی است. (ترک زاده و راضی، ۱۳۹۶، ص ۲۴)

بررسی اخلاق در حوزه اجتماعی امری پیچیده، پردامنه و وقتگیر است. آگاهی از روش‌ها و اهداف اخلاق به ویژه اخلاق اجتماعی مستلزم شناخت آرای مربیان بزرگ، خصوصاً صاحب نظران اسلامی است. از این رو، مقام معظم رهبری علیه السلام، به عنوان یکی از نظریه پردازان بزرگ جهان اسلام، در اهمیت رعایت اخلاق اجتماعی در روابط بین مردم به عنوان روح حاکم و امر

غالب از آن یاد می‌کنند. اخلاق و متخلق شدن به اخلاقیات یکی از اساسی‌ترین ارکان شرایع آسمانی برای رساندن انسان به کمال نهایی که همان قرب الهی است می‌باشد. انسان در درون فطرت خویش، اخلاقی است. او فطرتاً خواهان خوبی‌ها و گریز از پلیدی‌هاست. در این بین تحلیل محتوای کتب با محتوای دینی از جمله کتاب‌های قرآن و هدیه‌های آسمان در دوره بنیادی و حساس ابتدایی، در پرورش روح و روان متعلمان، نیازمندی او را به غنی بودن محتوای معنوی و اخلاقی دو چندان می‌نماید.

۱،۴ روش شناسی پژوهش

این پژوهش به شیوه توصیفی^۱ و از نوع تحقیقات کاربردی^۲ و به روش تحلیل اسنادی و نیز تحلیل محتوا انجام شده است. بدین صورت که ابتدا مؤلفه‌های مفهومی رشد معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به کمک روش تحلیل اسنادی از متون نظری و سوابق پژوهشی استخراج و شمارش و سپس میزان توجه به آنها در کتب درسی آموزش قرآن و هدیه‌های آسمان تحلیل محتوا شده و روش شمارش نیز، میزان فراوانی می‌باشد. به عبارتی دیگر در تحلیل محتوا از طرح برآورد پدیده‌ها در متن داده‌ها، که اصلی‌ترین نوع طرح تحقیق در تحلیل محتواست استفاده شده است. داده‌ها بر حسب فراوانی وقوع، توصیف و کمیت‌ها، حاصل شمارش فراوانی هستند. مفروضات استنباط‌های آماری با توجه به منطق تحلیل محتوا اتخاذ شده است که رایج‌ترین شکل آن، توجه به فراوانی است. در این پژوهش، معیار مقایسه توزیع نرمال فراوانی‌ها در مورد مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است که فرض بر این است که مؤلفه‌های آن وزن یکسانی دارند. در زمینه کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان، توزیع نرمال مجموع مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با توجه به حجم کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان مورد نظر بوده است. تحلیل محتوا، معنایی است و فراوانی اشاره به مؤلفه‌های پانزده گانه معنویت و

1. Descriptive
2. Applied Research's

اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی دارد. برای اعتبار بخشی تحلیل، علاوه بر نظر موجود متخصصان تعلیم و تربیت و دانشگاهی از تجربیات نظری و عملی معلمان ابتدایی، مبلغان، روحانیون و صاحب‌نظران امور معنوی و اخلاقی هم استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، در بخش تحلیل اسنادی کلیه متون مرتبط با معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بوده و در بخش تحلیل محتوا نیز کتب درسی آموزش قرآن و هدیه‌های آسمان از پایه اول تا سوم (پایه اول فاقد کتاب هدیه‌های آسمان است) چاپ شده در سال تحصیلی ۱۳۹۹/۱۴۰۰ می‌باشند. با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و محدودیت جامعه پژوهشی، از نمونه‌گیری صرف نظر شد و کل جامعه آماری در بخش تحلیل اسنادی بررسی شده و به علاوه کل کتاب‌های درسی مذکور نیز تحلیل محتوا شده‌اند. به عبارت دیگر نمونه‌های مورد بررسی به صورت هدفمند و با توجه به انطباق با منطق تحلیلی پژوهش انتخاب شدند. ابزارهای اندازه‌گیری هم فرم فیش برداری از اطلاعات و در بخش تحلیل محتوا نیز سیاهه (چک لیست) محقق ساخته بوده شامل (متن، تصویر، سؤال، تکلیف و کار عملی) با استفاده از شاخص‌های توصیفی بود که به منظور تدوین آن، تعداد قابل ملاحظه‌ای از منابع نظری و پژوهشی مرتبط با موضوع معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بررسی و مؤلفه‌های مرتبط با آن استخراج شدند. به منظور روایی و پایایی^۱ ابزار پژوهش، از روش روایی صوری، محتوایی و نظر متخصصان استفاده شده است.

۵. یافته‌ها

۵.۱. پاسخ به سؤال ۱ پژوهش: مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی کدامند؟ برای پاسخ به این سؤال بطور مستقیم به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب مراجعه کرده که مهم‌ترین این مؤلفه‌های استخراج شده عبارت‌اند از: اخلاص، ایمان، توکل به خدا،

1. Validity & Reliability

مشارکت مردمی، خیرخواهی، شجاعت، تواضع و فروتنی، اعتماد به نفس، عفو و گذشت، کمک رسانی، نیکوکاری، وفاداری، حفظ آبرو، ارتقای شناخت اخلاقی، مدیریت جهادی، افزایش عیار معنویت و اخلاق، برادری و ایثار، فداکاری، پاکی و صداقت، یکرنگی و همدلی، همگرایی و وفاق، پرسشگری، حفظشان و کرامت اجتماعی، عدم افراطی گری، تاب آوری و روحیه صبر و تحمل در زندگی اجتماعی، عزت نفس گروهی، ترویج اخلاق و منطق اخلاق جمعی، جوانمردی، روحیه اعتدال گرایی و عقلانیت، استکبار ستیزی، صدقات، عزت و اقتدار، روحیه انقلابی، آرمان خواهی، خودسازی معنوی و اخلاقی، خودباوری، مقابله با استحاله فرهنگی و اخلاقی، تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها، زایش قوه تفکر و تعقل، بصیرت، تحلیل گری و استدلال منطقی.

۵، ۲. پاسخ به سؤال ۲ پژوهش: چه مؤلفه‌هایی از تربیت هویت محور مرتبط با معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در محتوای کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان دوره اول ابتدایی بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند؟ مطابق نتایج به دست آمده، مؤلفه‌های ایمان به خدا، زایش قوه تعقل و تفکر، خودسازی معنوی و اخلاقی، ظلم و استکبار ستیزی، نیکوکاری، ایثار و فداکاری، یکرنگی و همدلی، کمک و یاری رسانی، صبر و تحمل گرایی، عفو و گذشت، شجاعت، اخلاص، تواضع و فروتنی، وفاداری و در نهایت بصیرت که در جدول شماره ۱/۱ آمده‌اند.

۵، ۳. تحلیل جدول محتوا: همانگونه که در جدول نیز مشخص است در مقایسه فراوانی‌های مربوط به هر مؤلفه تفاوت مشاهده می‌شود. با توجه به این که فرض بر یکسان بودن اهمیت مؤلفه‌ها گرفته شد، آزمون آماری مجذور کای برای بررسی معنی دار بودن تفاوت‌های مشاهده شده اجرا گردید. باید تاکید نمود که عددی که به دست آمده مربوط به تعداد مواردی است که به آن مؤلفه در هر یک از کتب درسی اشاره شده است که ممکن است این اشاره شامل متن، تصاویر، نقشه‌ها، سؤالات و یا تکالیف و فعالیت‌های عملی باشد. همچنین مشخص شد که پایه سوم بیشترین و پایه اول کمترین توجه را به موضوع معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در کتاب‌های آموزش قرآن و

هدیه‌های آسمان داشتند. میزان فراوانی در کتاب‌های قرآن و هدیه‌های آسمان ۳۵۶ مورد بود و مؤلفه ایمان به خدا با ۴۸ تاکید، بیشترین توجه را داشت.

جدول ۱-۱. مؤلفه‌های مرتبط با هویت معنوی و اخلاقی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در کتب درسی آموزش قرآن کریم و هدیه‌های آسمان دوره اول ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۹۹/۱۴۰۰

ردیف	مؤلفه‌ها	پایه‌های تحصیلی دوره اول ابتدایی				
		اول	دوم	سوم	-	-
۱	ایثار و فداکاری	۷	۸	۸	-	-
۲	کمک و یاری رسانی به دیگران	۵	۵	۱۱	-	-
۳	ظلم و استکبار ستیزی	۳	۱۲	۱۴	-	-
۴	صبر و تحمل گرایی	۴	۵	۱۱	-	-
۵	یکرنگی و همدلی	۵	۷	۱۰	-	-
۶	نیکوکاری	۷	۷	۱۴	-	-
۷	تواضع و فروتنی	۳	۴	۶	-	-
۸	بصیرت	۱	۳	۷	-	-
۹	شجاعت	۲	۵	۱۱	-	-
۱۰	زایش قوه تعقل و تفکر	۳	۶	۲۸	-	-
۱۱	خودسازی معنوی و اخلاقی	۴	۹	۱۸	-	-
۱۲	ایمان به خدا	۸	۱۵	۲۵	-	-
۱۳	اخلاص	۳	۵	۶	-	-
۱۴	وفاداری	۱	۴	۷	-	-
۱۵	عفو و گذشت	۲	۵	۱۲	-	-
	مجموع	۶۸	۱۰۰	۱۸۸	-	-

۴۴/Chi Square:۳۰

تحلیل محتوای کتب درسی آموزش قرآن کریم و هدیه‌های آسمان دوره اول ابتدایی از حیث توجه به مؤلفه‌های تربیت هویت محور معنوی و اخلاقی کودکان منطبق با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

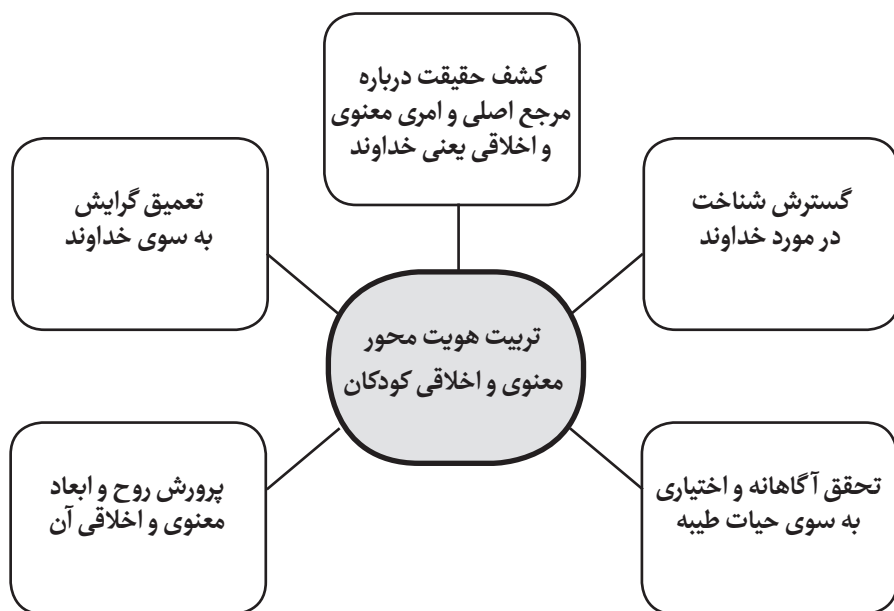
با توجه به این که مجذور کای (خی ۲)، در جدول از حد ۱ بزرگ‌تر است، تفاوت‌های مشاهده شده در فراوانی‌ها معنادار است. بنابراین نتایج به دست آمده، در کتب درسی آموزش قرآن و هدیه‌های آسمان بیشترین توجه به اهمیت و ضرورت مؤلفه ایمان به خدا با ۴۸ تاکید (۱۸/۳) و پایه سوم با ۱۸۸ مورد (۵۴/۲) بیشترین فراوانی را در مورد مؤلفه‌های هویتی در مورد معنویت و اخلاق مطابق با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی داشتند. مؤلفه‌های هویت معنوی و اخلاقی دیگر در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به غیر از مؤلفه‌های فوق در جدول ۱/۱، بخاطر این در جدول اشاره نشده‌اند که میزان فراوانی آنها در کتب درسی آموزش قرآن و هدیه‌های آسمان، در حد صفر و پایین‌تر از حد میانگین بودند.

۶. نتیجه‌گیری

رشد تربیت هویت محور معنوی و اخلاقی کودک، رشد عنصر غیرمادی و حیات بخش کودک است که باعث رشد خود ارزشی، بصیرت شخصی، معنا و هدف شده و موجب رشد روان، رشد شخصیت و رشد منش هم می‌شود. باید توجه داشت که معنویت و اخلاق متفاوت از دین بوده و در سراسر برنامه درسی، فرصت‌هایی برای رشد هویت معنوی و اخلاقی برای همه دانش آموزان فراهم شود و فقط به تربیت دینی و انجام دادن اعمال عبادی محدود نشده و مواردی همچون: برقراری ارتباط و تعامل کودک با خود و دیگران، معنا سازی خود، ارتباط و نحوه کیفیت در درک حقیقت، وجود تعهد و صداقت در ارتباطات در عمل، توجه به فرهنگ و قابلیت‌های تشخیصی، قدرت نقد و ارزیابی معانی گوناگون فرهنگی و استفاده از تجربیات، داستان‌ها و روایت‌های کودکان در امر معنا سازی و درک معنا با استفاده از تحلیل محتوای کتب درسی برای کودکان استفاده کرد. در بررسی نتایج حاصل از تحلیل محتوا نشان داد که توجه به مؤلفه‌های مرتبط با مسائل هویت در زمینه معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان به صورت طبیعی و متوازن دنبال نشده است. در میان پایه سوم، بیش از حد انتظار و در بقیه پایه‌های تحصیلی کمتر از حد انتظار به این موضوعات توجه شده است. ولی از نظر تحلیل موضوعی، موضوع ایمان باوری

و ایمان به خدا توجه زیادی شده و سایر مباحث در حد متوسط و کمتر توجه شده است. همچنین در مطالعه مؤلفه‌های هویت معنوی و اخلاقی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان، فرصت‌هایی خوبی در زمینه شناخت و آگاهی (حیطه شناختی) در مورد ظرفیت‌های معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، در کتب درسی برای دانش آموزان حاصل شد و محتوا نسبتاً غنی بود. ولی چالش مهم این است که در کتب درسی، فقط تمرکز بر روی شناخت و آگاهی بصورت سطحی و فقط در حد حیطه دانش و معلومات بصورت محفوظات بود و سایر طبقات یادگیری حوزه شناختی، عاطفی و عملکردی مثلاً: علاقه مندی به انجام امور و مناسک دینی و معنوی و احساس تعلق به کسب و ارتقاء شایستگی‌ها در این زمینه و همچنین پایبندی به ارزش‌ها و تعهد اخلاقی و انجام آنها در محیط مدرسه و خارج از مدرسه در مورد هویت معنوی و اخلاقی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان را پوشش وسیع نداده بودند. باید توجه داشت که نارسایی‌های موجود در توجه کامل و جامع و در عین حال مشخص و دقیق به مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی، می‌تواند بخش‌های مختلف آموزش و پرورش در این دوره را تحت الشعاع خود قرار دهد و آثار نامطلوبی در فرایند پذیرش، نهادینه سازی و اشاعه مفاهیم ارزشی، معنوی، اخلاقی، انقلابی، اسلامی برای کودکان در وهله اول و سپس برای معلمان به عنوان مدرسان محتوای کتب درسی و انتقال دهندگان این گونه مفاهیم ایجاد نماید. با توجه به اینکه در این پژوهش مشخص شد که کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان فقط در حیطه شناخت و آگاهی از وضعیت محتوایی خوبی برخوردار بودند ولی در حیطه عاطفی و عملکردی در وضعیت سطحی نگری بوده و بطور عمیق از محتوایی غنی برخوردار نبودند که این امر می‌تواند موجب شود که دانش آموزان به عنوان نسل آینده آفرین جامعه، اطلاعات ناقص و اندکی در مورد اهمیت معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی و عمل آنها داشته باشند و احتمال به انحراف کشیدن هم وجود دارد و این مسئله خود خطراتی اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی داشته باشد. نتایج این پژوهش با تحقیقات، حقیقت (۱۳۹۵)، عبدالرحیمیان و دارابی

(۱۳۹۷)، احمد وند و همکاران (۱۳۹۷)، نجاریان و همکاران (۱۳۹۷)، زیبایی و خسروی (۱۳۹۹)، مک ایون (۲۰۰۴)، اوبانی و مورتونین (۲۰۱۷) و العبد الهادی (۲۰۱۹) مطابقت و همخوانی دارد.



شکل ۱-۱. الگوی اسلامی پیشنهادی تربیت هویت محور معنوی و اخلاقی در کودکان

۱.۶. الگوی پیشنهادی

در اینجا الگوی اسلامی پیشنهادی پژوهشگر حاضر برای تربیت هویت محور معنوی و اخلاقی کودکان شامل این موارد است: الف): کشف حقیقت درباره مرجع اصلی و امری معنوی و اخلاقی یعنی خداوند ب): گسترش شناخت حقیقی درباره خداوند ج): تعمیق گرایش به سوی خداوند د): پرورش روح و ابعاد معنوی و اخلاقی آن برای تسهیل و تسریع حرکت به سوی خداوند ه): تحقق آگاهانه و اختیاری به سوی حیات طیبه در شئون و مراتب کسب و پرورش هویت معنوی و اخلاقی مورد تاکید دین مبین اسلام.

۷. پیشنهادات

- اینک با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادات و راهکارهایی ارائه می‌گردد:
- برای اینکه جریان تحقیقی- پژوهشی از یک روند منطقی و منسجم و میدانی گسترده پیروی کند، این پژوهش در مورد محتوای سایر کتب درسی و مقاطع تحصیلی دوره دوم ابتدایی و دیگر مقاطع تحصیلی دیگر نیز انجام پذیرد.
 - برنامه ریزان درسی می‌توانند با استفاده از ابعاد و مؤلفه‌های تربیت هویت محور در زمینه معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در این پژوهش معرفی شده‌اند، به عنوان الگویی عملی جهت‌گزینش، طراحی و تدوین محتوای مناسب‌تر (برای پرورش همه جانبه تر هویت معنوی، اخلاقی و انقلابی دانش آموزان) استفاده نمایند.
 - طراحی بسته‌ها و نرم افزارهای مرتبط با آموزش مباحث معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ویژه معلمان دانش آموزان، والدین و کارشناسان می‌تواند به عنوان مکمل محتوای کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان مورد استفاده قرار گیرد.
 - استفاده از روش گنجانیدن محتوای کتب درسی قرآن و هدیه‌های آسمان به شیوه مارپیچی توسط مولفان کتب درسی پیشنهاد می‌شود. پیشنهاد می‌شود صاحب نظران و مولفان کتب درسی دوره ابتدایی از جمله قرآن و هدیه‌های آسمان، سعی کنند محتوا و متون در مورد ابعاد و مؤلفه‌های مسئله معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را به صورت مارپیچی که تاکید بر اصل تدریج، یعنی مفاهیم و عقاید معنوی و اخلاقی در طول برنامه درسی به تدریج و با تعیین توالی ابعاد و مؤلفه‌ها عرضه کنند و بدون اینکه تمامی زمینه‌های مورد یادگیری به طور کامل و منظم تکرار شوند. این شیوه می‌تواند قدرت یادگیری و مطالعات دانش آموزان را در مورد معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مد نظر مقام معظم رهبری عمیق‌تر و پایدارتر سازد.
 - سیاست‌های تشویقی متناسب با سطح افزایشی در بهبود معنویت‌گرایی و اخلاق در کتب درسی برای معلمان در ارتباط با ارائه دیده‌های خلاق و کاربردی در تولید محتوا در کتب درسی مبذول گردد.

- زمینه آگاه سازی نهاد های پژوهشی و تحقیقاتی نظام آموزش و پرورش در جهت تحقیق و بررسی هدفمند در مورد بیانیه گام دوم انقلاب در حوزه ها و ابعاد مختلف مسائل معنویت و اخلاق، با تکیه به مبانی و اصول دینی و اسلامی برای تحلیل محتوای کتب درسی فراهم گردد.

- آنچه در بیانیه گام دوم انقلاب در باب اهمیت معنویت و اخلاق حاصل شد می توان گفت: باید این دو حوزه یعنی معنویت و اخلاق به عنوان مباحث اولویت دار در تمامی سطوح و رده های نظام تعلیم و تربیت بویژه کسب، پرورش و تقویت هویت اسلامی و ایرانی مد نظر قرار داد و فرهنگ و هویت دینی و معنویت و اخلاق اسلامی را به عنوان یک اصل پایدار و اولویت همیشگی دانست و محتوای کتب درسی و محیط آموزش و پرورش را با معنویت و اخلاق اسلامی فراگیر و پُر جاذبه کرد و بر خطرات تهاجم فرهنگی و نفوذ برنامه های ضد معنویت و ضد اخلاق گرایبی تاکید کرد و حساس بود و بی تفاوتی در امر معنویت و اخلاق مداری را به عنوان یک بحران هزینه زا دانست و به بررسی نیازمندی های جامع نگر در برنامه ریزی های فرهنگی، عقیدتی، معنوی و اخلاقی در محتوای کتب درسی پرداخت.

- با توجه به کاستی های موجود کتب درسی، دست اندرکاران نظام آموزش و پرورش می توانند به کمک آموزش های ضمن خدمت، اهمیت پرداختن به مفاهیم و مؤلفه های مرتبط با کسب و ارتقاء شایستگی های معنوی و اخلاقی کودک را محتوای کتب درسی تشریح نمایند تا معلمان با همین محتوا، در فرصت ها و مناسبت های گوناگون، موضوع را برای جامعه هدف یعنی والدین و دانش آموزان تبیین نمایند تا مبادا این موضوع مهم به برنامه درسی پنهان و یا برنامه درسی مغفول تبدیل شود.

- در تهیه و تدوین محتوای کتب درسی قرآن و هدیه های آسمان به اهمیت متن، یعنی فعال نگه داشتن محتوای معنوی و اخلاقی و درگیر کردن محتوا با دانش آموزان و پرسشگری فعال توجه بیشتری شود و متون را در قالب قصه و داستان کوتاه بصورت پویا گنجانده شوند. - محتوای کتب درسی هدیه های آسمان و کتاب کار هدیه های آسمان در هم ادغام

شوند تا هم تصور دانش آموزان از جدایی این دو کتاب از هم، از بین برود و هم اصل انسجام و بهم پیوستگی محتوای کتب درسی لحاظ گردند.

- معرفی جامع هر یک از مؤلفه‌های مربوط به شایستگی‌های هویتی در زمینه‌های تربیت معنوی و اخلاقی در محتوای کتب درسی از نظر دیگر بزرگان، شخصیت‌ها، رجال سیاسی و مذهبی، صاحب‌نظران دینی و انقلاب اسلامی و همچنین تحلیل کیفی آنها، نیازمند پژوهش‌های جدیدی است که پژوهشگران باید در تحقیقات آتی خود به این امر بپردازند تا در نهایت به بهبود وضعیت حاضر منجر شود.

فهرست منابع

۱. امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹ش)، *بیانیه گام دوم انقلاب برای ملت ایران*، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای. <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=4167>
۲. ابراهیمی، جعفر و همکاران (۱۳۹۷ش)، «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی در رابطه با ابعاد هویت ملی کودکان»، *اولین همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش دبستانی*، اداره کل آموزش و پرورش استان یزد.
۳. احمدوند، محمد علی و همکاران (۱۳۹۷ش)، «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان پایه دوم تا ششم دوره ابتدایی و میزان انطباق آنها با شایستگی‌های پایه سند برنامه درسی ملی»، *فصلنامه خانواده و پژوهش*، شماره ۳.
۴. ایزدی، محمد علی (۱۳۹۹ش)، «الزامات و بایسته‌های سبک زندگی در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب»، *کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن ساز در بیانیه گام دوم انقلاب*.
۵. بانکی پور فرد، امیرحسین، قماشچی، احمد (۱۳۸۰ش)، *تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری*، تهران، انتشارات تربیت اسلامی.
۶. برغمندی، زهرا (۱۳۹۸ش)، «بسترها و مؤلفه‌های تمدن اسلامی»، *همایش ملی جستارهای پژوهشی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب*.
۷. ترک زاده، جعفر، راضی، الهام (۱۳۹۶ش)، «تاملی بر معنویت محیط کاری از منظر رویکرد اسلامی و غربی: کاربرد در رفتار سازمانی»، *دوفصلنامه علمی- تخصصی اسلام و مدیریت*، شماره ۱۱.
۸. جعفریان، مجید (۱۳۹۸ش)، «رشد هویت معنوی و اخلاقی در دوران کودکی و تأثیر آن در بزرگسالی: یک مطالعه موردی»، *فصلنامه علمی- ترویجی در حوزه اخلاق*، شماره پیاپی ۵۸.
۹. حسینی، محمد، وجدانی، فاطمه (۱۳۹۵ش)، «بررسی و نقد الگوی تربیت اخلاقی در کتاب‌های آموزش قرآن دوره ابتدایی»، *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۳۲.
۱۰. حسینی خواه، علی (۱۳۹۷)، «واکاوی تربیت معنوی و نگاهی اجمالی به عناصر برنامه درسی آن ساحت»، *فصلنامه تدریس پژوهی*، دوره ۶، شماره پیاپی ۱.
۱۱. حقیقت، پرینا (۱۳۹۵ش)، «بررسی تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمانی پایه چهارم بر اساس توجه به مؤلفه‌های تربیت معنوی و اخلاقی»، *پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی*.
۱۲. خوشدونی، مهدی (۱۳۹۸ش)، *معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب و ماهیت آن*، *مجله پیام*، شماره ۱۳۳.
۱۳. دیبایی صابر، محسن و همکاران (۱۳۹۸ش)، «میزان درگیری برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی (پایه سوم و چهارم) با مهارت‌های سواد خواندن بر اساس مطالعه بین المللی پرلز»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ش ۳۶.
۱۴. زیبایی، نسرين، خسروی، عطیه (۱۳۹۹ش) «تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان چهارم و پنجم

- ابتدایی از نظر توجه به ارزش‌های اخلاقی سند برنامه درسی»، دومین کنفرانس ملی یافته‌های نوین یاددهی- یادگیری در دوره ابتدایی.
۱۵. سلیمانی، محمد (۱۳۹۹ش)، «درآمدی بر پیش شرط‌های تحقق معنویت مورد انتظار در بیانیه گام دوم انقلاب»، کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن ساز در بیانیه گام دوم انقلاب.
 ۱۶. شاکرزاد، احمد (۱۳۹۸ش) «تحلیل گونه‌های معنویت‌گرایی بر اساس بیانات رهبر انقلاب»، خبرگزاری جوان آنلاین، کد خبر ۹۷۹۴۹۵.
 ۱۷. طالعی اردکانی، محمد (۱۳۹۷ش)، «اخلاق اجتماعی»، فصلنامه علمی- تخصصی اسلام پژوهان، شماره ۷.
 ۱۸. صمدی، معصومه (۱۳۹۴ش)، «بررسی دیدگاه کارشناسان پیرامون عناصر اصلی دروس کتاب هدیه‌های آسمان پایه دوم ابتدایی»، فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، ش ۴۷.
 ۱۹. عامری، انسیه (۱۳۹۷ش)، «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اسلامی ایرانی در فرزندان»، اولین همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش دبستانی، اداره کل آموزش و پرورش استان یزد.
 ۲۰. عبدالرحیمیان، شهرزاد، دارابی، شکوفه (۱۳۹۷ش)، «تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه پنجم از منظر توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی»، مجله مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت، ش ۲.
 ۲۱. غلام پور، میثم و همکاران (۱۳۹۸ش)، «تحلیل محتوای کتب هدیه‌های آسمانی دوره دوم ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های تربیت اخلاقی»، فصلنامه معرفت اخلاقی، ش ۲۵.
 ۲۲. لباف، فریبا، «شناسایی فضایل اخلاق حرفه‌ای پلیس و ریشه‌های آن از دیدگاه فرماندهی معظم کل قوا»، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ش ۱.
 ۲۳. مهربان، زهرا (۱۳۹۴ش)، «تحلیل کیفی محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان از منظر امر به معروف و نهی از منکر»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۵۷.
 ۲۴. نادری، مهدی، پیرانی، شهره (۱۳۹۹ش)، «راهبردهای پیشرو در پسا جهل سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)»، مجله دانش سیاسی، ش ۳۱.
 ۲۵. نجاریان، محمد رضا و همکاران (۱۳۹۷ش)، «بررسی نقش ادبیات معنوی کودک در جریان هویت‌یابی کودکان»، هفتمین همایش ملی متن پژوهشی ادبی با عنوان نگاهی تازه به ادبیات کودک و نوجوان.
 ۲۶. یداللهی فر، محمد جواد و همکاران (۱۳۹۸ش)، «تحلیل برنامه درسی هدیه‌های آسمانی پایه پنجم بر اساس میزان تأکید بر مؤلفه‌های تربیت معنوی از منظر امام خمینی (عج)»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۴۸.
 ۲۷. یعقوبی، حسن و همکاران (۱۳۹۶ش)، «اهمیت آموزش دینی و قرآن به دانش‌آموزان ابتدایی در حصول تربیت دینی با تأکید بر نقش دوان کودکی از منظر آموزه‌های دینی»، همایش کشوری دانش موضوعی- تربیتی (دانش آموزش محتوا): آموزش دینی و قرآن ابتدایی.

منابع لاتین

28. Alabdulhadi, M.M.J, Religious Tolerance in Secondary Islamic Education Textbooks in Kuwait,

- British Journal of Religious Education*, Issue 4, 2019.
29. -Aldossari, A.T & et al, Content Analysis of Science Books for Upper Primary Stage in Jordan and Intermediate Stage in Saudi Arabia from an Islamic Perspective: Analytical Comparative Study, *Journal of Education and Practice*, No. 30, 2016.
 30. Bell, N, Ethics in child research: rights, reason and responsibility, *Children's Geographies*, Issue 1, 2008
 31. Bracken, R.M & Urbancic, F.R, Ethics Content in Introductory Accounting Textbooks: As Analysis and Review, *Journal of Education for Business*, Issue 5, 2010.
 32. Khusniyah, N.L & Khomsiyah, D.I, Culture And Religion Value in E-English Textbook for Junior High School: A Content Analysis, *Journal Pascasarjana IAIN Mataram*, No. 1, 2019.
 33. Mc Donald, D.A & Friedman, H.L, Assessment of humanistic, transpersonal, and spritual constructs: state of the science, *Journal of Humanistic Psychology*, No.4, 2002.
 34. McEwen, M, Analysis of Spirituality Content in Nursing Textbooks, *Journal of Nursing Education*, No. 1, 2004.
 35. Lee, J.C.K, Children's Sprituality, Life and Values education: cultural, sprituality and educational perspective, *International Journal of Children's Sprituality*, Issue 1, 2020.
 36. Ubani, M & Murtonen, S, Spirituality, religiosity, Values and identity of children, youth and young adults, *International Journal of Children Sprituality*, Issue 3-4, 2017.
 37. Wright, A, Spiritual Pedagogy, *A survey, Critique and Reconstruction of Contemporary Spritual education in england and wals* (Abingdon, Calhah College Institute). 1998.
 38. Yakhchalian, F & Seraj Khorrami, N, Content analysis of the sixth-grade book of "thought and research" based on curriculum criteria (Philosophy for Children), *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, 2015.

واکاوی تئوری مهدویت در منطق الطیر عطار نیشابوری

حسن حاجی زاده اناری^۱
محمد میر^۲

چکیده:

در عصر جهانی شدن، تئوری مهدویت دارای ابعاد بسیار گسترده و وسیعی است. یکی از مهم‌ترین مصادیق آن در عرفان اسلامی، مسأله ختم و مهدویت است که با عناوینی همچون؛ انسان کامل، رهبری و صاحب ولایت باطنی مطرح می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی درصدد بیان تفسیری عرفانی از مسئله مهدویت در منطق الطیر عطار نیشابوری است. این اثر منظوم، داستان سفر طولانی و پررنج مرغانی را روایت می‌کند که به جستجوی سیمرغ، پادشاه مطلق و بی‌خلاف خویش، به پا می‌خیزند. یکی از مسائلی که در قصه پزندگان جهت رسیدن به مقصود مطرح می‌شود، رهبری و رهروی است. هدهد در منطق الطیر، استعاره‌ای برای راهبری و پیکی است که مرغان طریق عرفانی را وادی به وادی به سوی سیمرغ جلو می‌برد. عطار در این اثر بدون اینکه از اصطلاحات؛ سیاست، مدیریت، رهبری و پیروی استفاده کند، با برشمردن صفات رهروی و رهبری منجی؛ یعنی هدهد، به بیان تئوری مهدویت می‌پردازد. با توجه به جایگاه کمترشناخته شده تئوری مهدویت، در آثار منظوم عرفانی به ویژه منطق الطیر عطار، نگارنده بر آن است که به واکاوی و تحلیل جوانب ناگفته تئوری مهدویت و ارائه روشنگری بیشتر از این بحث بپردازد. کلیدواژه‌ها: واکاوی، تئوری مهدویت، عطار، منطق الطیر.

۱. استادیار گروه معارف و تعلیم و تربیت اسلامی، پردیس شهید چمران، مدیریت امور پردیس‌های استان تهران،
دانش دانشگاه فرهنگیان، ایران؛ hajizadeanari@gmail.com

۲. استادیار عضو گروه معارف و تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه فرهنگیان؛ hhajizadehanari@gmail.com

۱. مقدمه

از دیرباز عرفان اسلامی و آموزه‌های دینی با همدیگر پیوندی مشترکی داشته‌اند؛ در اندیشه و تفکر اسلامی و به خصوص تفکر شیعی مفهوم انتظار، موعود و مهدویت دارای بن مایه‌های بسیاری از اندیشه‌های عرفانی و صوفیانه است و این مسئله به قدری در متون عرفانی مشهود است که می‌توان مدعی شد این مسئله هم در مبانی نظری و پایه و هم مبانی عملی اهل عرفان دیده می‌شود. نگارنده در این تحقیق بر آن است که به تحلیل و واکاوی شاخصه‌های عرفانی مهدویت در متون معتبر و عرفانی بپردازد. بررسی پیشینه بحث نشان می‌دهد که ابن عربی در این زمینه جایگاه والا و ویژه‌ای دارد. در حقیقت مکتب ابن عربی و تعلیم او در مسائل مربوط به وحدت وجود، فیض اقدس، مسأله ولایت، مسأله انسان کامل، مسأله وحدت جوهری ادیان و نظایر آنها مخصوصاً به وسیله شاگرد دست پرورده‌اش صدرالدین قونوی در بین صوفیه انتشار قابل ملاحظه‌ای یافت. (زرین کوب، ۱۳۷۳، ص ۱۲۰) به طور کلی غالب عارفان مسلمان و به طور کلی علم عرفان بعد از ابن عربی و طرح تئوری انسان کامل او به وضوح پیوند انسان کامل و اشاره آن به مسئله مهدی موعود را مدنظر قرار داده‌اند. پس از ابن عربی، عارفانی همچون صدرالدین قونوی در آثاری همچون مراتب الوجود و مفتاح الغیب و محمدبن حمزه فناری در مصباح الانس به بسط و تبیین حقیقت تئوری مهدویت تحت عنوان حقیقت محمدیه پرداختند. عرفایی دیگر همچون شیخ محمود شبستری در گلشن راز و شرحی که توسط محمدبن عیسی لاهیجی با عنوان مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز نوشته، مهدی موعود را جلوه‌ای از حقیقت محمدیه می‌داند و از نگاه وی ظهور تمامی کمالش به ولایت خاتم خواهد بود، چه کمال حقیقت دایره در نقطه اخیر به کمال می‌رسد و خاتم اولیاء عبارت است از محمد مهدی است که موعود حضرت رسالت است. (لاهیجی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۶)

از دیگر متونی که اشارات مهدوی در آن مشاهده می‌شود، رسالات تحلیلی بر شاخصه‌های عرفانی تئوری مهدویت عرفانی سیدمحمد نوربخش است که متأثر از ابن عربی است و در رساله الهدی می‌گوید: «سخن را با کلام جدم سیدالمرسلین آغاز می‌کنم که فرمود: اگر یک

روز از دنیا باقی مانده باشد، خداوند چندان آن را طولانی خواهد کرد تا مردی از فرزندان من خروج کند که نام او نام من و کنیه او کنیه من خواهد بود و جهان را از قسط و عدل پر خواهد کرد، چندان که پر از ظلم و جور شده است.» (نوربخش، ۱۳۹۱، ص ۵۵) صدرالدین قونوی در این زمینه معتقد است «پیش از انقطاع و ختم نبوت، قائم به مرتبه قطبیت گاهی در مقام نبی ظاهر می شد مانند حضرت ابراهیم، گاهی نبی پنهان بود مانند خضر در زمان موسی به مقام قطبیت و در وقت انقطاع نبوت تشریعی به واسطه اتمام دایره آن در وقت ظهور ولایت از باطن قطبیت به اولیاء انتقال یافت. لذا در این مرتبه هر زمانی باید یک نفر قائم مقام قطبیت باشد تا حفظ نظام و تربیت عالم کند. (قونوی، ۱۳۷۱، ص ۶۵) بنابراین از دیدگاه عرفا، مهدی موعود برترین مظهر الهی است، شناخت او مفتاح معرفه اله است و لذا آنچه از ویژگیهای او در مبانی عرفانی مشاهده می کنیم، علّت غایی خلقت است، سبب ایجاد و بقای عالم است، متخلق به اخلاق الهی است و واسطه های میان حق و خلق است، اما نظر به آنکه واجد صفات و اخلاق الهی است دوگانگی از او برخاسته است و با هویت متعالی الهی وحدت ذاتی پیدا کرده است.» (دشتی، ۱۳۸۱، ص ۶۶)

از سوی دیگر، از جمله منابع مهم عرفانی شاهکار منظوم عرفانی منطق الطیر عطار نیشابوری است که در برگزیده مطالب بسیار بلند عرفانی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی را از زبان مرغان یا در ضمن حکایات و تمثیلات به نظم درآورده است. در حکمت بیان حقایق و اسرار از زبان حیوانات احتمالات گوناگونی است؛ لکن آنچه در خصوص منطق الطیر ذهن انسان را بیشتر به خود مشغول می سازد، این که هدف از بیان این امور به زبان پرندگان این است که شرط اولیه سیر و سلوک و صعود به مقصد اعلا برخاستن از خاک و پرواز است. به تعبیری دیگر، انسان هر قدر بار تعلقات و تعینات زمینی را از دوش بردارد، به همان میزان سبکتر شده و استعداد پرواز می یابد. (شبستری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۱) این اثر منظوم که همچون کتاب دیگر عطار یعنی مصیبتنامه، گزارش یک جستجو است، داستان سفر طولانی و پررنج مرغانی را روایت می کند که به جستجوی سیمرغ (ذات حق متعال)، پادشاه مطلق و بی خلاف خویش، به پا می خیزند و در این مسیر با رهبر و منجی خود همد همراهمی شوند.

از نظر عطار، فلسفه ضرورت اطاعت از رهبر و منجی (دهد) در وادی سلوک عرفانی برای رسیدن به سیمرغ (ذات حق متعال) قبل از تعیین رهبر و مشخص شدن یک فرد به عنوان رهبری باید برای امت حل شده باشد، یعنی رهبر نباید لزوم اطاعت از خود را بر امت گوشزد نماید، بلکه رهروان و شیعیان هر امام و رهبری باید قبل از وی خود را برای پیروی کامل آماده سازند:

جمله گفتند این زمان ما را به نقد
پیشوائی باید اندر حل و عقد
تا بود در راه ما را رهبری
زانکه نتوان ساختن از خود سری
در چنین ره حاکمی باید شگرف
بوکه بتوان دست ازین دریای ژرف

حاکم خود را به جان فرمان بریم. (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۵۳)

یکی از نقش‌های مهم و اساسی رهبران ره یافته و رهنما، هدایت کردن امت در مراحل سخت و بحرانی است؛ خصوصاً آن گاه که دشمنان سیل شبهات را به سوی جامعه روانه می‌سازند و اکثریت مردم را از یقین خارج ساخته و در دو راهی شک و گمان ننگه می‌دارند. رهبر باید از کمالات لازم برخوردار باشد تا بتواند پناهگاه مردم باشد. از نظر عطار، با شک و تردید نمی‌توان ادامه راه داده و به مقصد رسید. اگر امت به دام تردید افتادند فقط رهبر الهی که به علم و معرفت و معنویت مزین است می‌تواند مردم را به یقین رسانده و از شک برهاند. در قصه عطار، مرغان به هدهد پناه برده و از او می‌خواهند که آنان را موعظه کند، زیرا او با پیامبری چون سلیمان همنشین بوده و از دریای معارف وی بهره جسته است:

جمله مرغان زهول و بیم راه
بال و پر پر خون بر آوردند آه
راه می‌دیدند و پایان ناپدید
درد می‌دیدند و درمان ناپدید

چون بترسیدند آن مرغان ز راه
 جمع گشتند آن همه یک جایگاه
 پیش هدهد آمدند از خود شده
 جمله طالب گشته و بخرد شده
 پس بدو گفتند ای دانای راه
 بی ادب نتوان شدن در پیش شاه
 تو بسی پیش سلیمان بوده ای
 بر بساط ملک سلطان بوده ای
 رسم خدمت سر به سر دانسته ای

موضع امن و خطر دانسته ای (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۹۷)

بدین ترتیب وجود عنصر هدهد در داستان منطق الطیر به عنوان رهبر و منجی طریق عرفانی برای رسیدن به سیمرغ و برشمردن صفات و ویژگی های راهبری و راهروی توسط عطار ضرورت بررسی و تحلیل تئوری مهدویت در منطق الطیر عطار را بیش از پیش آشکار می نماید. در حقیقت مقاله حاضر در پی آن است که با روش توصیفی- تحلیلی در ابتدا به تبیین تئوری مهدویت در منطق الطیر پرداخته و سپس به تحلیل زاوایای جدیدی از آن در قالب شخصیت های داستانی بپردازد. ازین رو، در پی پاسخ دادن به سؤالات زیر می باشد: ۱- آیا می توان به واکاوی تئوری مهدویت در منطق الطیر عطار پرداخت؟ ۲. در صورت اثبات، چگونه می توان به تحلیل ویژگی ها و صفات رهبران و رهروان طریق معرفت براساس تئوری مهدویت پرداخت؟ با توجه به جایگاه کمتر شناخته شده تئوری مهدویت در آثار منظوم عرفانی به ویژه منطق الطیر عطار، نگارنده بر آن است که به واکاوی و تحلیل جوانب ناگفته شده تئوری مهدویت و ارائه روشنگری بیشتر ازین مبحث بپردازد.

۲. هدهد، از رهبری تا نجات بخشی

امامت و رهبری در وادی عرفان به معنای قیام عبد به حق هنگام فنا از نفس خویش.

جرجانی، ۱۳۰۶، ص ۱۱۰) پیروی و متابعت جامعه مهدوی از وجود مطلق او، بساط رسیدن فیض به جامعه را مهیا می‌کند. امام خمینی در تبیین مسئله ولایت و انسان کامل، انسان کامل را مظهر ذات و صفات خداوند می‌داند: «بالضرورة باید برای حقیقت عین ثابت انسانی یعنی عین ثابت محمدی و حضرت اسم اعظم نیز مظهری در عالم عین وجود داشته باشد تا احکام ربوبیت را ظاهر سازد و بر اعیان خارجی حکومت کند همان حکومتی که اسم اعظم بر سایر اسماء و عین ثابت انسان کامل بر سایر اعیان دارد. (خمینی، ۱۳۷۱، ص ۸۲) در واقع با ظهور این عین است که ولایت بر مردم آشکار می‌شود و به مشیت الهی و بیداری مردم پس از کنار رفتن ابرهای تیره و تار، خورشید جهان افروز رخ می‌نماید و چشمان منتظر دشت و دمن را روشنی می‌بخشد و آرزوی آرزومندان عدالت و آزادگی برآورده می‌شود. بدیهی است که پس از مبارزهای فراگیر و سرسخت با فساد، نوبت به استقرار حاکمیت دادگری می‌رسد و عدالت بر کرسی حکمرانی تکیه می‌زند تا هر کس و هر چیزی را در جای خود قرار دهد و سهم هر پدیده‌های را به مقتضای حق و داد بپردازد. و بالاخره جهان و جهانیان شاهد حکومتی خواهند بود که سراسر حق و عدل است و کمترین ستم و ستمگری در گستره آن بر کسی نمی‌رود. حکومتی که مظهر صفات جمال و زیبایی پروردگار عالم است و در ساحت آن، بشر به تمامی آرمانهای فراموش شده خود دست می‌یابد و نور الهی تجلی و تاریکی و ظلمت و جهل نابود می‌گردد. با استقرار ولایت عرفانی جامعه با فنای کامل در نور آماده پذیرش و رسیدن به لقاء الله خواهد شد.

منظور از جامعه مهدوی، آن جامعه‌ای است که امام زمان می‌آید تا آن دنیا را بسازد، همان جامعه‌هاییست که همه پیامبران برای تأمین آن در عالم ظهور کردند؛ یعنی همه پیغمبران مقدمه بودند تا آن جامعه ایده-آل انسانی که بالاخره به وسیله ولی عصر و مهدی موعود در این عالم پدید خواهد آمد و پایه‌گذاری خواهد شد به وجود بیاید. انبیای الهی از آغاز تاریخ بشریت یکی پس از دیگری آمدند تا جامعه را و بشریت را قدم به قدم به آن جامعه آرمانی و آن هدف نهایی نزدیک کنند. در صیغه ایرانی و اسلامی مراد شیخ و پیری کاروان و رهبری وارسته است که هر آنچه را که بر مرید القاء می‌کند، سالک بدون چون و چرا کردن باید

بپذیرد، حتی اگر به ظاهر خلاف شرع اسلام باشد.» (رازی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶) مرید به حقیقت مراد باشد و مراد به حقیقت مرید باشد و مراد نام آن کس باشد که حق تعالی نگاه او را به قدرت جذب کند و از خلق بریاید.» (کلابادی، ۱۳۷۱، ص ۴۵۵)

منطق الطیر عطار با طرح مبانی عرفان اسلامی به طور عام و نظریه وحدت وجود به طور خاص، همچنین با داشتن جنبه‌های تمثیلی و نمایشی، شأن و جایگاهی محکم در زبان و ادبیات فارسی دارد. هدهد به عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته در این اثر است که با تأکید بر کنش جمعی و بسیج عمومی، مرغان دیگر را برای حرکتی جدید و متفاوت متقاعد کند. منش و روش هدهد در اقلان و بسیج مرغان بر مبنای نظریه‌های روانشناختی انسان‌گرا، تحلیل پذیر و درخور بررسی است. نظریه «خودشکوفایی» ابراهام مزلو، پدر روانشناسی انسان‌گرا، در رفتارشناسی و شناخت هدهد رهبر پرندگان در مسیر رسیدن به سیمرغ به خواننده کمک می‌کند تا شخصیت هدهد را به عنوان سمبل انسان خودشکوفا و کنش‌گرا بهتر درک کند. (maslowX, 1941, p27) به نظر می‌رسد هدهد در جایگاه یک رهبر خودشکوفا و کنش‌گر توانسته است با تکیه بر ویژگی‌هایی مانند گشودگی نسبت به تجربه‌های اوج، تأکید بر منطق گفت و گو و مکالمه، هوش کلامی، انعطاف پذیری، اشتیاق و صداقت، خلاقیت و دوری از تقلید، خودبسندگی و خودمختاری و درک متقابل، بسیج عمومی و کنش جمع محور، مرغان را به نتیجه‌ای مطلوب و آرمانی برساند که همانا رسیدن به کمال انسانیت و یا همان سیمرغ و یا ذات حق متعال است. (maslowX, 1941, p31) بنابراین، هدهد را می‌توان نمادی از انسانهای موفق دانست که فراتر از نیازهای فیزیولوژیک در جستجوی معرفت و بصیرت است. به طور کلی در این منظومه، با توجه به ویژگی‌های هدهد می‌توان او را یک استعاره برای راهبری و منجی دانست که در آغاز و پایان وادی عرفان، مرغان طریق معرفت را وادی به وادی به سوی سیمرغ (ذات حق متعال) جلو می‌برد. این منجی، نماینگر شخصیت والای امام زمان، صاحب ولایت و در نتیجه انسان کاملیست که در متون عرفانی به عنوان خلیفه الله معرفی می‌شود:

پس آن گمانی که ببرید او خلافت نهد بر سرتاجش خلافت. (شبهتری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۸۱۶)

۳. صفات و ویژگی‌های رهبران و رهروان سالک بر اساس تئوری مهدویت

در نزد اهل عرفان، سلوک عبارت است از رفتن از اقوال بد به اقوال نیک و افعال بد به افعال نیک و از هستی خود به هستی خدای، یعنی چون سالک بر اقوال و اخلاق نیک ملازمت کند، انوار معارف بر وی روی نماید و چیزها را چنانکه هست بداند و شرط اساسی در موفقیت رهبری تجات بخش، اطاعت رهروان از رهبر خویش است. (نسفی، ۱۳۶۶، ص ۱۲) در تئوری مهدویت نیز، بزرگ‌ترین رهبران و با فضیلت‌ترین پادشاهان، اگر پیروان مخلص و مطیع نداشته باشند، محکوم به شکست در برابر دشمن بوده و بسیاری از طرح و برنامه‌های آنها عقیم خواهد ماند. تاریخ بسیار نشان داده است که گروهی اندک، ولی با هدف و اراده‌ای قوی و اخلاص والا توانسته‌اند بر گروهی کثیر چیره گردند: «كَمْ مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره: ۲۴۹) پیروی از رهبر نباید پیروی حرفه‌ای و مصلحتی باشد، بلکه پیروی جانانه و مخلصانه، کارگشا و ارزشمند است. عطار این حقایق را از قول پرنندگان بیان کرده و ضرورت رهبری و پیروی از اوامر هدهد نجات بخش را چنین عنوان می‌کند:

جمله گفتند این زمان ما را به نقد
پیشوائی باید اندر حل و عقد
تا بود در راه ما را رهبری
زانکه نتوان ساختن از خود سری
در چنین ره حاکمی باید شگرف
بوکه بتوان دست ازین دریای ژرف
حاکم خود را به جان فرمان بریم

جز به حکم و امر او ره نسپریم (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۱۱۷)

یکی از مسائلی که در منطق الطیر جهت رسیدن به مقصود مطرح می‌شود، رهبری و رهروی است. عطار بدون استفاده از واژگان سیاست، مدیریت، رهبری و پیروی، غیرمستقیم به عمومیت داشتن مساله رهبری، وحدت و همکاری در مسائل اجتماعی، بیعت با رهبر فلسفه و حکمت رهبری اشاره می‌کند و به بیان آیین آنها می‌پردازد:

مجمعی کردند مرغان جهان
هرچه بودند آشکارا و نهان
جمله گفتند این زمان در روزگار
نیست خالی هیچ شهر از شهریار
از چه رو اقلیم ما را شاه نیست
بیش ازین بی شاه بودن راه نیست
یکدگر را شاید آری کنیم
پادشاهی را طلبکاری کنیم
زانکه چون کشور بود بی پادشاه
نظم و ترتیبی نماند در سپاه
پس همه در جایگاهی آمدند

سر به سر جویای شاهی آمدند (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷ش، ص ۱۷۸)

از منظر عطار، همه مرغان جهان گرد هم آمدند و درخصوص پادشاهی و رهبری مشورت کردند؛ نمی‌گویند گروهی از مرغان یا مرغان فلان منطقه، بلکه مرغان جهان ضرورت وجود پادشاه و رهبر را احساس کرده، از این رو همه دور هم جمع شدند تا در این باره تصمیم‌گیری کنند؛ بنابراین مساله فراگیر بوده و عمومیت دارد و هر موجود زنده‌ای در نوع خود باید در حد توان در امور اجتماعی شرکت کند. قرآن کریم در اشاره به این تئوری مهم در مهدویت که در رأس امور قرار دارد، بدین مساله چنین اشاره می‌کند: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ؛ (أنعام: ۴۷) و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه پرنده‌ای که به و بالش حرکت می‌کند، مگر این که امت‌هایی همانند شما هستند.»

امت بودن جنبندگان و پرندگان بیانگر زندگی اجتماعی آنهاست. اقتضای زندگی اجتماعی نیز، وجود رهبری و رهروی است؛ بنابراین باید به سراغ رهبر رفت و نباید منتظر آمدن وی شد، زیرا رهروان به رهبران احتیاج دارند و باید به محضرشان رسیده و دست یاری

به سوی وی دراز کرده و از رهبر تقاضای راهنمایی و هدایت بکنند. باید در امت درد طلب پیدا شود تا طلبکار رهبر شوند و در سایه طلب به مطلوب برسند. آنچنان که عطار می‌گوید:

یکدگر را شاید آری کنیم پادشاهی را طلبکاری کنیم (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷ش، ص ۱۲۳)

یکی از شرایط رسیدن به راهنما در تئوری مهدویت، این است که درد طلب همگانی ایجاد شود و همه یکدل طالب یک مطلوب شوند، یعنی وحدت طلب داشته باشند. اگر همه طالب شوند، ولی هرکسی مطلوب خاص خود را داشته و تنها پرچم خود برافراشته و به دیگران نپردازد، هیچ‌گاه در یک موضوع به اتفاق نرسند و به مقصود هدایت نشوند. (نوربخش، ۱۳۹۱ش، ص ۱۴۶) در وادی عرفان اسلامی نیز وقتی سالکان در طلب رهبر همه یار و همکار شدند و به رهبر رسیدند، باید یاور وی شوند و گوش به فرمان وی باشند و دور وی گردند و از فرمان او نگردند تا چرخ جامعه به درستی بگردد؛ زیرا نظم و ترتیب اجتماع در گرو مدیریت سالم رهبر جامعه و پیروی صادقانه رهروان اوست:

زانکه چون کشور بود بی پادشاه

نظم و ترتیبی نماند در سپاه (همان، ص ۲۱۳)

به همین سبب هیچ جامعه‌ای بدون جمعیت و هیچ جمعیتی بدون مدیر نبوده و نتواند بود.

جمله گفتند این زمان در روزگار

نیست خالی هیچ شهر از شهریار (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۲۱۴)

در مساله مهدویت، شرایط رهبری با توجه به مقام منیع و وسیعش دارای مراتب و درجاتی است. (نوربخش، ۱۳۹۱ش، ص ۷۸) در عرفان اسلامی نیز، سلطان و پادشاه مطلق در منطق الطیر، حضرت باری تعالی است. مرتبه پایین‌تر از او، انبیا و اولیای الهی‌اند، و در مرحله پایین‌تر خود ساختگان آیین انبیا و اولیا قرار دارند. در این سلوک عرفانی، رهبری، راه رسیدن به مقصد اعلا «سیمرغ» را، «دههد» به عهده می‌گیرد. دههد به دلایل متعددی خود متصف به صفات خاص رهبری و امامت است. عطار این صفات را چنین برمی‌شمارد: تیز فهمی و آگاهی به امور؛ ارتباط با پیامبر الهی و استفاده از دانش او، آزادگی و آزادسازی دیگران؛ درد طلب داشتن و صاحب درد بودن؛ سیر و سلوک و تحمل سختی‌ها؛ خودشناسی و خودسازی:

هدهد آشفته دل پر انتظار
 در میان جمع آمد بی قرار
 تیز فهمی بود در راه آمده
 از بد و از نیک آگاه آمده
 گفت ای مرغان منم بی هیچ ریب
 هم برید حضرت و هم پیک غیب
 هم ز حضرت من خبردار آدم
 هم ز فطرت صاحب اسرار آدم
 می گذارم در غم او روزگار
 هیچکس را نیست با من هیچکار
 چون که آزادم ز خلقان لاجرم
 خلق آزادند از من نیز هم
 چون منم مشغول درد پادشاه
 هرگزم دردی نباشد از سپاه
 آب پیمایم زوهم خویشتن
 رازها دانم بسی زین بیش من
 با سلیمان در سخن پیش آدم
 لاجرم از خیل او بیش آدم
 هرکه او مطلوب پیغمبر بود
 زبیدش بر سر اگر افسر بود
 هرکه مذکور خدا آمد به خیر
 کی رسد در گرد سیرش هیچ طیر
 سالها در بر و بحر می گشته ام

پای اندر ره به سر می گشته ام (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۱۹۰)

عطار «تیز فهمی و آگاهی بر امور» را یکی از شرایط رهبری می‌داند، گذشته از این، باید صاحب مقامات معنوی و غیبی نیز باشد که در نصوص دینی از آن به ورع و تقوا نام می‌برند. اهمیت این صفت به حدی است که انسان فاقد آن اگر عالم‌ترین و شجاع‌ترین و سیاست‌مدارترین انسان‌ها باشد، بدون متصف بودن به صفت تقوا، قابلیت رهبری را به دست نمی‌آورد. از این رو در توقیع شریف حضرت صاحب الزمان درباره صفات راهبران صالح آمده است:

واما من كان من الفقهاء، حافظا لدينه، صائنا لنفسه، مخالفا لهواه، مطيعا لامر مولاه، فللعوام ان يقلدوه (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۲، ح ۱۲، ص ۸۸) و اما از میان فقها هرکدام بیشتر حافظ دین خود و نگهدار و مخالف هوای نفس خود و مطیع امر مولایش باشد، بر عموم مردم است که از وی پیروی کنند. این شرط‌ها در اشعار عطار اینگونه بیان شده است:

تیز فهمی بود در راه آمده

از بد و از نیک آگاه آمده

گفت ای مرغان منم بی هیچ ریب

هم برید حضرت و هم پیک غیب

هم ز حضرت من خبردار آمدم

هم ز فطرت صاحب اسرار آمدم (همان، ص ۱۹۵)

ارتباط با وحی و شناخت امور و حیوانی از طریق حاملان وحی و پی بردن به اسرار آن، از تئوری‌های دیگر مهدویت در رهبری و رهنمایی خلق است. (نوربخش، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۲۲)

در منطق الطیر نیز، برید حضرت سلیمان و پیک غیب بودن و به تبع آن حامل اسرار شدن به آدمی لیاقت پادشاهی می‌دهد. مهم‌تر از همه اینها رسیدن به کمالات معنوی است، به گونه‌ای که صاحب کمال در نظر اولیا الله را صاحب جمال نیز می‌کند. از نظر هدد، این که حضرت سلیمان از میان همه مرغان و در میان آن همه موجودات چشمش به دنبال او و جویایش بوده، نشانه انس و الفت وی با هد هد است؛ به گونه‌ای که غیبتش بر وی سنگین آمده و طالب حضور او می‌شده است. از سوی دیگر، هرکسی در سایه کمالات بتواند مطلوب و محبوب پیامبر و ولی عصر خویش باشد، او را سزد که در غیاب آن رهبر الهی به رهبری امت

بپردازد و کمالات و معلومات را که از پیامبر حاصل کرده است به دیگران برساند:

هر که او مطلوب پیغمبر بود

زیبیش بر سر اگر افسر بود

هر که مذکور خدا آمد به خیر

کی رسد در گرد سیرش هیچ طیر (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۱۶۸)

شرط دیگر رهبری در مهدویت، آزادگی و آزادسازی دیگران است. (نوربخش، ۱۳۹۱، ص ۳۵) آن که پادشاهی و امامت امتی را به عهده می‌گیرد، قبل از هر چیز باید به این صفت متصف شود که صفت پیامبران و اولیای الهی است. بدین جهت خداوند در وصف پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷)؛ و سنگینی‌ها و بندهای آنها را از آنها برمی‌دارد. در تئوری مهدویت، رهبر تا از قید و بند دنیا آزاد نباشد، نمی‌تواند دیگران را به آزادی برساند و چون خودش آزاد است، همه را به سوی آزادی رهنمون می‌شود؛ از این رو کسی را جانشین خود می‌کند که همانند او آزاد و آزادساز است. عطار در این باره می‌گوید:

زان سبب پیغمبر با اجتهاد

نام خود و آن علی مولا نهاد

کیست مولا آنکه آزادت کند

بند رقیت زبایت وا کند (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۲۰۱)

بدین جهت عطار می‌گوید:

چون که آزادم ز خلقان لاجرم

خلق آزادند از من نیز هم (همان، ص ۳۱۳)

مساله دیگر در رهبری در مهدویت، درد داشتن است. (نوربخش، ۱۳۹۱، ص ۹۰) در وادی عرفان، درد دین، درد تعالی و درد وصال وجود دارد. آن که صاحب درد است که دردمندان را می‌شناسد. مرفهان بی درد نمی‌توانند حال دردمندان را دریابند تا چه رسد به این که بخواهند آنها را مداوا کنند؛ بدین جهت همه انبیا و اولیا از میان اقشار دردمند برخاسته و به درمان آنها

پرداخته‌اند. در این رابطه عطار اینگونه می‌گوید:

درد باید در ره او و انتظار
تا درین هر دو برآید روزگار
گر درین هر دو نیایی کار باز
سر مکش زنه‌ار ازین اسرار باز
در طلب صبری بیاید مرد را
صبر خود کی باشد اهل درد را
ای دریغا درد مردانت نبود

درد باید مرد را آنت نبود (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۲۶۷)

بدین سبب عطار یکی از صفات نیک هدهد (منجی)، را دردمندی وی دانسته به طوری که درد پادشاه او را از چیزهای دیگر غافل ساخته است.

چون منم مشغول درد پادشاه

هرگزم دردی نباشد از سپاه (همان، ص ۳۲۱)

و نیز از دیدگاه عطار، رهبر جامعه انسانی باید خود را فراتر از مقام رهبری بداند، آن گونه که هیچ وابستگی و تعلق خاطری به مقام سلطنت و پادشاهی در وجود او نباشد. در حقیقت، سلطان واقعی کسی است که به هوای نفس خود سلطنت داشته و قبل از هر چیز زمام او را به دست آورد. سپس در اثر کمالات معنوی و معرفت و عرفان به زیبایی‌های عالم معنا دسترسی پیدا کرده، به طوری که زیبایی‌های دنیا او را نفریبید. از نظر عطار آن که معرفت ندارد صلاحیت سلطنت را نیز ندارد:

هست دائم سلطنت در معرفت
جهد کن تا حاصل آید این صفت
هرکه مست عالم عرفان بود
بر همه خلق جهان سلطان بود
ملک عالم پیش او ملکی شود

نه فلک در بحر او فلکی شود
گر شوی قانع به ملک این جهان

تا ابد ضایع بمانی جاودان (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۲۷۶)

در مساله مهدویت، علت این که بعضی از سلاطین برای رسیدن به سلطنت دست به هر کاری می‌زنند (نوربخش، ۱۳۹۱ش، ص ۱۳۰)، این است که آن‌ها از لذایذ معنوی محرومند و تنها در لذایذ مادی غلت می‌زنند. از نظر عطار نیز، اگر سلاطین می‌دانستند که با پرداختن به لذایذ مادی محض و دولت ناسوتی از چه دولتی و لذتی محروم مانده‌اند، زانوی غم بغل می‌کردند و در به روی خود می‌بستند و از دام دغل می‌رستند و به حق می‌پیوستند:

گر بدانندی ملوک روزگار

ذوق این شربت زملک بی‌کنار

جمله در ماتم نشستندی ز درد

در به روی هم بیستندی ز درد (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۲۷۷)

در بیان ویژگی رهبر و متخلق شدن به فضایل اخلاقی، منطق الطیر از زیان هدهد می‌گوید: من فضیلتی دارم که هیچ کدام از شما به آن نرسیده‌اید و آن مجاورت با سلیمان نبی علیه السلام و تربیت در محضر اوست. انفاس قدسیه حضرت سلیمان بر من خورده است و من از انوار او منور شده‌ام. چه بسا در میان شما عالمان و عابدان و کاردانیانی باشند، اما هیچ کدام محضر سلیمان را درک نکرده‌اند آنگونه که عطار می‌گوید:

سائلی گفتش که ای برده سبقت

تو به چه از ما سبقت بردی به حق؟

چون تو چون مائی و ما همچون تو راست

در میان ما تفاوت از چه خاست

چه گنه آمد ز جسم و جان ما

قسم تو صافی و دردی آن ما؟

گفت: ای سائل، سلیمان را همی

چشم افتاد است بر ما یکدمی
 نی به سیم این یافتم من، نی به زر
 هست این دولت مرا از یک نظر
 کی به دست آرد به طاعت این کسی
 زانکه کرد ابلیس این طاعت بسی
 ورکسی گوید نباید طاعتی
 لعنتی بارد بر او هر ساعتی
 تو مکن در یک نفس طاعت رها
 پس منه بر طاعت خود هم بها
 تو به طاعت عمر خود می بر به سر
 تا سلیمان بر تو اندازد نظر
 چون تو مقبول سلیمان آمدی

هرچه گویم بیشتر زان آمدی (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۲۱۹)

بنابراین هرکس خصوصاً رهبران، در عین مداومت به اطاعت و بندگی، باید مواظب باشند که غرور عبادت آنها را گمراه نکنند؛ آنچنان که این خود از فضائل اخلاقی رهبر مهدوی، حضرت ولیعصر است (نوربخش، ۱۳۹۱، ص ۱۵):

تو مکن در یک نفس طاعت رها

پس منه بر طاعت خود هم بها (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۲۲۰)

وقتی که انسان عابد با این همه خطرات روبه روست و تنها در صورت پشت سر گذاشتن این خطرها لیاقت رهبری پیدا می‌کند، واضح است که انسان غیر عابد به هیچ وجه سزاوار این مقام نخواهد بود، زیرا کسی که آئین رهروی را به جا نیاورده باشد به مقام رهبری نمی‌رسد و اگر هم برسد نمی‌تواند حق و حقوق رهروی را بفهمد و آن را به جا آورد. مسلم است که آن که حق خداوند را به جا نیاورد هیچ گاه حق بنده خدا را به جا نخواهد آورد. و آن که در صورت بندگی، خود را از خدای خویش طلبکار می‌داند، یقیناً بندگان خدا را نوکر و اسیر خود خواهد دانست.

عطار برای رهروان سلوک عرفان نیز، نیز صفاتی قائل است. از نظر او، زهرو هر قدر مقصودش متعالی باشد، باید همتش بلند بوده و خود را برای تحمل سختی‌های فراوان آماده سازد. شرط اساسی برای قابلیت سلوک، خودسازی و جانبازی است. آنچنان که می‌گوید:

پس شما با من اگر هم‌ره شوید
محرم آن شاه و آن درگه شوید
وارهید از ننگ خودبینی خویش
از غم و تشویر بی دینی خویش
هرکه در روی باخت جان از خود برست
در ره جانان ز نیک و بد برست
جان فشانید و قدم در ره نهید

ایکوبان سر بدان درگه نهید (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۲۹۰)

در تئوری مهدویت، پای نهادن در راه راستی و پاکی، پاک شدن از وابستگی‌ها و وارستگی‌های دنیوی و اجتماعی را می‌طلبند (نوربخش، ۱۳۹۱، ص ۱۷۸) دل‌بندی به دنیا با آیین دلبری نمی‌سازد. ضمن این که هزاران تهمت و بهتان از طرف حسودان و تاریک اندیشان و مغرضان متوجه سالک خواهد شد؛ چه بسا بی دینان سالک دیندار را به بی دینی متهم سازند، اما او نباید از این اتهامات ترسی به خود راه دهد و از راهروی بماند. گذشته از این مشکلات اجتماعی و سیاسی، مشکلات سلوک نیز وجود دارد، یعنی اگر هیچ کدام از مشکلات یاد شده وجود نداشته باشد، خود رهروی و حرکت به سوی مقصد اعلا سختی‌های خاص خود را دارد. همان گونه که دانش و تقوا بدون ریاضت و جان فشانی حاصل نمی‌گردد؛ بدین جهت رهرو باید خود را برای طی راه‌های صعب العبور و مبارزه با هزاران دام و دد آماده کند:

بس که خشکی بس که دریا در ره است
تا نپنداری که راهی کوتاه است
شیرمردی باید این ره را شگرف

زانکه ره دور است و دریا ژرف ژرف
 روی آن دارد که حیران می‌رویم
 در رهش افتان و خیزان می‌رویم
 گر نشان یابیم از او کاری بود
 ورنه بی او زیستن عاری بود
 مردمی باید تمام این راه را
 جان فشاندن باید این درگاه را
 دست باید شست از جان مردوار
 تا توان گفتن که هستی مرد کار
 گر تو جانی برفشانی مردوار

بس که جانان جان کند بر تو نثار (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۲۹۰)

سختی‌های موجود در آیین رهروی باعث شده است که از هزاران مدعی و مرید، جماعت کمی، تاب و توان تحمل مشقت‌ها را داشته و اکثریت یا از نیمه‌های راه برمی‌گردند و یا از قافله باز می‌مانند. وحشت از سختی‌ها و دل بستن به دنیا و مشغولیت به امور فردی و اجتماعی باعث می‌شود که مدعی سلوک قولش به فعل تبدیل نشود و به راه نیفتاده از راه به در رود. از این رو بسیاری از پرندگان وقتی جدیت دهد را دیدند هرکدام به نوعی عذر آوردند و از سفر بازماندند. دلایلی که هر یک از آنها بیان می‌کنند بیانگر نوعی دل‌بندی به چیزهایی است که آنها را مدت‌ها به خود مشغول ساخته است؛ از این رو نمی‌توانند از آنچه بدو عادت کرده‌اند، جدا شوند و سختی‌های راه را به جان بخرند و دل به غیر حق ندهند. اینک به عذر بعضی از آنها و جواب دهد به هر یک اشاره می‌شود. یکی دیگر از صفات رهروی، دردمندی است. سالک تا احساس درد نکند به دنبال درمان نرود. آنچنان که می‌گوید:

طیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک

چو در تو درد نبیند که را دوا بکند؟ (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷، ص ۲۳۷)

از نظر عطار، تنها رهرو دردمند می‌تواند پیام رهبر دردمند را بفهمد و دل به او دهد، در

غیر این صورت هرچه انسان وارسته و به حق پیوسته بگوید، برای شنونده بی درد بی معنا و افسانه می‌نماید:

گر چو مردان درد دین بودی تو را
آنچه می‌گویم یقین بودی تو را
ز آشنایی چون دلت بیگانه است

هرچه می‌گویم تو را افسانه است (همان، ص ۲۴۵)

۴. نتیجه‌گیری

منطق الطیر عطار با طرح مبانی عرفان اسلامی به طور عام و نظریه وحدت وجود به طور خاص، همچنین با داشتن جنبه‌های تمثیلی و نمایشی، شأن و جایگاهی محکم در زبان و ادبیات فارسی دارد. هدهد به عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته در این اثر است که با تأکید بر کنش جمعی و بسیج عمومی، مرغان دیگر را برای حرکتی جدید و متفاوت متقاعد کند. هدهد (منجی) در جایگاه یک رهبر خودشکوفای و کنش‌گر توانسته است با تکیه بر ویژگی‌هایی مانند گشودگی نسبت به تجربه‌های اوج، تأکید بر منطق گفت‌وگو و مکالمه، هوش کلامی، انعطاف‌پذیری، اشتیاق و صداقت، خلاقیت و دوری از تقلید، خودبسندگی و خودمختاری و درک متقابل، بسیج عمومی و کنش جمع‌محور، مرغان را به نتیجه‌ای مطلوب و آرمانی برساند که همانا رسیدن به کمال انسانیت و یا همان سیمرغ و یا ذات حق متعال است. بنابراین، هدهد را می‌توان نمادی از انسان‌های موفق دانست که فراتر از نیازهای فیزیولوژیک در جستجوی معرفت و بصیرت است.

به طور کلی در این منظومه، با توجه به ویژگی‌های هدد و ظرفیت رهبری و رهروان سالک طریق معرفت می‌توان او را یک استعاره برای راهبری و منجی دانست که در آغاز و پایان وادی عرفان، مرغان را وادی به وادی به سوی سیمرغ (ذات حق متعال) جلو می‌برد. این منجی، نماینگر شخصیت والای امام زمان، صاحب ولایت و در نتیجه انسان کاملیست که در متون عرفانی به عنوان خلیفه الله معرفی می‌شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. جرجانی، سید شریف (۱۳۰۶ش)، *التعريفات*، بيروت: دارالسرور.
۲. خمینی، روح اله (۱۳۷۱ش)، شرح و حدیث جنود عقل و جهل: مؤسسه نشر آثار امام.
۳. رازی، نجم الدین (۱۳۸۴ش)، *مرصاد العباد*، به اهتمام محمدامین ریاحی، چاپ دهم، تهران: علمی و فرهنگی.
۴. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۳)، *جستجو در تصوف*، تهران: نشر نی.
۵. دشتی، سید محمد، *انسان کامل در فصوص و مثنوی*، هفت آسمان، ش ۲۸، صص ۶۱-۸۶، ۱۳۸۴ش.
۶. شبستری، محمود بن عبد الکریم (۱۳۷۷ش)، *فرهنگ موضوعی ادب پارسی*، ج ۱، تهران: فضیلت علم.
۷. عطار نیشابوری، فرید الدین (۱۳۷۷ش)، *منطق الطیر*، تصحیح مشکور، تهران: الهام.
۸. قونوی، صدرالدین (۱۳۷۱ش)، *کتاب الفلوک*، مقدمه و تصحیح محمد خواجوی: نشر مولی.
۹. کلانادی، ابوبکر (۱۳۷۱ش)، *التعرف لمذهب اهل التصوف*، به کوشش محمد جواد شریعت، تهران: اساطیر.
۱۰. لاهیجی، محمدبن عیسی (۱۳۸۲ش)، *مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز*، تصحیح محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران: زوار.
۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۸)، *بحار الأنوار*، ج ۲، ح ۱۲، بيروت: دارأحیاء التراث العربی.
۱۲. نسفی، عزیز (۱۳۶۶ش)، *شف الحقایق*، به اهتمام و تعلیق احمد مهدوی دامغانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. نوربخش، سید محمد (۱۳۹۱ش)، *رساله الهدی*، تلاش برای رد مهدویت، رسول جعفریان، تهران: نشر مولی.
14. Maslow, A.H. *Challenges of Humanistic Psychology*, New York: McGraw-Hill, 1941.

Analysis of the Theory of Mahdism in Attar Nishaburi's Manteq al-Tayr

Hassan Haji Zadeh Anari¹

Mohammad Mir²

In the age of globalization, the theory of Mahdism has very broad and extensive dimensions. One of the most important manifestations of it in Islamic mysticism is the issue of the Seal (Khatm) and Mahdism, which is discussed under titles such as the Perfect Man, leadership, and spiritual guardianship. This research, using a descriptive-analytical method, aims to present a mystical interpretation of the issue of Mahdism in Attar Nishaburi's Manteq al-Tayr. This poetic work narrates the long and painful journey of birds who rise up in search of the Simurgh, their absolute and undisputed king. One of the issues raised in the story of the birds to reach their destination is leadership and guidance. The Hoopoe in Manteq al-Tayr is a metaphor for the guide and messenger who leads the birds step by step towards the Simurgh on the mystical path. Attar, without using the terms politics, management, leadership, and following, expounds on the theory of Mahdism by enumerating the characteristics of guidance and leadership of the Savior, i.e., the Hoopoe. Given the lesser-known position of the theory of Mahdism in mystical poetic works, especially Attar's Manteq al-Tayr, the author intends to analyze and present more clarification on the unspoken aspects of the theory of Mahdism.

Keywords: Analysis, Theory of Mahdism, Attar, Manteq al-Tayr

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies and Education, Shahid Chamran Campus, Tehran Province Campus Management, Farhangian University, Iran; hajizadeanari@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies and Education, Farhangian University; hhajizadehanari@gmail.com

Content Analysis of Textbooks for Teaching the Holy Quran and Heavenly Gifts in the First Elementary Grade Regarding the Components of Spiritual and Moral Identity-Based Education of Children in Accordance with the Second Step of the Islamic Revolution Statement

Mehdi Mirzaei¹

The emphasis of the Supreme Leader on spirituality and ethics as the second chapter of the seven chapters of the Second Step of the Islamic Revolution statement has affirmed the importance of addressing this issue and analyzing its components from various aspects. The aim of the research is to examine the content analysis of the textbooks for teaching the Quran and Heavenly Gifts in the first elementary grade in terms of attention to the components of spiritual and moral identity-based education of children in accordance with the Second Step of the Islamic Revolution statement. The research method is descriptive, including documentary analysis and content analysis with an applied approach. The research community consists of two parts: the texts related to the components of spirituality and ethics in the Second Step of the Islamic Revolution statement and five titles of textbooks for teaching the Quran and Heavenly Gifts. The measurement tools are note-taking forms and content analysis checklists, using descriptive statistical indicators. It was determined that the components of belief in God, the birth of the power of reasoning and thinking, spiritual and moral self-cultivation, opposition to oppression and arrogance, benevolence, sacrifice and self-sacrifice, uniformity and empathy, help and assistance, patience and tolerance, forgiveness and pardon, courage, sincerity, humility and modesty, loyalty, and finally insight have received the most emphasis, respectively. Also, the textbooks for teaching the Quran and Heavenly Gifts in the third grade have received the most emphasis, and the first grade has received the least emphasis in this regard. It was also found that the content of the textbooks for teaching the Quran and Heavenly Gifts has a good level of knowledge and awareness in the field of identity capacities in the spiritual and moral fields in accordance with the Second Step of the Islamic Revolution statement, but it is still far from the desired point. Finally, an Islamic model for the spiritual and moral identity-based education of children in accordance with the Second Step of the Revolution statement has been presented.

Keywords: Content Analysis, Textbooks, Teaching the Quran and Heavenly Gifts, Spirituality and Ethics, Second Step of the Islamic Revolution Statement

1. Masters in Educational Sciences (Educational Planning), Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran; mmirza1000@gmail.com

Factors Affecting Calmness in the Holy Quran and its Educational Outcomes

Mohammad Reza Madadi Mahani¹

Seyyed Hamidreza Alavi²

Achieving calmness is one of the eternal aspirations of humanity, and humans have always tried to avoid distress and sorrow and attain peace of mind. The purpose of this article is to examine the factors affecting human calmness from the perspective of the Holy Quran. The research method is descriptive-analytical. First, a number of factors influencing human calmness are systematically inferred and described, then their educational effects and outcomes are analyzed and examined. The results show that people of faith have a greater sense of security in the face of life events, good deeds lead to human satisfaction and a feeling of friendship with God, humans can establish a connection with God through prayer and supplication, and this act will bring a pleasant feeling accompanied by calmness. The trusting person understands God well and knows that they have relied on the eternal and divine power. Therefore, they feel a sense of security and calmness. The aforementioned factors provide the basis for the growth and development of qualities such as self-confidence, patience, love, security, and others that play a role in human education.

Keywords: Calmness, Factors Affecting Calmness, Holy Quran, Educational Outcomes

1. Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran; madadi42@yahoo.com

2. Professor, Department of Educational Sciences, Shahid Bahonar University of Kerman; hralavi@uk.ac.ir

The Quranic implications of Mahdavi education in the document of fundamental transformation of education and upbringing.

Fareedeh Rezaei¹

Masoumeh Sharifi²

This research aims to identify the Quranic foundations of Mahdavi education in the document of fundamental transformation of education and upbringing using library study through a content analysis method. The paper discusses the concept of the ethical identity of the awaiting individual and examines facilitating solutions for fostering the ethical identity of adolescents in the family, educational environment, and media. Given the importance of forming the ethical identity of the waiting generation and the Mahdi's supporters in preparing the ground for his reappearance and focusing on the coordinated upbringing in its cognitive, emotional, and behavioral dimensions, facilitating solutions for the formation of the ethical identity of the waiting individual are presented at the environmental level. Due to the fundamental role of the family system, education and media, this research provides solutions based on the psychological point of view for employing each of these institutions to foster the ethical identity of the waiting generation. In this study, the ethical statements related to Mahdavi education are explained based on the verses of the Quran to contribute to the formation of the Islamic society.

Keywords: Mahdavi education, Quranic implications, fundamental transformation document, Mahdism and anticipation

1. Department of Theology, Farhangian University, Tehran, Iran; F.rezaie@cfu.ir

2. Department of Theology, Farhangian University, Tehran, Iran, Corresponding Author; r_sharifi_masoomeh@yahoo.com

Strategies for Anger Management from the Perspective of the Quran and Hadith; Emphasizing the Teaching Profession

Mohsen Rafiei¹

Javad Hojati Pour²

One of the most important issues is the problem of anger, which has been a subject of attention for scholars and practitioners in the field of education from ancient times to the present. Expressing anger in the teaching profession can be a cause of many psychological and physical harms for both teachers and students. Islamic teachings provide useful strategies in detail for controlling and managing anger, which can be utilized by teachers. This research, conducted using an analytical-descriptive method, aims to elucidate and explain the strategies for controlling and treating anger in the teaching profession from the perspective of the Quran and Hadith by examining their teachings. The research findings indicate that anger management strategies can be categorized into two specific and general groups. Specific strategies relate to anger-provoking situations in the teaching profession, while general strategies pertain to controlling anger in general individuals, professions, and various anger-provoking situations. Teachers can also benefit from these skills to control anger in the classroom. Therefore, it is essential for teachers to adopt these strategies and prevent many harms resulting from anger in the teaching profession by applying them in appropriate situations.

Keywords: Anger, Anger Management, Teacher, Teaching Profession, Quran and Hadith

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Farhangian University, Qom, Iran; Dr_mohsen_rafiei@yahoo.com

2. Master's, Farhangian University, Qom, Iran; Hojatijavad4@gmail.com

The role of religious commitment dimensions in predicting the possibility of divorce among women in Qaen city

Ahmad Mowahed¹
Khadije Alipoor Moqadam²
Zohre Abbasi³
Saeede Moradi⁴

The present study aimed to investigate the role of religious commitment dimensions in predicting the possibility of divorce among married women referring to health centers in Qaen city. This research is a descriptive-correlational study. The statistical population of this study consisted of all married women referring to health centers in Qaen city, from whom 100 individuals were selected as the sample using random sampling method. The necessary information was collected using the religious commitment questionnaire by Janbozorgi (2009) and the marital instability questionnaire by Edwards et al. (1987), and the results were analyzed using SPSS software, Pearson correlation coefficient, and regression analysis.

The results showed that among the dimensions of religious commitment (religious commitment, ambivalence, and religious non-commitment), there is a negative and significant relationship between the religious commitment and the possibility of divorce, and there is no relationship between the two dimensions of ambivalence and religious non-commitment with the possibility of divorce. The results of regression analysis showed that among the dimensions of religious commitment, the dimension of religious commitment has the ability to predict the possibility of divorce. Accordingly, it can be said that with an increase in the score of this component, the possibility of divorce decreases, and vice versa, with a decrease in the score of this component, the possibility of divorce increases. Therefore, by relying on spirituality and adopting an Islamic lifestyle, one can prevent marital conflicts and dissatisfaction, and its negative effects on the couples' lives, and enjoy greater satisfaction in marital life.

Keywords: Religious commitment, Religious non-commitment, Ambivalence, Possibility of divorce, Women

1. Instructor, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran; A.movahed@pnu.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran; kh_alipoor@pnu.ac.ir
3. Masters in Psychology and Education of Exceptional Children, Islamic Azad University, Qaen Branch; z.abasi29@gmail.com
4. Bachelors in General Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran; saeedeh.moradi@yahoo.com

Quran & Etrat

Bi-Annual Scientific Journal of Educational & Social Studies of Quran & Etrat
Volume 6, Spring & Summer 2023, Number 11

Proprietor :	Qom Farhangian University
Managing Director:	Masoumeh Sharifi
Editor-in-Chief:	Mohsen Rafiei
internal manager and Editor:	Khadijeh Komijani
Executive Director:	Hadi Borhani
English Translator:	Tohid Pashazadeh
Layout Designer:	Mohammad Hossein Hamedanian
Publication Language:	Persian
Journal Publication Format:	Print - Electronic
Publication Frequency:	Biannual
Print Run:	200 copies

“Bi-Annual Scientific Journal of Educational & Social Studies of Quran & Etrat” was licensed by the Ministry of Culture & Islamic Guidance, No.80717, Date: 25/12/2017.

Editorial Board (in Alphabetical Order):

Hamid Parsania:	Associate Professor, Department of Sociology, Institute of Islamic Culture and Thought
Fariba Haj Ali:	Associate Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Alzahra University
Mohsen Rafiei:	Assistant Professor, Quranic and Hadith Sciences, Qom Farhangian University
Ahmad Rahnamaei:	Associate Professor, Department of Educational Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute
Masoumeh Sharifi:	Assistant Professor, Quranic and Hadith Sciences, Qom Farhangian University
Mohammad Mahdi Safuraei:	Associate Professor, Department of Educational Psychology, Al-Mustafa International University
Zeinab Tayebi:	Assistant Professor, Quranic and Hadith Sciences, Qom Farhangian University
Azimzadeh Ardabili:	Associate Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Imam Sadiq University
Mohammad Faker Meybodi:	Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, AlMustafa International University
Abdullah Motamedi:	Associate Professor, Department of Psychology, Allameh Tabatabaee University

Reviewers of This Number (in Alphabetical Order):

Mohsen Rafiei, Zohreh Shariat Naseri, Masoumeh Sharifi, Fatemeh Sadat Hashemian

Partners of This Number: Somayeh Ahmadi Tifakani, Zeinab Rabieci.

Address: The Office of Basij of Instructors, Hazrat Masoumeh Campus, Farhangian University, Opposite Banafsheh Boustan, Shahid Karimi Boulevard, Qom, Iran

Telephone: 02532704673

Website: <http://qej.cfu.ac.ir/journal/contact.us>

Email: qej@cfu.ac.ir

It is permitted to cite the sources referred in this journal.